



دادستان | نشریه انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید بهشتی | دوره اول | شماره ششم | تیر ۱۴۰۴
Dadestan • Journal of Shahid Beheshti University Law Scientific Student Association
• Vol. 1 • No. 6 • Summer 2025

در این شماره می‌خوانید:

یادداشت ویژه: سن دیجیتال: سن اهلیت برای رضایت به پردازش داده‌های شخصی
دکتر باقر انصاری، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سرمقاله: کودک اینفلوئنسری؛ بهره‌کشی یا سرگرمی؟

عرفان ولی‌پور، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل





دادستان

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: عرفان ولی پور

سر دبیر: علی وفائی خسروشاهی

هیأت تحریریه: امین ایمان پور، زهرا چراغی، محمدابراهیم

سلیمانی، فاطمه صفری منصور، زهرا قادری، گیتی محبی،

علی وفائی خسروشاهی و عرفان ولی پور

نویسندگان: دکتر باقر انصاری، عرفان ولی پور، فاطمه عرفان،

الهام عبرت گیر، یاسین زمانی

گروه ویراستاری:

ویراستاران علمی: عرفان ولی پور، علی وفائی خسروشاهی

ویراستاران نگارشی: کارن حیدری، علیرضا سلمانی،

سیدمصطفی طاهری

گروه گرافیک:

تهیه عکس و تصویرسازی: تینا نصیریانی

[در تصویرسازی برای این نشریه، به طور عمد از هوش مصنوعی استفاده شده است.]

صفحه آرا: محمدجواد محسنی

طرح روی جلد: علی وفائی خسروشاهی

طراح لوگو: احمد محمدی شربیانی

امور رسانه: یاسمن حسن زاده، محمدابراهیم سلیمانی

با تشکر از دکتر باقر انصاری، عضو هیأت علمی دانشکده

حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ایمیل: Dadestanjournal@gmail.com

کانال تلگرام: [@Dadestanjournal](https://t.me/Dadestanjournal)

اینستاگرام: [Dadestanjournal](https://www.instagram.com/Dadestanjournal)

فهرست

۳	کودک اینفلوئنسری؛ بهره‌کشی یا سرگرمی؟ عرفان ولی‌پور	سرمقاله	آغازین
۲۸	سن دیجیتال: سن اهلیت برای رضایت به پردازش داده‌های شخصی دکتر باقر انصاری	یادداشت ویژه	
۳۶	کودک همسری؛ مفهوم‌شناسی، علل و پیامدها فاطمه عرفان	اول	حقوق کودک و خانواده
۴۸	راهکارهای پیش‌گیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی الهام عبرت‌گیر	دوم	
۷۶	بازنگری مفهوم کودک کار؛ مقررات گذاری و چالش‌های حقوقی یاسین زمانی	سوم	



کودک اینفلوئنسری؛ بهره‌کشی یا سرگرمی؟

عرفان ولی‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

erfanvalipour79@gmail.com



مقدمه

در سال‌های اخیر، ظهور تأثیرگذاران کودک^۱ در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، تیک‌تاک، یوتیوب و... بحث‌های قابل توجهی را به دنبال داشته است. کودکان تأثیرگذار که به‌عنوان تولیدکنندگان محتوای کودک نیز شناخته می‌شوند، کودکانی هستند که محتوایی را به‌صورت آنلاین تولید و اشتراک‌گذاری می‌کنند. تولید محتوا و اشتراک‌گذاری آن، اغلب با حمایت و راهنمایی والدین و یا سرپرستان آن‌ها است. این کودکان طرفداران قابل توجهی را جذب کرده‌اند و به شخصیت‌های تأثیرگذاری، به‌ویژه در میان مخاطبان هدف خود، کودکان و نوجوانان، تبدیل شده‌اند. این کودکان اغلب توسط برندها و شرکت‌ها برای تبلیغ محصولات و خدمات خود به کار گرفته می‌شوند.

امروزه، برخی از بزرگ‌ترین ستاره‌های کودک، مسیر خود را در پرده نقره‌ای سینما و تلویزیون آغاز نمی‌کنند. در عوض، آن‌ها از طریق تلفن‌های هوشمند خود یا والدینشان به موفقیت و شهرت دست می‌یابند. انفجار رسانه‌های اجتماعی در چند سال گذشته، نوع جدیدی از ستاره کودک را ایجاد کرده است: اینفلوئنسر کودک یا «کودک اینفلوئنسر». این کودکان به‌تنهایی یا همراه با خانواده خود ظاهر می‌شوند تا در مورد لباس کودک، اسباب‌بازی و سایر موضوعات مرتبط با خانواده صحبت کنند. اگر آن‌ها به تعداد کافی دنبال‌کننده^۲ جذب کنند، ممکن است بتوانند حساب‌های رسانه‌های اجتماعی خود را درآمدزا کرده و از برندهای بزرگ، حمایت مالی^۳ دریافت کنند.

برخی از والدین حاضرند برای رسیدن به شهرت و ثروت، حریم خصوصی، آزادی و سلامت روان فرزندان خود را قربانی کنند. حضور ایمن کودکان در محیط دیجیتال می‌تواند موجب ارتقای خلاقیت، دانش و مهارت‌های گوناگون گردد. با این حال،

1. Kid influencer.

2. Follower.

3. Sponsorship.



هنگامی که کودکان برای کسب سود تجاری مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، رفاه و چشم‌انداز آینده آن‌ها به خطر می‌افتد. کودک اینفلوئنسر به عنوان پدیده‌ای جدید، چالش‌های حقوقی عمده‌ای را ایجاد کرده است و متأسفانه هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی در سطح جهان، قوانین کارآمد و جامع برای رفع تمامی این چالش‌ها تدوین نکرده‌اند. برخی از این چالش‌ها و زوایای تاریک این پدیده عبارتند از: کار کودک، بهره‌کشی مالی از کار کودک، نقض حریم خصوصی و مسئله ردپای دیجیتال. در این یادداشت، صرفاً به جنبه‌های کار کودک و بهره‌کشی مالی از آن پرداخته می‌شود و تلاش خواهد شد که پاسخ‌هایی به این سؤالات داده شود: آیا کودک اینفلوئنسری یک شغل است یا صرفاً یک سرگرمی و بازی محسوب می‌گردد؟ دارایی‌های ناشی از این فعالیت‌ها چگونه باید مدیریت شوند؟ در پاسخی اجمالی و ابتدایی باید گفت: وضعیت کودکان اینفلوئنسر از جنبه‌های مالی اسفناک است؛ توجه اندکی به فعالیت کودکان اینفلوئنسر می‌شود و متأسفانه قوانین حمایتی در این زمینه ناکافی و محدود است. فعالیت این کودکان اغلب بسیار زیاد است و از آنجا که این فعالیت‌ها تحت حمایت حقوق کار قرار نمی‌گیرند، هیچ قانون و چارچوب مشخصی برای محدود کردن ساعات و ایام کاری آن‌ها وجود ندارد. در بسیاری از موارد، مشاهده می‌شود که در صورت عدم همکاری یا عدم تبعیت از دستورات، کودکان توسط والدین خود تحت فشار و تنبیه قرار می‌گیرند. این موارد نشان‌دهنده لزوم تصویب قوانینی جامع و کارآمد برای محافظت و حمایت از حقوق کودکان در فضای دیجیتال است. قوانینی که هم از حقوق مالی آن‌ها محافظت کنند و هم از سلامت جسمی و روانی‌شان در برابر فشارهای تجاری و تولید محتوا در فضای آنلاین، حمایت به عمل آورند.





۱. صنعت اینفلوئنسری و کودک اینفلوئنسری

بر اساس گزارش «دیجیتال ۲۰۲۴» که توسط شرکت‌های «وی آرسوشال»^۴ و «ملت‌واتر»^۵ منتشر شده است، تعداد کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی در جهان به ۵/۰۴ میلیارد نفر رسیده است که معادل ۶۲/۳ درصد از جمعیت جهان است.^۶ با ظهور و گسترش رسانه‌های اجتماعی، شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، اکنون، راهی برای تبلیغ کالاها و خدمات خود مستقیماً به مصرف‌کننده هدف خود دارند. استفاده از رسانه‌های اجتماعی در تبلیغات به بهترین راه برای شرکت‌ها به جهت رسیدن به گروه‌های سنی جوان‌تر تبدیل شده است. تقریباً ۵۰٪ از نسل Z^۷ و ۴۲٪ از هزاره‌ها (نسل Y)^۸ در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و این بنگاه‌ها معتقدند که رسانه‌های اجتماعی بهترین مکان برای تبلیغات است و آنچه در ابتدا پلتفرمی برای به اشتراک گذاری و ارتباط مردم بود، به یک پایگاه تبلیغاتی تبدیل شده است. محتوای تولیدشده توسط کاربر در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی نیز به شکل مدرنی از سرگرمی تبدیل شده است.^۹

4. We Are Social.

5. Meltwater.

6. <https://khabaronline.ir/xkZ57>.

۷. متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۱۰.

۸. متولدین اوایل دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰.

9. Geider, Jonathan F., «How to (Not) Exploit Your Internet Child Star: Unregulated Child Labor on YouTube, Instagram and Social Media» (2021). Law School Student Scholarship. 1150.p.4.

مربوطه استفاده می‌کنند. اینفلوئنسرها با برندها برای تبلیغ محصولات یا خدمات آن‌ها به دنبال‌کنندگان خود از طریق پست‌های اسپانسرشده یا سایر اشکال همکاری‌ها، مشارکت می‌کنند. این مشارکت‌ها می‌تواند هم برای اینفلوئنسر و هم برای برند سودآور باشد؛ زیرا می‌تواند آگاهی از برند و فروش را افزایش دهد و وفاداری به برند را ایجاد کند. بر اساس آخرین آمارها، ارزش صنعت بازاریابی تأثیرگذار (اینفلوئنسرمارکتینگ) در سال ۲۰۲۴ به ۲۴ میلیارد دلار رسیده است که نسبت به سال ۲۰۲۳، ۱۳/۷٪ افزایش داشته است^{۱۲}؛ در نتیجه می‌توان گفت بازاریابی اینفلوئنسر یک شکل مؤثر از تبلیغات و بازاریابی است و در سال‌های اخیر اهمیت به‌سزایی یافته است. برای شروع کسب درآمد از ایجاد محتوای رسانه‌های اجتماعی، نیازی به دنبال‌کنندگان عظیم نیست. این کاری است که هر کسی می‌تواند با یک گوشی هوشمند در دست شروع کند. در این تجارت سودآور، فرصت‌های زیادی برای کسب درآمد وجود دارد. قرارداد با برندها می‌تواند منجر به گرفتن دستمزدها و پرداخت‌های کلان شود و اینفلوئنسرها می‌توانند برای کسب درآمد، محتوای حمایت‌شده را پست کنند. اینفلوئنسرها همچنین می‌توانند از طریق بازاریابی وابسته^{۱۳}، کدهای تخفیف و لینک‌هایی را به اشتراک بگذارند و درصدی

با پیشرفت‌های سال‌های اخیر، «اینفلوئنسر»^{۱۰}‌ها در رسانه‌های اجتماعی ظاهر شده‌اند. فعل Influence در لغت به معنای تأثیرگذاری است و طبیعتاً ساده‌ترین معادل واژه Influencer، «تأثیرگذار» است.

تأثیرگذار کسی است که به دلیل اقتدار، دانش، موقعیت یا رابطه با مخاطبان یا دنبال‌کنندگان خود، قدرت تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و تصمیمات خرید دیگران را دارد.^{۱۱}

اینفلوئنسرها معمولاً در یک زمینه یا صنعت خاص مانند زیبایی، مد، تناسب اندام، سفر یا غذا تخصص دارند و به دلیل تخصص، خلاقیت و اصالت خود شناخته شده‌اند. آن‌ها محتوا را در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، یوتیوب، تیکتاک ایجاد و به اشتراک می‌گذارند و از پلتفرم‌های خود برای ایجاد شبکه‌ای از دنبال‌کنندگان وفادار و تثبیت خود به‌عنوان رهبران فکری در زمینه‌های

10. Influencer.

11. Permasari, Ai. «The Urgency of Child Labor Rights Protection as an Influencer.» 2023, p. 2.

12. <https://www.oberlo.com/statistics/influencer-marketing-market-size?>

۱۳. بازاریابی وابسته (Affiliate Marketing) یک مدل کسب‌وکار است که در آن افراد یا شرکت‌ها (وابسته‌ها) محصولات یا خدمات یک برند یا شرکت دیگر را تبلیغ می‌کنند و در ازای جذب مشتریان جدید یا انجام عملی خاص (مانند خرید یا ثبت‌نام)، کمیسیون دریافت می‌کنند.

انواع مدل‌های بازاریابی وابسته:

- مدل پرداخت به ازای کلیک (PPC - Pay Per Click): وابسته‌ها تنها زمانی پول دریافت می‌کنند که کاربران روی لینک تبلیغاتی آن‌ها کلیک کنند.
- مدل پرداخت به ازای فروش (PPS - Pay Per Sale): وابسته‌ها کمیسیون خود را تنها زمانی دریافت می‌کنند که کاربر از طریق لینک وابسته خریدی انجام دهد.



از مبلغ فروش‌های آن‌ها را دریافت کنند. اینفلوئنسرها همچنین می‌توانند از محتوای خود کسب درآمد کنند و از طریق تبلیغات و برنامه‌های از قبل یکپارچه‌شده، پول دریافت کنند و برای تعداد کلیک‌هایی که دریافت می‌کنند، درآمد کسب کنند.

در پی این مسیر، اینفلوئنسرهای خانواده نیز شروع به کسب محبوبیت و دنبال‌کنندگان قابل توجهی کرده‌اند. آن‌ها معمولاً محتوای کل خانواده خود را بارگذاری^{۱۴} می‌کنند، از ویدیوهای آواز خواندن گرفته تا چیزهای جدید از زندگی روزمره خود. از این رو، کودکان نیز از سنین پایین شروع به اینفلوئنسر شدن کرده‌اند که اغلب به آن‌ها کیدفلوئنسر^{۱۵} می‌گویند. با افزایش محبوبیت اینفلوئنسرها، شرکت‌ها اکنون شروع به هدف قرار دادن والدینی می‌کنند که می‌خواهند به وسیله فرزندان خود به شهرت برسند.^{۱۶} بسیاری از افراد از رسانه‌های اجتماعی برای جلب توجه و راه‌اندازی حرفه خود استفاده کرده‌اند.

کودکان نیز از این صنعت رو به رشد مستثنی نبوده‌اند و بسیاری از ایشان به شهرت و ثروت رسیده‌اند. یک مطالعه نشان داده که ویدیوهای یوتیوب که کودکان در آن حضور دارند تقریباً سه برابر بیشتر از انواع دیگر ویدیوها دیده می‌شوند. در اغلب مواقع، والدین حساب رسانه‌های اجتماعی را راه‌اندازی می‌کنند و گاهی اوقات، کودکان، خودشان، آن را راه‌اندازی می‌کنند. فرصت‌های اقتصادی موجود در رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر کودک، شگفت‌انگیز است.^{۱۷} تعیین ارزش دقیق و مستند صنعت «کودک اینفلوئنسری» به دلیل نبود آمارهای جامع و به‌روز، دشوار است. با این حال، نمونه‌هایی از درآمدهای قابل توجه کودکان اینفلوئنسر وجود دارد که نشان‌دهنده رشد این حوزه است. نمونه‌هایی برای ترسیم این صنعت و تجارت آن در ادامه ذکر می‌گردد:

- مدل پرداخت به ازای سرنخ (PPL - Pay Per Lead): وابسته‌ها زمانی پول دریافت می‌کنند که کاربر به ثبت‌نام یا تکمیل یک فرم منتهی شود، مثل تکمیل فرم تماس یا ثبت‌نام در یک دوره آموزشی.

14. Upload.

15. Kidfluencer.

16. Behri, Ingrida. «The Use of Children as Influencers and the Harmful Effects on their Health and Rights as Human Beings.» 2023, p. 2.

17. Geider, Jonathan F., «How to (Not) Exploit Your Internet Child Star: Unregulated Child Labor on YouTube, Instagram and Social Media» (2021). Law School Student Scholarship. 1150.p.18.

- **گابریل**، اینفلوئنسر پنج ساله، روزانه حدود ۳۰۰۰۰ دلار درآمد از تبلیغاتی که در کانال یوتیوب او به نام Toys and Lit-tle Gaby نمایش داده می‌شود، کسب می‌کند.^{۱۸}
- نمونه قابل توجهی از موفقیت کیدفلوئنسرها، **ریان کاجی**، ستاره ۹ ساله یوتیوب است. رایان برای سه سال متوالی به‌عنوان پردرآمدترین یوتیوبر معرفی شده است. رایان کانال یوتیوب خود، **دنیای رایان**^{۱۹}، را در مارس ۲۰۱۵ در سن سه سالگی راه‌اندازی کرد. این کانال با ویدیوهایی از باز کردن جعبه و نقد و بررسی اسباب بازی‌ها شروع شد. با توجه به اینکه شرایط خدمات^{۲۰} یوتیوب استفاده از این پلتفرم را برای افراد ۱۳ ساله و پایین‌تر محدود می‌کند، کانال رایان توسط والدینش اداره می‌شود. در سن هفت سالگی، رایان ۱۷ میلیون مخاطب جذب و رتبه اول را در لیست پردرآمدترین ستاره‌های یوتیوب ۲۰۱۸ فوربس کسب کرد و عمدتاً از طریق تبلیغات، درآمد خیره‌کننده‌ای معادل ۲۲ میلیون دلار به دست آورد. تا سال ۲۰۲۰، دنیای رایان ۴۱/۷ میلیون مشترک جمع‌آوری کرد و درآمد او به ۲۹/۵ میلیون دلار افزایش یافت. علاوه بر درآمد یوتیوب، رایان از اسباب‌بازی‌ها و لباس‌های برند دنیای رایان حدود ۲۰۰ میلیون دلار درآمد تخمینی کسب کرده و قرارداد محرمانه‌ای را برای نمایش تلویزیونی خودش در نیکلودئون امضا کرده است.
- **تایتوم و/وکلای فیشر**، دوقلوهای اینفلوئنسر ۴ ساله، بیش از ۳ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام دارند. والدین دوقلوها، **کایلر و مدیسون فیشر**، حساب اینستاگرام آن‌ها را تنها دو روز پس از تولدشان ایجاد کردند. این دوقلوها اغلب در کانال یوتیوب خانوادگی، **The FishFam**، که ۴/۳۷ میلیون مشترک دارد، حضور دارند. دوقلوها می‌توانند تا ۲۰۰۰۰۰ دلار در ماه درآمد کسب کنند و تا زمان رسیدن به سن هجده سالگی ۲/۴ میلیون دلار در سال و در مجموع ۳۶ میلیون دلار درآمد بالقوه داشته باشند. مشابه یوتیوب، شرایط استفاده اینستاگرام نیز کاربران را ملزم می‌کند که برای استفاده از این سایت ۱۳ سال یا بیشتر داشته باشند. کایلر و مدیسون حساب اینستاگرام دوقلوها و کانال یوتیوب خانوادگی را مدیریت می‌کنند، برای معاملات تجاری آن‌ها مذاکره، قراردادهایشان را منعقد و جلسات عکاسی را سازماندهی می‌کنند.^{۲۱}

۲. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

اسناد حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و کنوانسیون حقوق بشر اروپایی (ECHR)، بر حفظ کرامت انسانی، حمایت از حقوق کودک و جلوگیری از استثمار تأکید دارند. با این وجود، به نظر می‌رسد قوانین موجود هنوز به‌طور مشخص به پدیده کودک‌اینفلوئنسری نپرداخته‌اند یا در پاسخ به چالش‌های نوین این حوزه کارآمد نبوده‌اند. در ابتدا، کنوانسیون حقوق کودک و در ادامه، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌عنوان سند منطقه‌ای بررسی می‌شوند.

18. Fishbein, Rachel. «Growing Up Viral: «Kidfluencers» as the New Face of Child Labor and the Need for Protective Legislation in the United Kingdom.» 2022, p. 132.

19. Ryan's World.

20. Terms and conditions.

21. Winckler, Charlotte B. «Kidfluencers: How the Law's Failure to Keep Up Leaves Children Across the Country at Risk of Labor Abuse and Financial Exploitation.» 2023, 119-121.



۱.۲. کنوانسیون حقوق کودک (CRC)^{۲۲}

کنوانسیون حقوق کودک (CRC) در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید و همهٔ افراد زیر ۱۸ سال را تحت پوشش قرار می‌دهد. این کنوانسیون تضمین می‌کند که به کودکان در تمامی کشورهای امضاکننده، حقوق یکسانی اعطا می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک یک چارچوب جامع است که حقوق کودکان را در زمینه‌های مختلف، از جمله حق زندگی، رشد، حمایت و مشارکت، پوشش می‌دهد.

مفاهیم اصلی این کنوانسیون شامل عدم تبعیض، منافع و مصالح عالیۀ کودک و حق آنها برای شنیده شدن است. این کنوانسیون در ارتقای آگاهی جهانی در مورد حقوق کودکان و تشویق کشورها به تصویب قوانین و سیاست‌هایی برای حمایت از رفاه کودکان بسیار مؤثر بوده است. کنوانسیون حقوق کودک تقریباً توسط تمامی کشورها پذیرفته شده است که نشان‌دهندۀ اهمیت جهانی محافظت و حمایت از حقوق کودکان و آیندۀ آنها است.

برای مقابله با خطرات بهره‌کشی از کودکان و شیوه‌های نامناسب کار کودک، به‌ویژه در صنعت تأثیرگذاری کودک و خانواده‌ها، مادۀ ۳ کنوانسیون، دولت‌ها را تشویق می‌کند تا محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تری وضع کنند. براساس این ماده، منافع عالیۀ کودک باید در تمامی تصمیمات مربوط به آنها، چه در سازمان‌های رفاهی عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، نهادهای قضائی و اداری و یا در سطح قانون‌گذاری، در اولویت قرار گیرد.

22. Convention on the Rights of the Child.



همچنین، طبق بند دوم ماده ۳ این کنوانسیون^{۲۳}، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی موظفند تا مقررات خود را در زمینه محتوای مرتبط با کودکان تشدید کنند و از هرگونه امکان سوءاستفاده از کودکان یا به خطر افتادن آن‌ها توسط تأثیرگذاران (اینفلوئنسرها) که عمدتاً والدین آن‌ها هستند، جلوگیری کنند.

۲۳. کشورهای عضو متعهد می‌شوند حمایت و مراقبتی که برای رفاه کودک ضروری است را با توجه به حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی، یا دیگر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند، تضمین نمایند و در این راستا کلیه اقدامات تقنینی و اجرایی لازم را به عمل آورند.

۲.۲. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR)^{۲۴}

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR) یک معاهده منطقه‌ای است که چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق بشر در اروپا فراهم می‌آورد و شامل حقوق کودکان نیز می‌شود. این کنوانسیون در سال ۱۹۵۰ توسط شورای اروپا تصویب شد و تمامی کشورهای عضو این شورا آن را پذیرفته‌اند. کنوانسیون حقوق بشر اروپایی به رسمیت می‌شناسد که کودکان نیز همان حقوق بشر بزرگسالان را دارند و باید از حمایت و کمک ویژه‌ای برای رعایت این حقوق برخوردار باشند.

این کنوانسیون، حق زندگی را برای همه افراد، از جمله کودکان، تضمین می‌کند و دولت‌ها را موظف می‌سازد که از کودکان در برابر آسیب‌هایی نظیر سوءاستفاده، غفلت و بهره‌کشی محافظت کنند. همچنین، ماده ۸ کنوانسیون حق احترام به زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و مکاتبات را به رسمیت می‌شناسد که شامل حق کودکان برای حفاظت از حریم خصوصی آنان می‌شود. در این زمینه، دولت‌ها موظفند اطمینان حاصل کنند که هرگونه دخالت در حریم خصوصی کودکان ضروری و متناسب است و منافع کودک در این تصمیمات در اولویت قرار گیرد. ماده ۱۰ کنوانسیون نیز به حق کودکان برای بیان آزادانه نظرات خود در تمامی مسائلی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، اشاره می‌کند و به رسمیت می‌شناسد که باید نظرات کودکان در تمامی فرایندها و تصمیمات دخیل در امور آنان مد نظر قرار گیرد.

به طور کلی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق کودکان در اروپا فراهم می‌آورد و به این اصل اعتقاد دارد که حقوق کودکان باید مورد احترام قرار گیرد و دولت‌ها مسئول حفاظت از این حقوق هستند.

24. European Convention on Human Rights.

۳. نظام‌های حقوقی

با ایجاد قانونی برای محافظت از دستمزد هنرمندان کودک، قانونی را در این باره تصویب کرد. این قانون که در سال ۲۰۰۰ برای ارائه حمایت بیشتر اصلاح شد، «قانون کوگان»^{۲۵} نامگذاری شد که به نام ستاره کودک مشهور جکی کوگان^{۲۶} نامگذاری شده است. در سال ۱۹۳۸، کوگان از مادرش به دلیل خرج کردن تقریباً تمام چهار میلیون دلاری که به‌عنوان یک ستاره کودک به دست آورده بود و امتناع والدینش از دادن آنچه باقی مانده بود، شکایت کرد. او در نهایت حدود ۱۲۵۰۰۰ دلار دریافت کرد که بسیار کمتر از ثروتی بود که سال‌ها برای جمع‌آوری آن تلاش کرده بود. نسخه به‌روزشده قانون کوگان بیان می‌کند که درآمدی که توسط افراد زیر سن قانونی در صنعت سرگرمی کسب می‌شود، متعلق به کودک است و نه والدین آن‌ها. این قانون ملزم می‌نماید که ۱۵ درصد از کل درآمد افراد زیر سن قانونی در یک حساب سپرده قفل‌شده، که معمولاً به‌عنوان حساب کوگان شناخته می‌شود، کنار گذاشته شود. این حساب‌ها باید در یک بانک کالیفرنیا ایجاد شوند.

ایالت ایلینوی

این قانون^{۲۷} که در سال ۲۰۲۳ به تصویب رسید، والدین را ملزم می‌کند درصدی از درآمد حاصل از محتوای تولیدشده توسط کودکان را برای آن‌ها کنار بگذارند. این اقدام با هدف حمایت از حقوق مالی و رفاه کودکان در فضای مجازی انجام شده است.

وضعیت کودک اینفلوئنسرها در مواردی منجر به نقض حقوق اساسی آن‌ها، از جمله نقض حریم خصوصی، بهره‌کشی اقتصادی و آسیب‌های روانی می‌شود و در برخی شرایط با مصادیق کار کودک هم‌پوشانی پیدا می‌کند. در واکنش به این چالش‌ها، نظام‌های حقوقی مختلف اقدام به تدوین قوانین و مقرراتی برای حمایت از حقوق این دسته از کودکان کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، کشورهایمانند فرانسه با تصویب قوانین خاص برای نظارت بر درآمد کودکان اینفلوئنسر و تضمین ذخیره‌سازی بخشی از آن برای آینده کودک، رویکردی پیشگیرانه اتخاذ کرده‌اند. در مقابل، برخی کشورها مانند ایران همچنان فاقد قوانین مشخص در این زمینه هستند و حمایت از این کودکان را تنها در چارچوب کلی قوانین کار کودک یا حقوق کودک دنبال می‌کنند. با توجه به اینکه این حوزه قانون‌گذاری به طور مداوم در حال توسعه است، تعادل بین محافظت و حمایت از کودکان تأثیرگذار و اجازه دادن به آن‌ها برای آزادی بیان، مشارکت در پلتفرم‌های آنلاین و به‌اشتراک‌گذاری محتوا، همچنان نقطه ثقل تمرکز قانونگذاران در جهان است. در این بخش نظام‌های حقوقی ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان و ایران بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱.۳ ایالات متحده آمریکا

الف) ایالت کالیفرنیا

در دهه ۱۹۳۰، کالیفرنیا اولین ایالتی بود که

25. Kugan law.

۲۶. جکی کوگان اولین ستاره کودک سینمای آمریکا بود که در سن نه سالگی به یکی از پردرآمدترین بازیگران هالیوود تبدیل شد. کار او پس از کشف شدن استعدادش توسط چارلی چاپلین در چهار سالگی و بازی در فیلم «چه» چاپلین آغاز شد. در طول دوران حرفه‌ای خود، جکی بیش از ۴ میلیون دلار درآمد کسب کرد. با این حال، سن جکی درآمد او را تحت کنترل والدینش قرار داد تا زمانی که به بیست و یک سالگی برسد. تا زمانی که جکی به سن قانونی رسید و انتظار داشت کل درآمد کودکی خود را دریافت کند، والدینش ثروت او را خرج کرده بودند. در سال ۱۹۳۸، جکی علیه والدین خود شکایت کرد، اما قوانین آن زمان به نفع والدین او بود و به آن‌ها اجازه می‌داد هر پولی که کودک قبل از بیست و یک سالگی به دست می‌آورد را به هر طریقی که می‌خواهند خرج کنند.

27. "Illinois Child Social Media and Marketing Protection Act".



این مشابه قوانین قبلی کار کودک در ایالات متحده، مانند قانون کوگان است. در حالی که قانون کوگان به طور مؤثر از بازیگران کودک در رسانه‌های سنتی محافظت می‌کند، گسترش حمایت‌های مشابه به کودکان تأثیرگذار به دلیل ماهیت تولید محتوای دیجیتال و اهمیت پیچیدگی روابط خانوادگی (تسلط والدین)، مسائل منحصربه‌فردی دارد. تلاش‌های اخیر قانون‌گذاری، مانند قانون جدید ایلینوی، به دنبال اطمینان از دریافت سهم عادلانه کودکان تأثیرگذار از درآمد فعالیت‌های آنلاین آن‌ها است.

این قانون پس از درخواست «شریا نالاموتو»^{۲۸}، نوجوان ۱۶ ساله، از سناتور «دیو کوهلر»^{۲۹} برای تدوین مقرراتی جهت حمایت از اینفلوئنسرهای جوان، به تصویب رسید. کوهلر در این باره اظهار داشت: «ما درک می‌کنیم که والدین نیز باید از تولید محتوا درآمد کسب کنند، اما نمی‌خواهیم کودک را فراموش کنیم.» بر اساس این قانون، حضور افراد زیر سن قانونی در ویدئوهای آنلاین ضابطه‌مند می‌شود و والدین موظف‌اند بخشی از درآمد حاصله را به کودکان اختصاص دهند.

28. Shriya Nalamoto.

29. Dave Kohler.

۲.۳. فرانسه

در ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰، *مانوئل مکرون*، رئیس‌جمهور فرانسه، قانونی جدید در مورد استفاده تجاری از تصاویر کودکان زیر ۱۶ سال در پلتفرم‌های آنلاین و فعالیت کودکان اینفلوئنسرها تصویب کرد. این قانون^{۳۰} چارچوب قانونی برای فعالیت‌های کودکان «تأثیرگذار» در پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب، تیکتاک، اینستاگرام و سایر رسانه‌های اجتماعی فراهم می‌کند. تصویب این قانون در نتیجه افزایش تعداد ویدیوهای منتشرشده از سوی کودکان در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی است. در این ویدیوها، شرکت‌ها یا والدین برای انجام فعالیت‌های مختلف یا مشارکت در بازاریابی از کودکان فیلم‌برداری می‌کنند. این ویدیوها می‌توانند درآمد قابل توجهی برای خانواده‌ها به همراه داشته باشند.^{۳۱}

این قانون به‌طور خاص برای حل این مشکل و ایجاد حمایت‌های مناسب برای کودکان در نظر گرفته شده است. درآمد حاصله از ویدیوهای کودکان که اغلب برای تبلیغات یا فروش محصولات استفاده می‌شود، تحت هیچ‌گونه نظارت یا محدودیتی قرار ندارد. این وضعیت موجب شده که کودکان به‌طور غیررسمی و بدون حمایت‌های قانونی مناسب در معرض بهره‌کشی مالی قرار گیرند. از این رو، تصویب این قانون تلاشی است برای محافظت از کودکان و اطمینان از اینکه درآمدهای حاصل از فعالیت‌های آن‌ها در فضای آنلاین برای منافع خود کودکان محفوظ بماند.

هدف این قانون، علاوه بر تنظیم و نظارت بر درآمدهای مالی حاصل از ویدیوهای کودکان، محافظت از آن‌ها در برابر پیامدهای روانی و

جسمی ناشی از فعالیت در رسانه‌های اجتماعی است. قانون‌گذاران در فرانسه با گسترش دامنه ماده ۱-۷۱۲۴ L قانون کار^{۳۲}، فعالیت‌های آنلاین این کودکان را به‌عنوان کار کودک به رسمیت شناخته‌اند و آن‌ها را تحت حمایت‌هایی قرار داده‌اند که به طور سنتی به بازیگران یا مدل‌های کودک در صنعت سرگرمی اعطا می‌شود. این قانون همچنین تأکید دارد که فعالیت‌های اینفلوئنسرهای کودک باید مشابه سایر فعالیت‌های کاری تحت نظارت و کنترل قرار گیرد.

بر اساس این قانون، کودکان زیر ۱۶ سال برای انجام هرگونه فعالیت تجاری در فضای آنلاین، از جمله فیلم‌برداری و انتشار ویدیو در رسانه‌های اجتماعی، باید مجوز خاصی از مقامات دولتی دریافت کنند. این مجوزها توسط مقام‌های اداری مسئول صادر می‌شود که باید اطمینان حاصل کنند که حقوق کودک در طول فرآیند تولید و انتشار ویدیوها محافظت می‌شود. علاوه بر این، والدین باید از پیامدهای حریم خصوصی کودک و مسئولیت‌های مالی مربوط به درآمد حاصل از این ویدیوها آگاه باشند.

یکی از ویژگی‌های برجسته این قانون، الزام به قرار دادن بخشی از درآمد حاصل از فعالیت‌های اینفلوئنسرهای کودک در حساب‌های محافظت‌شده مشابه حساب‌های کودکان در ایالات متحده است. این اقدام به‌منظور جلوگیری از بهره‌کشی از درآمد کودکان است و تضمین می‌کند که کودکان، نه والدین یا سرپرستان آن‌ها، از این درآمدها بهره‌مند خواهند شد. علاوه بر این، این قانون دولت را موظف می‌سازد که در صورت لزوم، اقدامات

30. "Loi pour encadrer les enfants influenceurs".

31. Ala-Uotila, Anni. *Child's Right to Privacy in Social Media – Legalities and Ethics of Child Influencers*. Bachelor's thesis, HAJB08/17 Law, specialization in EU and international law. Tallinn, 2024, p. 19.

۳۲. هیچ‌کس نمی‌تواند فردی زیر ۱۸ سال را به کار مشغول کند مگر در شرایطی که کار با نوع فعالیت‌های فرهنگی، هنری یا ورزشی مرتبط باشد. در این موارد، شرایط خاصی برای حفاظت از حقوق کودک و شرایط کاری مناسب باید رعایت شود.



نمونه‌ها میلی هنله^{۳۳} از باواریا است. میلی در سال ۲۰۰۹ متولد شد اما او در حال حاضر اساساً کارفرمای والدین خود است؛ زیرا هر دوی آن‌ها برای مدیریت فعالیت‌های دخترشان از کار خود استعفا داده‌اند. میلی چندین حساب رسانه اجتماعی با نام کاربری “Mileys Welt” دارد که تا می ۲۰۲۴ حدود ۱/۵ میلیون دنبال‌کننده دارد.

آلمان هنوز مقررات خاصی ندارد که مستقیماً به اینفلوئنسرهای کودک بپردازد. با این حال، چندین چارچوب قانونی موجود از افراد زیر سن قانونی محافظت می‌کنند.

قانونی برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی یا اختلالات غیرقانونی در فرآیند تولید ویدیوهای اینفلوئنسرهای کودک انجام دهد. این قانون نقطه عطفی در حمایت از کودکان فعال در فضای آنلاین است که با هدف حفاظت از حقوق مالی و روان‌شناختی آن‌ها در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی تصویب شده است.

۳.۳. آلمان

به صورت تخمینی ۳۰۰۰۰ اینفلوئنسر کودک در آلمان وجود دارد، یکی از برجسته‌ترین



انعقاد قراردادها دارند که برای اینفلوئنسرهای کودک که در فعالیتهای تجاری شرکت می‌کنند، بسیار مهم است. با این حال، در قلمرو اینفلوئنسرکودک، این می‌تواند یک مشکل باشد زیرا سوءاستفاده اغلب از سوی والدین صورت می‌گیرد، نه اینکه آن‌ها از فرزندان خود محافظت کنند.

قانون مدنی آلمان^{۳۴} و قانون حمایت از جوانان^{۳۵} دو ابزار قانونی اصلی هستند که به طور غیرمستقیم از اینفلوئنسرهای کودک محافظت می‌کنند.

برای مثال، قانون مدنی آلمان (BGB) شامل مقرراتی در مورد اهلیت قانونی افراد زیر سن قانونی است که نیاز به رضایت والدین برای

34. Bürgerliches Gesetzbuch (BGB).

35. Jugendschutzgesetz (JuSchG).

از سوی دیگر، قانون حفاظت از جوانان بر محافظت از افراد زیر سن قانونی در برابر محتوای مضر و فعالیت‌های آسیب‌زا متمرکز است که می‌تواند برای اینفلوئنسرهای کودک که در معرض فشارهای تجاری و تقاضای محتوای صنعت اینفلوئنسری هستند، بسیار مرتبط باشد. اگرچه قانون حفاظت از جوانان (JuSchuG) به طور خاص برای اینفلوئنسرهای کودک طراحی نشده است، اما مقررات آن در مورد محتوای رسانه می‌تواند به طور غیرمستقیم از آن‌ها در برابر مشارکت یا ارتباط با فعالیت‌های مضر محافظت کند.³⁶

برای محافظت مؤثر از کودکان در اقتصاد دیجیتال، آلمان ممکن است نیاز به تصویب قوانینی داشته باشد که به طور خاص به چالش‌های منحصر به فرد ناشی از کار دیجیتال بپردازد. این می‌تواند شامل تعریف و ترسیم مرزهای واضح در مورد آنچه در قلمرو دیجیتال به عنوان کار محسوب می‌شود، به‌ویژه برای افراد زیر سن قانونی باشد. مقررات می‌تواند شامل محدودیت در ساعات کار، حقوق، درآمد و حمایت در برابر بهره‌کشی در فضای دیجیتال باشد و اطمینان حاصل کند که فعالیت‌های آنلاین کودکان به توسعه یا رفاه آن‌ها آسیب نمی‌رساند. چنین اقداماتی پوشش حمایتی قوانین سنتی کار کودک را به عصر دیجیتال گسترش می‌دهد و اطمینان حاصل می‌کند که از همه اشکال کار محافظت و حمایت کامل می‌شود.

36. Siewert, Friederike. *New Forms of Child Labour: A Study on Kidfluencing from a Human Rights Perspective*. Spring Semester 2024. Independent written essay within the field of constitutional law and human rights, p.19.

خلاصه اینکه، در حالیکه آلمان چارچوب قوی‌ای برای محافظت از کودکان در بازارهای کار سنتی دارد، عصر دیجیتال چالش‌های جدیدی را ایجاد می‌کند که قوانین فعلی کاملاً قادر به رسیدگی به آن‌ها نیستند. تاکنون، تمام قوانین و مقررات موجود، یعنی قانون حمایت از جوانان، برای محافظت از موضوع جدید اینفلوئنسرهای کودک مناسب نیست. با گسترش و تطبیق این قوانین برای رسیدگی به واقعیت‌های کار دیجیتال، آلمان می‌تواند به محافظت از جوان‌ترین شهروندان خود در همه جنبه‌های زندگی کاری آن‌ها ادامه دهد.^{۳۷}

۴.۳. ایران

در نظام حقوقی ایران، حمایت از کودکان در برابر استثمار و بهره‌کشی، اعم از کار کودک و فعالیت‌های تجاری در فضای مجازی، تحت اصول و مقررات مختلف قرار دارد. در این راستا، محور اصلی برای دخالت و حمایت ولی قهری (سرپرست کودک) مصلحت و غبطه کودک است که بر اساس آن، هر اقدام یا تصرف از سوی سرپرست باید بر اساس مصلحت کودک و در راستای تأمین نیازهای مادی و معنوی او باشد.

در فقه اسلامی و حقوق ایران، تأکید زیادی بر رعایت مصلحت کودک و جلوگیری از هرگونه تصمیم‌گیری برخلاف غبطه او وجود دارد. این اصول در قوانین مختلف،

مانند مواد ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۷ قانون مدنی و مواد ۳۸۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۳ قانون امور حسبی، به‌طور مشخص به سرپرستی ولی قهری اشاره دارند و ضرورت رعایت مصلحت کودک را تأکید می‌کنند. به‌ویژه، ماده ۶۳۱ قانون مدنی به‌صراحت بیان می‌کند که ولی قهری در صورت تعدی یا تفریط در اداره اموال کودک، مسئول جبران خسارت است. در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، برای حمایت از حقوق کودکان در محیط‌های کاری، محدودیت‌هایی وجود دارد. طبق ماده ۷۹ قانون کار^{۳۹}، هرگونه استخدام کودکانی که کمتر از ۱۵ سال سن دارند، ممنوع است. این ماده به‌طور واضح از استثمار کودکان جلوگیری می‌کند و تنها اجازه می‌دهد که کودکانی که بالای ۱۵ سال دارند و با شرایط خاصی به‌صورت محدود وارد بازار کار شوند. بر اساس ماده ۷۹ و ۸۰ قانون کار، شرایط استخدام و کار کودکان باید به‌گونه‌ای باشد که سلامت جسمی و روانی آنان تحت تأثیر قرار نگیرد. این ماده همچنین بر لزوم نظارت بر ساعات کار و جلوگیری از کار در محیط‌های خطرناک تأکید دارد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ایران، به‌ویژه در بند پ^{۴۰}، ت^{۴۱}، و ث^{۴۲} به‌ترتیب به تعریف بی‌توجهی و سهل‌انگاری، سوء رفتار و بهره‌کشی اقتصادی می‌پردازد و در نظر دارد که مانع از بهره‌کشی کودک در زمینه‌های مختلف، از جمله کار کودک شود.

37. Ibid., 21.

۳۸. قیم باید در تربیت و اصلاح حال محجور سعی و اهتمام نماید و در امور او رعایت مصلحت را بنماید.

۳۹. ماده ۷۹ - به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است.

۴۰. کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است.

۴۱. هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی.

۴۲. به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.

در زمینه حمایت از حقوق کودک اینفلوئنسرها و جلوگیری از بهره‌کشی از آن‌ها در فضای دیجیتال، به نظر می‌رسد که قوانین ایران به‌طور کلی ناظر بر حقوق کودکان و حمایت از آن‌ها در بسیاری از جنبه‌ها هستند، اما ممکن است در برخی از بخش‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های خاص مربوط به فضای دیجیتال و صنعت اینفلوئنسری، به‌طور کامل کافی نباشند. به‌طور خاص، در مواردی مانند حمایت از حریم خصوصی کودکان، نظارت بر درآمد حاصل از فعالیت‌های تجاری کودک و ایجاد قوانین خاص برای فعالیت‌های آنلاین، خلاءهایی وجود دارد که می‌تواند به آسیب‌پذیری کودکان در این زمینه‌ها منجر شود.



۴. کودک کار و کار کودک در عصر دیجیتال

سازمان بین‌المللی کار^{۴۳} (ILO) کار کودک را به‌عنوان فعالیتی تعریف می‌کند که کودکان را از دوران کودکی و استعداد و کرامت خود محروم می‌سازد و برای رشد جسمی و روانی آن‌ها مضر است. این تعریف تأثیر مخرب کار کودک را بر رشد همه‌جانبه کودکان برجسته می‌کند که در عصر دیجیتال بیشتر نمایان می‌شود.

علی‌رغم پیش‌بینی ممنوعیت کار کودکان در کنوانسیون حقوق کودک، متأسفانه همچنان شاهد افزایش تعداد کودکان هستیم که به جبر خانواده و فقر به محیط کار روی می‌آورند. تا چندی پیش، کودک کار به کودکانی اطلاق می‌شد که در سطح خیابان از طریق فروش کالا و یا جمع‌آوری زباله به امرار معاش می‌پرداختند که امروزه از این دسته از کودکان کار به کودک کار سنتی یاد می‌کنند؛ اما با دسترسی آسان مردم به شبکه‌های اجتماعی گونه دیگری از کودکان کار به نام کودک کار مدرن پدید آمده است؛ کودکانی که تنها از نظر ظاهر با کودک کار سنتی تفاوت دارند، اما عناصر کارگر و کارفرما

و انگیزه کسب درآمد همچنان در آن‌ها دیده می‌شود.

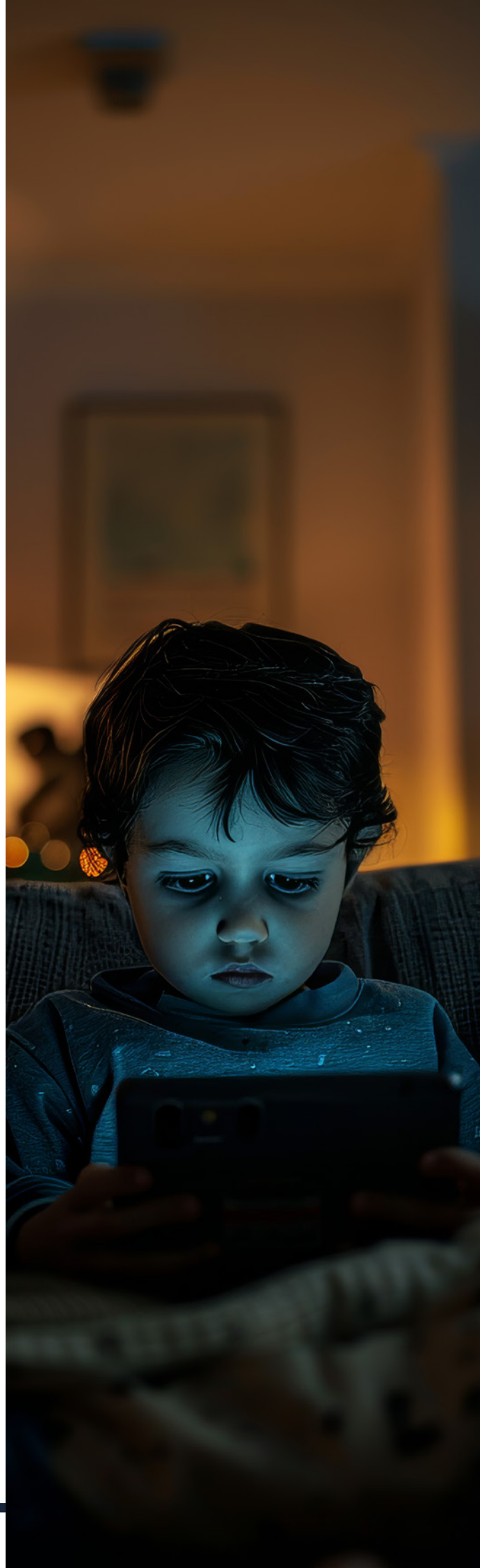
در عصر دیجیتال، کار کودک گسترش و تنوع یافته و کار کودکان نه‌تنها محدود به بخش‌های سنتی مانند کشاورزی یا معدن کاری نیست، بلکه به حوزه دیجیتال نیز نفوذ کرده است. این تغییرات نگرانی‌هایی را در مورد ایمنی و رفاه کودکان ایجاد کرده است و آن‌ها را در برابر نظارت‌های حقوق کار و حمایت‌های موجود برای اشکال سنتی کار کمتر قابل دسترسی و حمایت می‌کند. تضمین‌ها و حمایت‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی برای مقابله با چالش‌های منحصربه‌فرد ناشی از این نوع مشاغل نوظهور طراحی نشده‌اند، زیرا این مسائل در زمان تدوین کنوانسیون‌ها و مقررات‌گذاری‌ها پیش‌بینی نشده و نمی‌توانست پیش‌بینی شود. در این شرایط، اینفلوئنسر کودک به‌طور پنهانی کار کودک را به‌عنوان فعالیتی لذت‌بخش و داوطلبانه به تصویر می‌کشد که این تصویر در تضاد با مفهوم سنتی کار کودک است که عمدتاً شامل تلاش‌های فیزیکی و اجباری بوده است.

43. International Labour Organization.



کسب درآمد بسیار بالا و بهره‌کشی اقتصادی از این کودکان در شرایطی است که توجه بسیار کمی به این کودکان می‌شود و قوانین حمایتی بسیار محدودی برای این کودکان وجود دارد. کار این کودکان بسیار زیاد است. از آنجاکه فعالیت این کودکان تحت حمایت حقوق کار قرار نمی‌گیرد، هیچ قانون و چارچوب مشخصی برای محدود کردن ساعات و ایام کاری آن‌ها وجود ندارد و در مثال‌های متعددی از کودکان تأثیرگذار، شاهد تنبیه شدن کودکان توسط والدین در صورت عدم همکاری و عدم تبعیت از دستورات دیده می‌شود.

در عصر دیجیتال امروز، تعریف دقیق آنچه که به‌عنوان کار کودک محسوب می‌شود، به دلیل گسترش آن فراتر از بخش‌های سنتی اشتغال، دشوارتر شده است. در حالی که کار کودک قبلاً کار فیزیکی سختی بود، اکنون می‌تواند به‌سادگی ساختن یک ویدیوی کوتاه ۱۵ ثانیه‌ای و بارگذاری آن در رسانه‌های اجتماعی باشد. برخی از والدین و سرپرستان استدلال می‌کنند که این خودشان هستند که به جای فرزندان‌شان کار می‌کنند و کودکان نقش فعالی در این فعالیت‌ها ندارند؛ در حالیکه این نوع کار ممکن است از نظر سنتی مضر نباشد و حتی ممکن است در ابتدا سرگرم‌کننده بوده باشد، اما مرز باریکی بین آنچه که کار مفید



شتم، اسپری فلفل، آزار جنسی، گرسنگی و غرق کردن کودکان خردسال بود. هوبسون ظاهراً در سال ۲۰۱۸ تنها نزدیک به ۳۰۰۰۰۰ دلار از این کانال درآمد کسب کرده است. پس از اینکه بازداشت شد، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد و یوتیوب اقدام به غیرفعال کردن درآمد کانال و سپس حذف آن نمود.^{۴۶} سوءاستفاده‌ای که از این کودکان شده است به ما یادآوری می‌کند که خطر این وجود دارد که هر والدی که فرزندان خود را در تولید رسانه‌های اجتماعی مدیریت می‌کند، توانایی سوءاستفاده و بهره‌کشی از فرزندان خود را داشته باشد.

بحث بر سر این است که آیا فعالیت‌های کودکان خردسال باید به‌عنوان کار در نظر گرفت یا به‌عنوان بازی طبقه‌بندی کرد. والدین اغلب استدلال می‌کنند که فرزندانشان صرفاً درگیر بازی هستند و از شرکت در تولید محتواهای دیجیتال لذت می‌برند. در همین حال، این والدین همان کسانی هستند که با برندهای مختلفی که رابطه مستقیمی با کودک دارند قرارداد می‌بندند و این کودکان هستند که محصولات این برندها را به بازار عرضه می‌کنند.

کودکان نسل‌ها به‌عنوان بازیگر در فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و تبلیغات تجاری در معرض دید عموم قرار داشته‌اند و اینفلوئنسرهای کودک ممکن است تفاوتی با تبلیغات سنتی با بازیگران کودک نداشته باشند. بنابراین، چه چیزی اینفلوئنسرهای کودک را متمایز می‌کند؟ چرا اینفلوئنسرهای کودک به حمایت ویژه‌ای نیاز دارند؟ پاسخ در ماهیت خصوصی صنعت اینفلوئنسرکودک و نقش منحصربه‌فرد والدین در آن نهفته است.

یا استثمارگرانه است وجود دارد. پاسخ به این سؤال که دقیقاً چه چیزی کار کودک را تشکیل می‌دهد، بسیار مهم است و باید برای درک بیشتر و بحث در مورد این موضوع پاسخ داده شود. پاسخ به اینکه آیا فعالیت‌های کودک به‌عنوان کار کودک محسوب می‌شود با توجه به زمینه دیجیتال کار آن‌ها و مشارکت والدین یا سرپرستان که اغلب حضور آنلاین آن‌ها را مدیریت می‌کنند، پیچیده‌تر می‌شود. کودکان در فعالیت‌های مختلفی از جمله باز کردن اسباب‌بازی‌ها، لباس‌ها، هدایای مختلف، مصرف غذا، اجرای نمایش در ویدیوها و تبلیغ برندها از طریق محتوای حمایت‌شده شرکت می‌کنند. حضور آنلاین آن‌ها می‌تواند درآمد قابل توجهی ایجاد کند و نگرانی‌های اخلاقی و قانونی در مورد بهره‌کشی از کار کودک در عصر دیجیتال را برمی‌انگیزد.^{۴۷}

یک نمونه قابل توجه از سوءاستفاده از کار و بهره‌کشی والدین از فرزندان خود برای کسب درآمد از طریق محتوای رسانه‌های اجتماعی، داستان وحشتناک *ماچل هوبسون*^{۴۸} است، زنی که در سال ۲۰۱۹ به اتهام سوءاستفاده از پنج فرزندخوانده خود در سنین شش تا پانزده سالگی متهم شد. هوبسون یک کانال یوتیوب به نام *Adventures Fantastic* بیش از ۷۰۰۰۰۰ مشترک داشت که در آن فرزندخواندگان او در سناریوهای مختلف بازی می‌کردند. در گزارش پلیس ذکر شده است که همه کودکان از مجبور شدن به شرکت در کانال یوتیوب یاد کرده‌اند. هوبسون، بر کودکان در صورت فراموش کردن خطوط یا عدم مشارکت، مجازات‌های ظالمانه‌ای را اعمال می‌کرده است. شیوه‌های انضباطی و تنبیهی وحشتناک شامل ضرب و

44. Siewert, Friederike. *New Forms of Child Labour: A Study on Kidfluencing from a Human Rights Perspective*. Spring Semester 2024. Independent written essay within the field of constitutional law and human rights, p.9.

45. Machel Hobson.

46. Winckler, Charlotte B. «KIDFLUENCERS: HOW THE LAW'S FAILURE TO KEEP UP LEAVES CHILDREN ACROSS THE COUNTRY AT RISK OF LABOR ABUSE AND FINANCIAL EXPLOITATION.» *Charleston Law Review* 16, no. 1 (2022): 127-128.

می‌کنند. والدین ممکن است تصمیم بگیرند که کودک چه خطوطی را بگوید و چه کاری انجام دهد و طول ویدیو، تعداد پست‌ها، ترتیب پست و زمان و مکان انتشار محتوا را تعیین کنند. به دلیل ماهیت خصوصی فرآیند ایجاد محتوا، هیچ راهی برای دانستن واقعی میزان کار یک کودک قبل از انتشار محصول نهایی و شرایطی که محتوا در آن ایجاد شده است، وجود ندارد. آیا یک ویدیو یک خلق خودجوش بوده است یا کودک ساعت‌ها وقت صرف یادگیری خطوط و کارهایی که باید انجام دهد کرده است؟ آیا محصول نهایی، ضبط اولین واکنش بوده یا کودک مجبور شده ده‌ها بار آن را دوباره انجام دهد تا پست کامل ثبت شود؟

تفاوت مهم دیگر این است که در بازیگری سنتی کودک، کودکان خطوط را یاد می‌گیرند و نقشی را ایفا می‌کنند؛ پس تفاوت روشی بین بازیگر و نقش وجود دارد. در همین حال، محتوای اینفلوئنسر کودک اغلب به نظر می‌رسد خودجوش و بدون تمرین است. مدیر برنامه‌های رسانه‌های اجتماعی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی گفته است:

تفاوت بین بازیگران کودک سنتی و اینفلوئنسرهای رسانه‌های اجتماعی این است که این یک کودک نیست که وانمود می‌کند کسی برای یک نمایش است؛ در عوض، نمایش خود کودک است.

اگرچه اینفلوئنسر کودک ممکن است با آنچه به طور سنتی به‌عنوان کار کودک شناخته می‌شود قابل مقایسه نباشد اما کسانی که به عنوان اینفلوئنسر کودک کار می‌کنند از آسیب مصون نیستند. اینفلوئنسرهای کودک با خطر بی‌سابقه‌ای از آسیب روانشناختی، شهرتی و مالی مواجه هستند. قوانین موجود که برای کودکان شاغل در محیط بازیگر کودک سنتی اعمال می‌شود، برای پوشش دامنه صنعت روبه‌رشد اینفلوئنسر کودک کافی نیست.

تفاوت اصلی بین بازیگری سنتی و کار به‌عنوان یک اینفلوئنسر کودک از ماهیت خصوصی اینفلوئنسر کودک ناشی می‌شود. بازیگری سنتی در خارج از خانه، معمولاً در یک مجموعه رسمی که توسط پرسنل تولید اداره می‌شود، انجام می‌شود. در همین حال، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی که اینفلوئنسرهای کودک از آن‌ها استفاده می‌کنند، امکان ایجاد محتوا را در هر مکانی، که اغلب در داخل خانه و به صورت خصوصی است، فراهم می‌کنند. هنگام کار به‌عنوان یک بازیگر کودک، شرایط کاری باید با استانداردهای قانون کار مطابقت داشته باشد و بازیگران کودک نیاز به مجوز دارند. برعکس، اینفلوئنسرهای کودک نیازی به مجوز ندارند و استانداردهای قانون کار اغلب قابل اجرا نیستند. حتی اگر اینفلوئنسرهای کودک ممکن است قراردادهای رسمی با اسپانسرها داشته باشند اما ایجاد محتوا همچنان در دست والدین است. محتوای رسانه‌های اجتماعی کودک احتمالاً کاملاً توسط والدین کودک خارج از محدوده مقررات کار آماده می‌شود و به آن‌ها کنترل نامحدود بر ساعات کار کودک و شرایط ایجاد محتوا می‌دهد.

والدین اینفلوئنسرهای کودکی که فقط از طریق تبلیغات در صفحات خود درآمد کسب می‌کنند، سطوح بالایی از کنترل را حفظ

این بدان معناست که زندگی شخصی یک کودک برای همه قابل مشاهده است، در مقایسه با بازیگری که در آن عموم مردم تصویر یک شخصیت را می‌بینند و جزئیات خصوصی زندگی خانگی کودک را مشاهده نمی‌کنند.^{۴۷}

آنچه عواقب بالقوه برای اینفلوئنسرهای کودک را بدتر می‌کند این است که کودک در بزرگسالی متوجه شود که محتوای او درآمد زیادی کسب کرده است، اما هیچ کدام از درآمدها یا اموال به نام او نیست و یا والدینش همه آن‌ها را خرج کرده‌اند. از آنجایی که پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی اغلب کاربران زیر سیزده سال برای داشتن حساب‌های شخصی خود منع می‌کنند، عمدتاً والدین هستند که حساب‌هایی را که محتوای اینفلوئنسر کودک در آن پست می‌شود، اداره می‌کنند. بنابراین، هر درآمد تبلیغاتی از طریق این پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به نام والدین است. سپس تصمیم والدین است که آیا می‌خواهند این درآمد را برای فرزند خود کنار بگذارند یا خیر. به طور مشابه، زمانی که شرکت‌ها تصمیم می‌گیرند با یک اینفلوئنسر کودک برای حمایت از کالاها یا خدمات خود قرارداد ببندند، با والدین اینفلوئنسر کودک قرارداد می‌بندند زیرا قراردادها در برابر افراد زیر سن قانونی قابل انعقاد و اجرا نیستند. والدین کنترل کاملی بر درآمد فرزندان خود دارند و بنابراین، هر تصمیمی برای پس‌انداز پولی که کودک کسب می‌کند به اختیار والدین واگذار می‌شود.

47. Fishbein, Rachel. «Growing Up Viral: «Kidfluencers» as the New Face of Child Labor and the Need for Protective Legislation in the United Kingdom.» 2022, p. 134 , 135.

نتیجه‌گیری

پدیدهٔ کودک‌اینفلوئنسری، اگرچه می‌تواند فرصتی برای رشد خلاقیت و کسب مهارت‌های جدید باشد اما بدون وجود چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسب، می‌تواند به بهره‌کشی اقتصادی و آسیب‌های روحی و اجتماعی کودکان منجر شود. این کودکان در معرض کار بیش‌ازحد، نقض حریم خصوصی و سوءاستفاده مالی قرار دارند، درحالی‌که قوانین حمایتی در بسیاری از کشورها همچنان ناکافی هستند. مقایسهٔ نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که برخی کشورها مانند فرانسه گام‌های مؤثری در جهت حمایت از اینفلوئنسرهای کودک برداشته‌اند، اما در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه در ایران، هنوز خلاءهای قانونی مشهود و بارز است.

بنابراین، تدوین مقررات خاص برای حفاظت و حمایت از حقوق این کودکان، شامل نظارت بر درآمد، محدودیت ساعات کار و تضمین رفاه روانی و جسمی، ضروری است. همچنین، آگاهی‌بخشی به والدین در مورد خطرات این حوزه و تشویق پلتفرم‌های اجتماعی به ایجاد ساختارهای حمایتی و نظارتی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از این صنعت نوظهور باشد.



منابع

الف) قوانین و اسناد

- کنوانسیون حقوق کودک
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
- قانون امور حسبی ایران
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران
- قانون کار ایران
- قانون مدنی ایران
- قانون کار فرانسه (Code du travail)
- قانون مدنی آلمان (Bürgerliches Gesetzbuch (BGB
- قانون حمایت از جوانان آلمان (Jugendschutzgesetz)
- (JuSchG (setz
- قانون کوگان (Kugan law)
- قانون حمایت از کودکان در برابر رسانه‌های اجتماعی و بازاریابی ایالت ایلینوی (Illinois Child Social Media and Marketing Protection Act)
- قانون تنظیم فعالیت‌های اینفلوئنسرهای کودک فرانسه (Loi pour encadrer les enfants influenceurs)

ب) مقالات

- Ala-Uotila, Anni. *Child's Right to Privacy in Social Media -- Legalities and Ethics of Child Influencers*. Bachelor's thesis, HAJB08/17 Law, specialization in EU and international law. Tallinn, 2024.
- Behri, Ingrida. *The Use of Children as Influencers and the Harmful Effects on their Health and Rights as Human Beings*. 2023.

- Fishbein, Rachel. *Growing Up Viral: 'Kidfluencers' as the New Face of Child Labor and the Need for Protective Legislation in the United Kingdom*. 2022.
- Geider, Jonathan F. *How to (Not) Exploit Your Internet Child Star: Unregulated Child Labor on YouTube, Instagram and Social Media*. Law School Student Scholarship. 2021.
- Permanasari, Ai. *The Urgency of Child Labor Rights Protection as an Influencer*. 2023.
- Siewert, Friederike. *New Forms of Child Labour: A Study on Kidfluencing from a Human Rights Perspective*. Spring Semester 2024. Independent written essay within the field of constitutional law and human rights.
- Winckler, Charlotte B. *Kidfluencers: How the Law's Failure to Keep Up Leaves Children Across the Country at Risk of Labor Abuse and Financial Exploitation*. 2023.

ج) منابع اینترنتی

- <https://khabaronline.ir/xkZ57>
- <https://www.oberlo.com/statistics/influencer-marketing-market-size>



سن دیجیتال: سن اهلیت برای رضایت به پردازش داده‌های شخصی

دکتر باقر انصاری

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

B_Ansari@sbu.ac.ir



اکنون، کودکان در کشورهای مختلف به‌طور فعال و از سنین پایین‌تر در فضای مجازی و به‌صورت برخط حضور دارند. برآورد شده است که از هر سه کاربر اینترنت در جهان یک نفر زیر ۱۸ سال هستند. کودکان به‌صورت برخط نه‌تنها از فرصت‌های هیجان‌انگیز بازی، خلاقیت، یادگیری، ابراز وجود، آزمایش ارتباطات و هویت لذت می‌برند، بلکه مقدار فزاینده‌ای از داده‌های شخصی خود را نیز افشا می‌کنند.

طبق یکی از اصول مهم ناظر بر پردازش داده‌های شخصی، پردازش داده‌های شخصی از سوی اشخاصی که تصمیم به جمع‌آوری و پردازش این داده‌ها می‌گیرند باید مشروع باشد. با این پیش‌فرض که جمع‌آوری و پردازش داده‌های مذکور هم تعرض به حریم خصوصی شخص موضوع داده است و هم می‌تواند به حقوق و آزادی‌های دیگر آن‌ها لطمه وارد کند، باید همان تضمین‌هایی که برای تعرض به حریم خصوصی افراد یا تأثیرگذاری بر دیگر حقوق و آزادی‌های آنان لازم است در پردازش داده‌های شخصی نیز رعایت شوند. بدین معنا که یا باید اثبات شود که شخص موضوع داده با اعلام رضایت، خودش به نحو معتبری اقدام به محدود کردن حقوقش کرده است و یا باید اثبات شود که صرف‌نظر از مخالفت شخص موضوع داده، تعرض به حقوق وی برای تحقق مصالح و منافع عمومی ضرورت دارد.

اعلام رضایت به پردازش داده‌های شخصی به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. یکی از رایج‌ترین روش‌ها، اعلام رضایت در قالب قرارداد شرایط استفاده از خدمت^۱ یا در قالب خط‌مشی حریم خصوصی^۲ است که غالباً در هنگام ایجاد حساب کاربری صورت می‌گیرد.

تحول حقوقی مهمی که در این خصوص در کشورهای مختلف رخ داده، شناسایی سن خاصی برای اهلیت کودکان نسبت به اعلام رضایت به پردازش داده‌های

1. Terms & Condition

2. Privacy policy



شخصی است. این سن در بیشتر کشورها متفاوت از سن رشد یا سن اهلیت عمومی است. مفهوم شناسایی این سند آن است که با رسیدن کودک به سن مذکور اخذ رضایت از والدین یا سرپرستان قانونی او برای داده‌های شخصی لازم نیست و خود کودک می‌تواند در این باره تصمیم بگیرد.

ماده ۸ مقررات عمومی اتحادیه اروپا راجع به پردازش داده‌های شخصی مصوب ۲۰۱۶ در این باره می‌گوید که چنانچه رضایت مبنای پردازش اطلاعات شخصی کودک باشد، در مورد ارائه مستقیم خدمات به کودک، در صورتی که کودک حداقل شانزده سال داشته باشد، رضایت او قانونی خواهد بود. در صورتی که کودک زیر شانزده سال سن داشته باشد، پردازش تنها با رضایت دارنده مسئولیت والدینی نسبت به کودک و در حد اجازه داده شده، مجاز خواهد بود. همچنین، به دولت‌های عضو اجازه داده شده است تا به موجب قانون، سن کمتری را تعیین کنند، اما این سن نمی‌تواند زیر سیزده سال باشد.

در ایالات متحده آمریکا، به موجب قوانین فدرال سن دیجیتال ۱۳ سال تمام است؛ اما برخی ایالت‌ها سنی بالاتر از ۱۳ سال را برای دسترسی کودکان به سکوها تعیین کرده‌اند. به عنوان مثال، ایالت اوهایو نیز استفاده کودکان زیر ۱۶ سال از شبکه‌های اجتماعی را منوط به اجازه والدین کرده است. ایالت فلوریدا نیز داشتن حساب کاربری در شبکه‌های اجتماعی را برای کودکان زیر ۱۴ سال ممنوع اعلام کرده و کودکان زیر ۱۶ سال تنها با رضایت والدین می‌توانند در شبکه‌های اجتماعی فعالیت کنند. برخی ایالت‌ها الزامات قانونی دیگری نیز برای محدودیت دسترسی کودکان به فضای مجای وضع کرده‌اند. برای مثال، ایالت لوئیزیانا ایجاد و کنترل حساب کاربری توسط کودکان بدون اجازه مصرح والدین را

مطلقاً ممنوع کرده است. ایالت یوتا نیز قانون مشابهی را تصویب کرده است؛ این ایالت حتی گامی فراتر برداشته و دسترسی نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی را در خلال ساعات ده و نیم شب تا شش و نیم صبح ممنوع کرده است. از آن گذشته، سکوها باید رمز عبور حساب کاربری کودک را در اختیار والدین گذاشته و یا روش دیگری برای دسترسی ایشان به آن حساب تعبیه کنند.

فرانسه سن ۱۵ سال، آلمان و هلند سن ۱۶ سال، اسکاتلند سن ۱۲ سال و کشورهای مصر، هند، استرالیا، نیجریه، آفریقای جنوبی، آرژانتین، مکزیک و برزیل سن ۱۸ سال را به عنوان سن دیجیتال انتخاب کرده‌اند.

در چین سن ۱۴ سال به عنوان سن دیجیتال تعیین شده است و به موجب مقررات حمایت از کودکان در محیط برخط مصوب سال ۲۰۲۳، هنگامی که ارائه دهندگان سرویس برخط، به کودکان خدماتی مانند انتشار اطلاعات یا پیام‌رسانی فوری ارائه می‌دهند، باید از کودکان یا سرپرستان آن‌ها بخواهند که اطلاعات هویتی واقعی کودکان را مطابق با قانون ارائه دهند و اگر آن‌ها اطلاعات هویتی را ارائه ندهند، نباید خدمت مربوط نیز به آن‌ها ارائه شود.

ارائه دهندگان سرویس پخش جاری زنده اینترنتی باید سازوکارهای تأیید پویای اطلاعات هویتی واقعی ناشران پخش جاری زنده اینترنتی ایجاد کنند و نباید سرویس انتشار پخش جاری زنده را به کودکانی که مطابق با قانون واجد شرایط نیستند، ارائه دهند.

همچنین به موجب ماده ۴۶ این مصوبه، ارائه دهندگان بازی‌های برخط باید اطلاعات هویتی واقعی کودکان را از طریق سیستم یکپارچه احراز هویت الکترونیک بازی‌های برخط که توسط دولت ایجاد شده است و سایر روش‌های لازم، تأیید کنند.



برای اینکه رضایت‌نامهٔ کودکان معتبر و معنی‌دار باشد باید به‌گونه‌ای طراحی شود که متناسب با سطح درک آن‌ها باشد. بنابراین، برای گرفتن رضایت آگاهانه از کودک، شخصی که داده‌های کودکان را جمع‌آوری می‌کند باید به زبانی که برای کودکان واضح و روشن باشد توضیح دهد که چگونه می‌خواهد داده‌هایی را که جمع‌آوری می‌کند پردازش کند.



پردازشگران داده‌های شخصی کودکان باید با در نظر گرفتن مردمی که به‌عنوان گروه هدف برای سرویس‌های خود در نظر گرفته‌اند، از قوانین مختلف ملی آگاه باشند. به‌ویژه آن‌هایی که خدمات فرامرزی ارائه می‌دهند، همیشه نمی‌توانند بر رعایت قوانین کشور عضو متکی باشند که مقر اصلی آن‌ها در آنجا واقع است؛ بلکه ممکن است نیاز باشد تا قوانین ملی مربوط هر کشور عضو را که در آن خدمات ارائه می‌دهند رعایت کنند.

اگر کاربران اعلام کنند که سن آن‌ها بیش از سن رضایت دیجیتال است، کنترل‌گر می‌تواند بررسی‌های مناسب را برای تأیید صحت این گزاره انجام دهد. اگرچه نیاز به انجام تلاش‌های معقول و متعارف برای تأیید سن در مقررات عمومی اتحادیه اروپا راجع به داده‌های شخصی به‌صراحت نیامده است، اما به‌طور ضمنی لازم است؛ زیرا اگر کودک رضایت دهد درحالی‌که سن کافی برای ارائه رضایت معتبر از طرف خود را نداشته باشد، این امر پردازش داده‌ها را غیرقانونی می‌کند.



اگر کاربر اظهار کند که زیر سن رضایت دیجیتال است، کنترل‌گر می‌تواند این بیان را بدون بررسی بیشتر بپذیرد، اما باید برای گرفتن اجازه والدین و تأیید اینکه شخص ارائه‌دهنده این اجازه دارنده مسئولیت‌های والدینی است اقدام کند.

با توجه به اصل استقلال اشخاص موضوع داده در موافقت با پردازش اطلاعات شخصی خود و کنترل کامل بر پردازش، به محض اینکه شخص موضوع داده به سن رضایت دیجیتال برسد، رضایتی که از سوی شخص دارنده مسئولیت والدینی یا فرد مجاز از سوی او برای پردازش اطلاعات شخصی فرزندان اعلام شده، از سوی کودکی که به سن دیجیتال رسیده، قابل تنفیذ، تغییر یا پس گرفتن است. در عمل، اگر کودک اقدامی انجام ندهد، بدان معنی است رضایت داده شده توسط شخص دارنده مسئولیت والدینی یا مجاز از سوی وی، برای پردازش اطلاعات شخصی داده شده قبل از سن رضایت دیجیتال، مبنای معتبر برای پردازش خواهد بود.

چالش و مانع مهم در مورد سن دیجیتال، چگونگی احراز آن است. در این خصوص، کشورهای مختلف از روش‌های متفاوتی استفاده کرده اند. برای مثال، در آلمان، سکوه‌های اشتراک ویدیو که محتوای مضر برای کودکان را منتشر می‌کنند، باید از سامانه‌های احراز سن کاربران که مورد تأیید نهاد ناظر مربوطه بوده و اجازه نظارت والدین را می‌دهند استفاده کنند. در فرانسه نیز، شبکه‌های اجتماعی موظف هستند که سن کاربران کودک و هویت والدین آن‌ها را احراز کنند. این شبکه‌ها موظف به استفاده از راه‌حل‌های فنی مورد تأیید مراجع تنظیم‌گر مربوط می‌باشند. انگلستان برخی خدمت‌دهندگان اینترنتی را موظف می‌کند که از سامانه‌های احراز سن مؤثر استفاده کنند. براساس دستورالعملی که نهاد ناظر مربوطه منتشر کرده است، به سامانه‌های تطابق عکس اشاره شده است که عکس کاربر را با عکس موجود در مدارک هویتی رسمی تطابق می‌دهند. همچنین، به سامانه‌های تحلیل چهره که سن فرد را تخمین می‌زنند نیز اشاره شده است.



به طور کلی، رایج‌ترین
شیوه‌های احراز سن کودکان در فضای
مجازی عبارتند از:

اقرار: اعلام تاریخ تولد یا سن توسط خود کاربر
رایج‌ترین شیوه احراز سن است. کودکان به سادگی با درج
اطلاعات غلط می‌توانند این شیوه را دور زده و به محتوای
ممنوعه دسترسی پیدا کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که
قوانینی که سکوها را ملزم به احراز سن کاربران به نحو مؤثر
می‌کنند، چنین شیوه‌ای را مفید نخواهند دانست.

کارت اعتباری: در این شیوه که بیشتر در سایت‌های
فروشگاهی و مخصوص بزرگسالان استفاده می‌شود، از کاربر
خواسته می‌شود که برای احراز صحت کارت، پرداخت ناچیزی
(مثلاً یک سنت) انجام شود. چالش‌های این شیوه عبارتند از
اینکه کاربر استفاده‌کننده، مالک اصلی کارت نباشد.

داده‌های زیستی: این شیوه از هوش مصنوعی بهره برده و
مبتنی بر اعمالی همچون تشخیص چهره است. یعنی هوش
مصنوعی با تحلیل چهره فرد از روی یک عکس خویش‌انداز
تخمین می‌زند که آیا فرد مزبور سنی بالغ بر ۱۸ سال دارد یا
نه.

تحلیل استفاده از اینترنت: این شیوه سن کاربر را از
طریق تحلیل مسائلی از قبیل سابقه جستجوی اینترنتی،
محتوای منسوب به او و خریدهای قبل وی انجام
می‌دهد. همچنین، ممکن است پرسشنامه‌ای
در اختیار کاربر قرار گیرد که بلوغ او را
بسنجد.



احراز برون‌خطی: در این شیوه، مکانی برای ارائه اسناد هویتی لازم برای احراز سن در نظر گرفته می‌شود.

هویت دیجیتال: این شیوه از ابزارهای دولتی برای احراز هویت کودکان استفاده می‌کند. در این زمینه می‌توان به چین، کانادا و استرالیا اشاره کرد. برخی کشورهای اروپایی نیز از این شیوه استفاده کرده‌اند.

در نظام ایران هنوز قانون خاصی در زمینه سن دیجیتال تصویب نشده است. مصوبه شورای عالی فضای مجازی با عنوان «صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» مصوب ۱۴۰۰ که با هدف فراهم‌سازی فضای مجازی ویژه خردسالان، کودکان و نوجوانان در چارچوب فرهنگ اسلامی-ایرانی جهت استفاده مناسب از فضای مجازی و پیش‌گیری

از آسیب‌های احتمالی تصویب شده است، از خردسالان، کودکان و نوجوانان به‌طور جداگانه سخن گفته اما تمامی افراد کمتر از ۱۸ سال را که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران قرار دارند مشمول این عناوین دانسته است. با این حال مشخص نیست چرا در جایی که قرار بوده خردسال، کودک و نوجوان مترادف هم تعریف شوند، نویسندگان مصوبه لازم دیده‌اند برای اشاره به افراد کمتر از ۱۸ سال از هر سه واژه استفاده نمایند. این در حالی است که در بندهای ۲ تا ۴ همین ماده در نسخه پیش‌نویس مصوبه بین این واژه‌ها تفاوت وجود داشته است؛ بدین صورت که خردسالان، کلیه افراد تا سن ۷ سال (بند ۲)، کودکان، افراد در سنین ۷ تا ۱۲ سال (بند ۳) و نوجوانان نیز افرادی که در سنین ۱۲ تا ۱۸ سال هستند (بند ۴) تلقی شده بودند.



کودک همسری؛ مفهوم شناسی، علل و پیامدها

فاطمه عرفان

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی

fateme.erfn80@gmail.com



چکیده

کودک همسری موضوعی است با پیشینه طولانی که سالها مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف از جمله حقوق، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، پزشکی و بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی بوده است. این امر گویای اهمیت نهاد خانواده و ازدواج به عنوان عنصر تشکیل دهنده خانواده است. سه رکن اساسی زندگی هر انسانی تولد، ازدواج و مرگ است که در این میان تنها در ازدواج و تشکیل خانواده آزادی عمل دارد. خانواده جایگاهی برای آموزش تعاون، فداکاری و حمایت از انسان است. ازدواج زود هنگام نه تنها طرفین و خانواده‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به دلیل تأثیرات گسترده در سطح کلان، دولت‌ها را هم بر آن داشته تا به فکر راهکارهای کارآمد باشند. چرا که تکتک افراد جامعه، سرمایه‌های یک کشور بوده و هرگونه خلل در نهاد خانواده منجر به ایجاد مشکلاتی در سطح جامعه از جمله مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... خواهد شد. علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی نیز تلاش کرده‌اند تا کودک همسری را به حداقل رسانده و در حال گذار به دوره تعیین سن حداقلی برای ازدواج هستند. در این پژوهش سعی بر ارائه مفهوم کودک و کودک همسری در پرتو اسناد بین‌المللی است. سپس به عوامل موثر بر این پدیده و نتایج آن پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه: کودک همسری، ازدواج، حداقل سن ازدواج، خانواده

مقدمه

ازدواج کودکان یا کودک همسری^۱ نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به سن هجده سال وارد پیمان مهم زناشویی می‌شود. این نوع ازدواج هم در مورد دختران و هم در مورد پسران مصداق دارد؛ حال آنکه دختران شش





برابر بیشتر از پسران با این مسئله مواجه می‌شوند. بنابراین در طول مباحث، کودک‌همسری را بیشتر ناظر به کودک‌عروسان می‌دانیم. تحقیقات حاکی از آن است که این پدیده با وجود آنکه در همه کشورها مشاهده می‌شود؛ اما در کشورهای در حال توسعه میزان آن بیشتر است. به علاوه در جوامع با فرهنگ‌های خاص قومی و قبیله‌ای و جوامع سنتی هم رواج زیادی دارد. چنان‌که گفته شده فقر عامل اصلی ازدواج کودکان در کشورهای فقیر است؛ گویی به دختران و زنان به عنوان شهروند درجه دوم نگریسته می‌شود و از سر خیرخواهی یا منفعت‌طلبی آن‌ها را به سمت ازدواجی سوق می‌دهند که آمادگی‌های لازم برای آن را از جمله آمادگی فکری، جسمی، جنسی و... ندارند. طبق تحقیقات انجام‌شده در جوامع با دختران دارای تحصیلات بالا و سیستم قوی استعدادیابی و موقعیت‌های اجتماعی برابر، ازدواج زود هنگام کمتر رخ می‌دهد؛ چنان‌که در آمریکا کمتر از چهار درصد دختران زیر نوزده سال، در کانادا کمتر از یک درصد و در انگلیس دو درصد این پدیده مشاهده می‌شود. حال آنکه مطالعه‌ای توسط یونیسف نشان داده در شش کشور آفریقایی جنوبی چهار و چهار درصد زنان بیست تا بیست و چهار ساله در نیجر زیر سن پانزده سال ازدواج کرده‌اند. در کشور بنگلادش این پدیده برای کاهش فشار اقتصادی و حفاظت از عفت دختران^۲ رخ می‌دهد.

۱- مفهوم‌شناسی کودک

۱-۱- تعریف کودک: براساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کودک به هر انسان زیر هجده سال اطلاق می‌شود مگر آن که براساس قوانین لازم‌الاجرای داخلی سن بزرگسالی زودتر از این موعد حاصل شود. این ماده سن هجده سال را به عنوان معیاری احتمالی در نظر گرفته و استثنای انتهای ماده کل تعریف را دچار تزلزل نموده و نقش تعیین‌کننده‌ای به قانون داخلی کشورها داده است. گویی آن را به عنوان معیاری کاشف، و نه دارای ارزش ذاتی قلمداد کرده است.

2. Protect the girls sexual purity

۲-۱- اصل مصلحت‌محوری در حقوق کودک: این اصل در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۳ مورد توجه قرار گرفته است. باتوجه به این اصل ضمن آن که والدین در اعمال قیمومت فرزندان خود اولویت دارند، این اولویت جهت حفظ مصلحت کودکان بوده و در جایی که والدین مصلحت کودکان را رعایت نکنند و آن‌ها را به مسیری نامناسب یا مسیر دلخواه خود سوق دهند، این قیمومت به صورت مطلق، کنترل‌نشده و افسارگسیخته نباشد. همچنین چنانکه در ماده ۹ کنوانسیون ملاحظه می‌شود، حقوق بشر در مداخله قهرآمیز دستگاه‌های دولتی، محدود کردن اختیارات والدین و حتی ضرورت جدا کردن کودک از والدین جایی که مصلحت کودک چنین اقتضایی دارد، هرگز تردید نمی‌کند. این اصل همچنین راهنمای خوبی در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دستگاه‌های عمومی در رابطه با کودکان نیز هست؛ به شرط آن که خود نظام سیاسی اقتدارگرا و سرکوب‌گر نباشد و در این راستا الگوی مطلوب به خانواده‌ها ارائه کند.

۳-۱- منع استثمار و سوءاستفاده جنسی از کودکان: ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک به این امر اشاره دارد. این سوءاستفاده‌های جنسی اشکال مختلفی دارد که در برخی موارد کودک‌همسری نوعی سوءاستفاده جنسی محسوب می‌شود؛ چراکه غالب مردانی که اقدام به ازدواج با کودکان می‌کنند خود بالای هجده سال سن داشته و در بسیاری موارد فاصله سنی زیادی با کودک‌همسر خود دارند. چه‌بسا خانواده‌های فقیر با به‌ازدواج‌درآوردن کودکان‌شان با این افراد، سودای بهبود وضعیت خود و فرزندان‌شان را دارند.^۳ غافل از آن که این ازدواج‌ها آسیب‌های روحی و جسمی فراوانی برای کودک همسر به دنبال دارد. در این میان نقش اختلالات روانی مانند پدوفیلیا و پارانویا در برخی از این مردان پراهمیت است.



داشته باشند. کودک همسری زمانی پیش می‌آید که طرفین ازدواج یا یکی از آن‌ها آمادگی جسمی، روحی و فکری لازم برای ازدواج را نداشته باشند. این پدیده معمولاً حاصل نابرابری جنسیتی است؛ درحالی‌که ازدواج یک پیمان مهم و دارای ابعاد گوناگون است. شایسته است کسانی اقدام به ازدواج کنند که از هر لحاظ دارای آمادگی کافی بوده، از حق انتخاب، آزادی عمل، توانایی درک مفهوم، آثار و نتایج ازدواج که نهادی مهم و قراردادی خاص است برخوردار باشند. لذا در

وقتی مردی در قالبی خارج از ازدواج با دختری کم‌سن‌وسال رابطه برقرار کند از سمت جامعه تقبیح می‌شود، اما با بخشیدن قالب و صورت ازدواج به همین رابطه قبیح بودن عملش را از چشم بسیاری دور می‌دارد.

۲- مفهوم‌شناسی کودک همسری

۱-۲- تعریف کودک همسری: همانطور که اشاره شد کودک همسری ازدواجی است که یکی از طرفین یا هر دو طرف کمتر از هجده سال سن



کمتر از هجده سال سن دارد، احتمال کامل نبودن رضایت و آزادی عمل او وجود دارد که یکی از مصادیق کامل نبودن رضایت آن است که این ازدواج زود هنگام با اجبار انجام شود که در این جا کودک همسری بر ازدواج اجباری منطبق می‌شود. ازدواج اجباری ازدواجی است که مبتنی بر رضایت و آزادی کامل یک یا هر دو طرف نیست؛ بلکه براساس فشار جسمی یا عاطفی اتفاق می‌افتد. ازدواج اجباری صور مختلف دارد از جمله ازدواج ربایشی، ازدواج یغمایی، ازدواج وراثتی، خرید همسر، ازدواج سیاسی، ازدواج مبادله‌ای

این مورد صرفاً نباید به بلوغ جنسی اکتفا کرد؛ چرا که در بسیاری موارد بلوغ فکری تمام و کمال حاصل نشده است.

۲-۲- کودک همسری و ازدواج اجباری: می‌دانیم که ازدواج رابطه‌ای حقوقی است که عنصر رضایت طرفین در آن نقش اساسی دارد. اصولی مانند لزوم صیانت از کرامت و حیثیت ذاتی انسان، اصل حرمت زندگی شخصی و برابری همه انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق اقتضا دارد که به حق افراد در گزینش آزادانه احترام گذاشته شود. اما زمانی که فرد هنگام ازدواج

و... . به علاوه آیینی به نام «آیین خون صلح» وجود دارد که در آن یکی از دختران اقوام قاتل به عنوان خون بها یا قسمتی از آن به ازدواج اقوام مقتول در می آید. مشابه این آیین در میان برخی اقوام بختیاری وجود دارد که به آن «خون بس» می گویند.

۳- علل و زمینه های ایجاد کودک همسری

اگرچه عوامل اقتصادی و فقر به عنوان عامل اصلی کودک همسری شناخته شده اند، عوامل دیگری هم هستند که آگاهی همه جانبه نسبت به آنها را جهت شناخت کامل کودک همسری و به تبع آن پیش بینی تدابیر مناسب ضروری می نماید. از بین عوامل متعدد به چهار علت مهم در ذیل اشاره می شود:

۳-۱- مشکلات اقتصادی و فقر: مشکلات اقتصادی و فقر در خانواده های بسیاری از کودک همسران مشاهده می شود. در این راستا برخی والدین در پی کسب منفعت مالی از قبیل شیربها هستند و گویی دختران شان را به فروش می رسانند. برخی دیگر با گمان به مصلحت بودن چنین ازدواجی هم برای خود و هم فرزندان شان دست به این کار می زنند تا ضمن آن که فشار اقتصادی حاکم بر خود را از طریق کم کردن افراد خانواده کاهش می دهند، دخترشان هم از بدبختی نجات پیدا کرده و مشکل مالی نداشته باشد.





۳-۲- آشفته‌گی‌های خانوادگی: زمانی‌که فضای میان والدین ملتهب است و در خانه به جای همدلی، محبت، احترام متقابل، وفاداری و همکاری، دعوا، کشمکش، خشونت، خیانت و... وجود دارد، ترجیح برخی دختران آن است که از چنین فضایی دوری کنند و ازدواج را به‌عنوان دوی دردشان انتخاب کنند؛ غافل از آن که چنین ازدواج‌هایی غالباً بدون در نظر گرفتن شرایط روحی، جسمی، روانی و... طرفین نه تنها کمک‌کننده نیست، بلکه مشکلی به مشکلات قبلی اضافه کرده و شرایط را دشوارتر می‌سازد. چه‌بسا این دختران مجدداً مانند مادران‌شان وارد این فضا شوند و این چرخه معیوب ادامه پیدا کند. اثر چنین ازدواج‌هایی قطعاً بر دختران زیر هجده سال بیشتر خواهد بود. در ادامه این



کودک‌عروسان به دلیل عدم دریافت آموزش‌های کافی و مشکلات شخصی، روحی، جسمی و اختلاف با همسرشان توان تربیت مطلوب فرزند احتمالی خود را نخواهد داشت.

۳-۳- فرهنگ‌های قومی قبیله‌ای:

کودک‌همسری در بسیاری موارد ریشه در باورهای قومی و فرهنگ‌های قبیله‌ای دارد. باوجود کاهش این فرهنگ‌های قومی قبیله‌ای به دلیل پیشرفت علم و افزایش آگاهی جمعی، همچنان در برخی مناطق جهان از جمله ایران وجود دارد و در این راستا جوامع در حال توسعه، متعصب و مطلق‌انگار در فرهنگ و باورهای دینی خود بیشتر مستعد کودک‌همسری هستند. چنان‌که در ایران برخلاف ایل قشقایی، ایلات بویراحمدی و ممسنی، دختران کم سن خود را به عقد مردان اعم از پیر و جوان در می‌آوردند.

۳-۴- مشکلات اجتماعی: برخی از خانواده‌های سنتی و مذهبی، به دلیل واهمه از لکه‌دار شدن آبرو و حیثیت‌شان و مردسالاری حاکم، فرزندان را به سرعت به ازدواج دیگری در می‌آورند؛ درحالی‌که همان‌گونه که بیان شد، این کار صرفاً قالب بخشیدن به چنین رابطه‌ای می‌باشد، گویی مشکل اصلی فراموش شده و به ظواهر اکتفا می‌شود. اما هنگام وجود مشکلی از هر حیث، باید به دنبال راه حل‌ها بود، نه آن که از آن‌ها فرار کرد.

۴- پیامدهای کودک‌همسری

۴-۱- مشکلات روان‌شناختی: کودک گرفتار در دام کودک‌همسری، در صورتیکه بدون رضایت کامل تن به ازدواج دهد، در ادامه زندگی احساس سرخوردگی، ناامیدی و قربانی‌بودن خواهد داشت و این عدم وجود حق انتخاب و سرخم کردن در برابر خواسته‌ها و تصمیمات دیگران در وی به سمت نهادینه شدن پیش می‌رود. چنین فردی دوران کودکی خود را به‌طور کامل سپری نکرده و با وجود نیاز به بازی با همسالان، شناخت بیشتر خود، نیازها و استعدادهایش، اشتباه کردن و درس گرفتن از آن‌ها و کسب آمادگی برای حضور و نقش‌آفرینی بیشتر در اجتماع، به‌ناگهان گرفتار ازدواج زود هنگام شده، مات و مبهوت به پیرامون خود می‌نگرد و بین کودکی و بزرگسالی معلق می‌ماند. نه آن چنان که باید، کودکی با فراغت‌خاطر و امنی را سپری کرده و نه مهيای قدم‌نهادن به دنیای وسیع بزرگسالی است.





مشخص شد که وی قبلاً مورد خشونت واقع شده و این امر بر تصمیمات او تأثیر داشته است. باید توجه داشت انسان‌ها دارای پیچیدگی‌های فراوانی هستند و در جست‌وجوی چرایی برخی رفتارهای‌شان، نمی‌توان به عوامل محدودی اکتفا کرد، بلکه باید به عمیق‌ترین لایه‌های زندگی فرد موردنظر نفوذ کرد، تجربیات و اطرافیان و شرایط محیطی او را مورد مذاقه قرار داد.

۲-۴- مشکلات اجتماعی: کودک‌همسران به دلیل عدم دریافت حمایت کافی و مسولیت سنگین و ورای توان‌شان بعد از ازدواج، مجبور به ترک تحصیل می‌شوند، زیرا تحصیل نیازمند فراغ خاطر است. حتی در برخی موارد توسط پدر یا همسر از تحصیل منع می‌شوند و بعداً در ادامه ترک تحصیل، در فرایند اجتماعی شدن با مشکل مواجه می‌شوند.

چنین ازدواجی مستعد ایجاد نارضایتی زناشویی، خشونت خانگی، افسردگی، اضطراب، خشم‌های سرکوب‌شده نسبت به همسر و در بعدی وسیع‌تر به مردان مشابه، فرار از منزل، همسرکشی یا خیانت است. در صحبت‌های صورت‌گرفته با آشنایان زن قاتل زنجیره‌ای اهل مازندران که چندین مرتبه ازدواج کرده و هفت نفر از شوهرانش را به قتل رسانیده، بیان شده است که وی در گذشته مورد خشونت شوهر دوم خود قرار گرفته که فاصله سنی زیادی با او داشته و دارای ازدواج قبلی و چند فرزند بوده است. گرچه خود زن صرفاً مشکلات اقتصادی را به‌عنوان انگیزه قتل‌های خود مطرح ساخته، درنهایت

در برخی موارد هنگامیکه کودک همسر به سن بالاتری رسید تمایل به طلاق پیدا می‌کند و اگر هدف چنین ازدواجی رهایی از مشکلات اقتصادی بوده باشد، با طلاق مجدداً با مشکلات اقتصادی مواجه خواهد شد، چراکه بسیاری از این دختران ترک تحصیل نموده و توانایی علم و تجربه کافی برای پیدا کردن بسیاری از مشاغل را ندارند. باید اضافه نمود که در بسیاری موارد این دختران ناخواسته باردار می‌شوند و به دلیل سن کم، مهارت کافی در تربیت فرزند ندارند.

۳-۴- مشکلات جسمی: کودک در بسیاری اوقات مورد خشونت جنسی و جسمی واقع می‌شود. در صورت بارداری، امکان سقط بسیار بالاست. همچنین تحقیقات نشان داده در صورت به دنیا آمدن کودک، خود کودک و مادر او با مشکلات جسمی زیادی مواجه می‌شوند. به علاوه رابطه معناداری بین سن کم مادر و معلولیت ذهنی نوزاد وجود دارد؛ لذا به حقوق باروری دختران لطمه وارد می‌شود. چنانکه گفته شد شوهران این کودک همسران فاصله سنی زیادی با آنها دارند و به تبع آن در بسیاری موارد سابقه ازدواج داشته‌اند؛ در نتیجه امکان ابتلای کودک همسران به بیماری‌های مقاربتی وجود دارد. ناآگاهی بسیاری از این دختران در پیش‌گیری از این بیماری‌ها از یک طرف و مورد خشونت واقع شدن آنها و سلب حق انتخاب از طرف دیگر باعث قرار گرفتن بیشتر آنها در برابر بیماری‌های مقاربتی و آسیب‌های جسمی می‌شود.





نتیجه گیری

چنانکه گفته شد، خانواده رکن اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه، دولت و جامعه بین‌المللی برخوردار شود. در ازدواج طرفین باید رضایت کامل داشته باشند و در غالب کودک‌همسری‌ها این رضایت به‌طور تام وجود ندارد؛ زیرا در بهترین حالت، دختر در زمان ازدواج به دلیل عدم تجربه کافی و غلبه احساسات دست به چنین ازدواجی می‌زند که به مرور زمان متوجه اشتباه خود خواهد شد. در این بین باتوجه به اصل برابری، حق بر ازدواج و انتخاب همسر، حرمت زندگی شخصی و... باید به افراد مجال یک انتخاب آزاد با در نظر گرفتن همه جوانب ازدواج با آمادگی کامل داد و تاجایی‌ممکن درصدد کاهش کودک‌همسری برآمد. زیرا مشکلات و عواقب اقتصادی، اجتماعی، روانی و... فراوانی برای شخص و خانواده‌ها به دنبال خواهد داشت. این مساله در سطح کلان دولت‌ها را نیز با مشکلات عدیده‌ای از جمله چرخه معیوب اقتصادی مواجه می‌کند. در این راستا باید به دنبال راهکار کارآمد بود و این مهم ممکن نیست مگر بعد از شناخت کامل کودک‌همسری، علل زمینه‌ساز و اثرات آن. حال که آشنایی با این موارد حاصل شد، در یادداشت بعدی به بررسی بیشتر موضع حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی و راهکارهای احتمالی خواهیم پرداخت.

فهرست منابع و مآخذ فارسی کتب

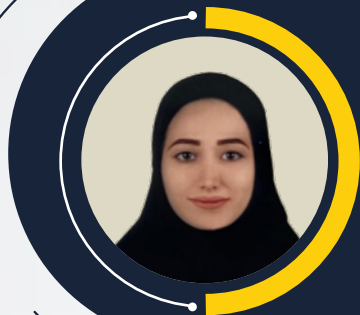
- بهمن‌بیگی، محمد، عرف و عادت در عشایر فارس، چاپ دوم، ۱۳۹۹، انتشارات هما
- روشن، محمد، حقوق خانواده، چاپ ۱۴۰۰، انتشارات جنگل
- سیدفاطمی، سید محمد قاری، حقوق بشر معاصر، دفتر دوم، جستارهای تحلیلی در حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ چهارم، ۱۳۹۶، نشر نگاه معاصر
- صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ پنجاه و چهارم، زمستان ۱۳۹۹، بنیاد حقوقی میزان

مقالات

- اسدزاده، سعید، کنجوری، مجتبی، نحوه پیش‌گیری کیفری از ازدواج در سنین کودکی از گذر تطبیق آن با جرم ازدواج اجباری، پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، آذر ۱۴۰۰ - تهران
- پورطالب، نرگس، موسویان النجق، سیدپناه، کودک‌همسری: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه حقوق کودک، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱۰، صص ۱۳-۲
- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید، بهرامپوری، رسول، کوهستانی، محسن، تحلیل فقهی-حقوقی کودک‌همسری در پرتو انتقادات وارد بر آن؛ تلاشی برای ارائه پیشنهاد مطلوب، نشریه علمی فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال پانزدهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۶۵-۱۴۹
- میرشاه، سمیه، پیامدها و آسیب‌های کودک‌همسری، چهارمین کنفرانس بین‌المللی در نظام حقوقی، حقوق و تحقیقات مذهبی، ۶ مارس ۲۰۲۲، تفلیس، گرجستان
- مینا، محبوبه، کریمی خنجری، فرزاد، عوامل موثر بر ازدواج کودکان، فصلنامه علمی (مقاله علمی پژوهشی)، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۶۶۸-۲۲۵۶

غیرفارسی

- Child marriage, Unicef, child protection
- Early marriage, Innocenti Digest, No. 7, March 2001
- Ziaee, Seyed Yaser, Zandi, Reyhane, Legal status of child marriage in international human rights law and the law of Iran, Iranian journal of international and comparative law, Volume 1, Issue 1, 2023



راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

(مورد مطالعه منطقه ۱۱ تهران در سال ۱۴۰۰)

الهام عبرت‌گیر

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه ارشد دماوند

elhambratgir95@gmail.com



چکیده

اختلال هذیانی یک بیماری روانی است که عموماً نادر است. در بسیاری از موارد ابتلا به اختلال هذیانی، ممکن است با خشونت خانگی مواجه شویم؛ برای مثال در اختلال هذیانی از نوع حسادت مرضی، فرد اعتقاد شدید دارد که همسرش به او خیانت می‌کند درحالی‌که این اعتقاد در واقعیت درست نیست و فرد مبتلا، تحت تأثیر شدید اختلال به آن باور جدی دارد و به همین دلیل ممکن است دست به ارتکاب جرائم خشونت‌بار خانگی بزند. هدف از این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی است.

کلیدواژگان: اختلالات هذیانی، بزه‌کاری، راهکارهای پیشگیری، خشونت خانگی

مقدمه

هنگامی جامعه‌ای سالم و متعادل خواهیم داشت که افراد بتوانند با برخورداری از سلامت روان در عرصه‌های اجتماعی به فعالیت بپردازند. باید دانست که واژه‌ی سلامت روان مفهوم وسیعی دارد و شامل رفاه ذهنی، احساس خود توان‌مندی، کفایت، درک هم‌بستگی بین نسلی و توانایی تشخیص استعدادهای بالقوه هوشی در فرد است که به نظر می‌رسد عدم وجود سلامت روان در بسیاری از افراد عامل بسیار مهمی در بروز جرم و جنایت است. ۱. فرد با داشتن بیماری‌های روانی مانند بیماری اختلال هذیانی ممکن است شدیدترین جرم‌ها را نسبت به افراد دیگر جامعه و یا حتی اعضای خانواده‌ی خود مرتکب شود. هدف و دلیل انتخاب موضوع پژوهش این است که علاوه بر درمان، راهکارهایی ارائه شود تا کمکی در جهت پیشگیری از خشونت خانگی به خانواده‌های افراد مبتلا که بزه‌دیدگان بالقوه و بالفعل خشونت خانگی توسط این مبتلایان هستند، شود.

۱. جلیوند، (مریم)، امام هادی، (محمد علی)، صالحی (منصور)، (۱۳۸۵)، فراوانی اختلالات روانی در مجرمان قتل عمد، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.



دلیل انتخاب منطقه‌ی ۱۱ تهران این است که مبتلایان به اختلال هذیانی در بیمارستان روزبه مورد بررسی قرار گیرند و دلیل انتخاب اختلال هذیانی از بین اختلالات روانی این است که کم‌تر به این نوع اختلال توجه شده است و پژوهش‌های کم‌تری در این مورد بررسی شده است.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده پژوهش‌هایی، به شرح زیر که نسبتاً با موضوع تحقیق حاضر قرابت دارند صورت گرفته است:

۱. صالحی، خانی، (۱۳۹۱)، مسئولیت کیفری و اختلالات روانی بر مبنای DSM. در این مقاله عنوان نمودند، قانون‌گذار کشور ما نیز در زمانی جنون و اختلال دماغی را در یک ردیف قرار می‌داد و در زمانی دیگر به اختلال نسبی شعور یا قوه‌ی تمیز یا اراده اشاره کرده بود و امروزه نیز مجنون را مرتکب جرم می‌شناسد اما مسئولیت کیفری او را زایل می‌سازد. نوشتار حاضر با مطالعه‌ی تحلیلی-تطبیقی، به بررسی این مسئله می‌پردازد که اختلالات روانی طیف وسیعی هستند که بعضی مصادیق آن‌ها، فرد را فاقد مسئولیت و در برخی مصادیق فرد را دارای مسئولیت نسبی می‌سازد و در پاره‌ای از مصادیق بر مسئولیت فرد تأثیر نمی‌گذارد. همچنین این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد که جنون مورد اشاره در ماده‌ی ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی با مفهوم جنون مدنظر روان‌پزشکان تفاوت دارد و قانون‌گذار صرفاً به درجات جنون اشاره داشته و به انواع جنون نپرداخته است. در ماده‌ی ۱۴۸ لایحه‌ی جدید قانون مجازات اسلامی نیز به اختلالات تام تمیز و اراده اشاره گردیده ولی به اختلالات نسبی قوه‌ی شعور یا اراده اشاره نشده است.

۲. سلحشور، محمد نسل، (۱۳۹۸)، نقش اختلالات روانی (غیر از جنون) در ارتکاب جرم و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری اشخاص، در این مقاله به این نتیجه نائل آمدند که عبارت جنون به دلیل این که به وجود برخی از حالات روانی و درونی انسان دلالت می‌کند و این حالت‌ها بسیار ظریف و متغیر هستند، قابل تعریف نخواهد بود و بایستی از تعریف این عبارت در پی جعل آن به منظور پیش‌گیری از نقایص موجود اجتناب نمود.

۳. کرباسی، خاطره، (۱۳۹۳)، بازپروری مجرمین. در این مقاله عنوان نمود که مجرمین علی‌الاصول بنا به دلایل مختلفی اعم از مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی دست به ارتکاب جرم می‌زنند و باید با بررسی دقیق این علل و عوامل سعی در رفع و از بین بردن آن‌ها داشته باشد تا بتواند با حذف این عوامل نتیجه‌ی آن‌ها یعنی ارتکاب جرم و بزه را به حداقل برساند و در مطلوب‌ترین شرایط آن‌ها را به کلی از میان بردارد. شیوه‌های گوناگونی که در این‌جا به کمک می‌آیند را بررسی نموده و با به‌کارگیری درست آنان می‌توان به نتیجه‌ی نهایی یعنی بازپروری مجرمین و در آخر پیش‌گیری از ارتکاب مجدد جرم و داشتن جامعه‌ای سالم و به دور از هرگونه جرم و بزه و بی‌عدالتی دست یابد.

۴. کوه‌رنگی‌ها، امیر، (۱۳۹۲)، جایگاه اصلاح و بازپروری مجرمان و دارندگان حالت خطرناک در سیاست جنایی ایران. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که در پهنه‌ی سیاست جنایی ایران مقابله با مجرمین خطرناک هم در قالب قانون اقدامات تأمینی و تربیتی و هم از طریق جرم‌انگاری بعضی از افعال پرخطر که خود مقدمه‌ی تشکیل دیگر جرائم را تشکیل می‌دهد قرار گرفته‌است. اما در خصوص اصلاح و درمان و اعمال روش‌های اصلاحی غالباً در مورد افرادی که محکوم به حبس گردیده‌اند به کار گرفته شده‌است که به دلایل زیادی از جمله تورم کیفری، عدم طبقه‌بندی زندانیان، عدم تشکیل پرونده‌ی شخصیت با شکست مواجه گردیده‌است و همین امر لزوم بازنگری در سیاست جنایی ایران را در زمینه‌ی اصلاح و درمان این افراد توجه می‌نماید.



۵. فرحزادی، مینا، (۱۳۹۴)،

راهکارهای پیش‌گیری از خرید و فروش مواد مخدر (مطالعه‌ی موردی منطقه‌ی فرحزاد، سال ۱۳۹۴). در این پایان‌نامه گفته شده خرید و فروش مواد مخدر از جمله بحران‌ها و پدیده‌هایی که تمام اقشار جامعه به‌خصوص قشر جوان جامعه را در معرض خطر قرار داده است. وجود منطقه‌ی فرحزاد به‌عنوان یکی از مناطق درگیر با این پدیده شناخته شده است. جرم خرید و فروش مواد مخدر در منطقه‌ی فرحزاد به دلیل مشکلات عدیده رو به فزونی است. هدف این پژوهش تعیین انواع راهکارهای پیش‌گیری از خرید و فروش مواد مخدر در منطقه‌ی فرحزاد و بررسی میزان تأثیر هر یک از راهکارهای ارائه شده است.

سوال اصلی پژوهش این است که راهکارهای پیش‌گیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟ با توجه به ابعاد گسترده‌ی مبحث پیش‌گیری این سوال به چهار سوال فرعی قابل تقسیم است:

۱- راهکارهای پیش‌گیری اجتماعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

۲- راهکارهای پیش‌گیری وضعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

۳- راهکارهای پیش‌گیری کیفری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

۴- راهکارهای پیش‌گیری محیطی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟



الف) روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی است. نوع توصیفی-تحلیلی است که هم به روش کتابخانه‌ای و هم به روش میدانی گردآوری می‌شود.

به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق، نظرات حقوق‌دانان، صاحب‌نظران و محققان مورد تبیین و ارزیابی قرار می‌گیرد. برای این پژوهش بیماران مبتلا به اختلال هذیانی منطقه‌ی ۱۱ تهران در سال ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده‌است و جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل سه گروه کادر درمان و روان‌شناسان، مجرمین و بیماران مبتلا به اختلال هذیانی و خانواده‌ی این دسته از مبتلایان هستند.

در این تحقیق هم از روش کتابخانه‌ای و توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات و هم در بخش‌هایی از روش میدانی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه استفاده خواهد شد.

حجم نمونه ۱۵۰ نفره می‌باشند که شامل سه گروه ۵۰ نفره می‌باشد.

در آمار توصیفی، اطلاعات دموگرافیک و جمعیت شناختی نمونه به همراه نمودارهای فراوانی و درصد فراوانی بررسی خواهد شد. در آمار استنباطی ابتدا نرمال بودن یافته‌ها با استفاده از آزمون تک کلموگروف-اسمیرنف بررسی می‌شود، سپس با استفاده از آزمون خی ۲ کوکرن سطح معناداری هر دسته از شاخص‌ها عوامل بررسی و نهایتاً با استفاده از آزمون فریدمن نسبت به رتبه‌بندی روش‌های ترک اقدام خواهد شد.

ب) یافته‌های تحقیق

این بخش از مقاله را در دو قسمت جداگانه شامل یافته‌های نظری و یافته‌های میدانی ارائه خواهیم کرد.

۱. یافته‌های نظری

مفهوم و تعریف اختلال هذیانی:

اختلال هذیانی یک اختلال روانی است که در آن علائم مسلط، هذیان‌ها هستند. اختلال هذیانی سابقاً پارانویا یا اختلال پارانوئید نامیده می‌شد که ویژگی اصلی آن وجود یک یا چند هذیان بدون کیفیت عجیب و غریب است که به مدت حداقل یک ماه دوام می‌یابد.

درواقع به نظر می‌رسد اختلال هذیانی نوعی بیماری ذهنی خطرناک است چرا که شخص مبتلا به چیزی که واقعیت ندارد باور جدی دارد و در برابر شواهد و مدارک استقامت نشان می‌دهد و حقیقت را نمی‌پذیرد. این فرد با اعتقاد راسخ، ایده‌ی غلط خود را مطرح می‌کند که اطرافیان او مجبور می‌شوند تحقیق لازم را انجام دهند تا خلاف اعتقاد وی را به او ثابت کنند. این دسته از مبتلایان باورهای غلط و منظمی دارند و معمولاً در یک حوزه‌ی مشخص توهمات خود را بروز می‌دهند. این افراد در یک محیط خاص این هذیان‌ات را دارند و اگر از آن محیط بیرون بروند رو به بهبود می‌روند.

اختلال هذیانی ممکن است نتیجه‌ی واکنشی طبیعی در قبال وقایع طبیعی محیط یا حالات غیرطبیعی محیط دستگاه عصبی-محیطی باشد. به این ترتیب در صورتی که بیماری، تجارب حسی غلطی مبنی بر تعقیب شدن داشته باشد (مثلاً صدای قدم‌هایی را بشنود) ممکن است به تدریج اعتقاد پیدا کند که واقعاً مورد تعقیب قرار گرفته‌است.



انواع اختلال هذیانی

۱. اختلال از نوع گزند و آسیب: در

این نوع اختلال یک نوع تفکر غلط و نادرست

در مورد آسیب رساندن از طرف دیگران وجود دارد،

اعتقاد به این که تحت تعقیب دیگران است و دیگران قصد

آسیب رساندن به او را دارند، قصد مسموم کردن او را دارند یا

می‌خواهند کلاهی بر سرش بگذارند. اختلال گزند و آسیب شایع‌ترین نوع

اختلال هذیانی است.

۲. اختلال از نوع حسادت مرضی/ بی‌وفایی: در این نوع اختلال فرد اعتقاد به خیانت

همسر و بی‌وفایی او دارد که این نوع اختلال می‌تواند مبنای بروز همسر آزاری و یا همسرکشی

باشد.

۳. اختلال از نوع جسمانی: در این نوع اختلال هذیان نسبت به کارکرد بدن است. فرد تصور می‌کند

که مبتلا به یک بیماری وخیم جسمانی است مثل نقص عضو و یا سرطان. این‌گونه مبتلایان معمولاً

مراجعات متعدد به پزشک دارند و علاوه بر اطمینان بخشی پزشک، بازهم با باور غلط فکر می‌کنند که

یک بیماری شدید دارند که علائم آن واضح است.

۴. اختلال بزرگ‌منشی: در این اختلال فرد دارای افکار هذیانی است که احساس قوی بودن می‌کند و

احساس می‌کند که انسان مشهوری است و مورد توجه دیگران است. افراد با این تصورات ذهنی دچار

معضلات قانونی، اجتماعی و سیاسی می‌شوند و مشکلات متعددی را به وجود می‌آورند.

۵. اختلال اروتوماتیک (شهوانی): در این نوع اختلال فرد اعتقاد دارد یک آدم مشهور عاشق اوست و

مدام عشق خودش را به او تحمیل می‌کند به صورتی که حتی مشکلاتی را برای آن فرد مشهور ایجاد می‌کند.

خشم و رفتارهای خشن در انواع اختلالات اروتوماتیک (شهوانی)، حسادت مرضی و گزند و آسیب

شایع است.

تعریف خشونت خانگی

یکی از بهترین تعاریف خشونت خانوادگی را سوزان شکتر آن کاتلی (۱۹۹۵) و همچنین بارنت، میلر (۱۹۹۷) ارائه داده‌اند. آن‌ها به طور کلی خشونت خانوادگی را الگویی از رفتارهای تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، جنسی و روانی و همچنین فشار و تهدید اقتصادی که افراد علیه جفت (شریک) صمیمی‌شان به کار می‌برند، تعریف کرده‌اند و خشونت خانوادگی در تمام سنین، جنسیت‌ها، قومیت‌ها، زمینه‌های آموزشی و گروه‌های اقتصادی-اجتماعی رخ می‌دهد و تا کنون مطالعات قابل توجهی در زمینه‌ی شناسایی و فهم انواع مختلف بد رفتاری با اعضای خانواده و افراد صمیمی در کشورهای مختلف صورت گرفته و یافته‌های متنوعی ارائه داده‌اند.^۲

انواع خشونت خانگی

گانلی و شکتر (۱۹۹۶) خشونت خانگی را بر اساس نوع رفتار فرد آزارگر به انواع زیر تقسیم کرده‌اند:

۱. خشونت جسمی: خشونت جسمی با رفتارهایی مانند با ناخن خراشیدن، گاز گرفتن، چنگ زدن، تکان دادن، تنه زدن، هل دادن، پرت کردن، پیچ و تاب دادن، مشت زدن، سیلی زدن، اقدام به خفه کردن و سوزاندن مشخص می‌شود.^۳

۲. خشونت روانی: از دید گانلی و شکتر (۱۹۹۶) خشونت روانی شامل تهدید، حمله به اموال و دارایی، حمله به حیوانات اهلی منزل، آزار عاطفی، جداسازی و منزوی کردن و استفاده از کودکان علیه زن است. اما در نگاهی فراگیرتر به مفهوم خشونت خانگی به‌ویژه در بعد روانی، خشونت گاه طیف وسیع‌تری از رفتارها مانند کنترل رفتارها و تعیین آنچه زن می‌تواند انجام دهد یا نمی‌تواند، محروم کردن از اطلاعات، خرج کردن پولی که متعلق به زن است، ایجاد محدودیت در رفت و آمد یا دسترسی به تلفن و.... را نیز در برمی‌گیرد.

۳. خشونت جنسی: خشونت جنسی با تحت فشار قرار دادن برای رابطه‌ی جنسی، رابطه‌ی جنسی با تهدید و اجبار، اشکال ناخواسته‌ی رابطه‌ی جنسی، رابطه‌ی جنسی در زمان نامناسب و رابطه‌ی جنسی با زور و فشار مشخص می‌گردد.^۴

۴. خشونت اقتصادی: خشونت اقتصادی، رفتارهایی مانند قطع هزینه‌های رفت و آمد، غذا، پوشاک، سرپناه و پول را شامل می‌گردد. شایان ذکر است که محدوده‌های واضح و مشخص میان انواع آزار وجود ندارد و معمولاً اشکال مختلف آزار به صورت هم‌زمان بروز می‌کنند. به عنوان مثال بد رفتاری روانی اغلب

۲. محمدخانی(پروانه)، رضایی دوگانه(ابرهیم)، محمدی(محمدرضا)، آزادمهر(هدیه)، بی تا، شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه‌ی آن در مردان و زنان، فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه، سال پنجم، شماره ۲۱.

۳. وامقی(مروثه)، خدائی اردکانی(محمدرضا)، سجادی(حمیرا)، (۱۳۹۲)، خشونت خانگی در ایران؛ مرور مطالعات ۱۳۸۰-۱۳۸۷، سال سیزدهم، شماره ۵۰.

۴. وامقی(مروثه)، خدائی اردکانی(محمدرضا)، سجادی(حمیرا)، (۱۳۹۲)، خشونت خانگی در ایران؛ مرور مطالعات ۱۳۸۰-۱۳۸۷، سال سیزدهم، شماره ۵۰.

زمانی رخ می‌دهد که
انواع دیگر سوء رفتار وجود
داشته باشند به گونه‌ای که برخی
متخصصان معتقدند که بدرفتاری روانی
زیربنای انواع بدرفتاری‌هاست. بنابراین
خشونت جسمی، جنسی و عاطفی را
می‌توان به منزله‌ی اشکالی از مرحله‌ی
حاد اعمال سلطه و کنترل تلقی نمود.

پیش‌گیری از جرم

پیش‌گیری از جرم مستلزم هر نوع عمل
طراحی شده برای کاهش سطوح واقعی
جرم و یا ترس از جرم است. پیش‌گیری
از جرم و کنترل مترادف هستند.
پیش‌گیری از جرم به وضوح یک تلاش
برای حذف جرم، قبل از وقوع اولیه
یا قبل از فعالیت‌های بیشتر نشان
می‌دهد و از طرفی دیگر کنترل جرم به
حفاظت سطح موجود و مدیریتی اشاره
دارد که میزانی از رفتار است. پیش‌گیری
را می‌توان یکی از راهبردهای اساسی
در حوزه‌ی کنترل اجتماعی برشمرد که
دربدارنده مجموعه راهکارهای مستقیم
و غیرمستقیم باهدف ایجاد امکانات و
موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و
کج‌روی طراحی و تدوین می‌شود.^۵

پیش‌گیری از جرم یکی

از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با
هنجارهای اجتماعی است. به همین
منظور در هر جامعه‌ای تدابیر خاصی برای
پیش‌گیری از جرم اندیشیده‌اند. مکتب
اسلام برای پیش‌گیری از جرم راهکارهای
فردی و اجتماعی ارائه داده‌است. اول به
اصلاح خود انسان پرداخته که بخشی از
خانواده و اجتماع است و راهکارهایی
برای اصلاح انسان در پیش گرفته‌است و
درصد آن است که با اصلاح انسان اصلاً
جرمی صورت نگیرد ولی برای رسیدن
به سر مقصود اصلی این کافی نیست و
درنتیجه به پیش‌گیری از جرم در خانواده
و اجتماع پرداخته است تا انسان پاک
و سالم با ورود در جامعه دچار
آلودگی نگردد.^۶

۵. علی‌وردی نیا (اکبر)، انصاری (پریا)، (۱۳۹۸)، راهبردهای
پیش‌گیری از جرم: عدالت ترمیمی بدیلی بر بازدارندگی
سنتی و عدالت کیفری، فصل‌نامه راهبرد
فرهنگی-اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰.

۶. سپهری (زهرا)، (۱۳۹۹)،
پیش‌گیری از جرم وقوع
جرم از منظر قرآن و
آیات، شماره
۳۲.



انواع پیش‌گیری از جرم

- پیش‌گیری اجتماعی
پیش‌گیری اجتماعی عبارت است از تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم.^۷ با توجه به تکنیک‌های اصلی و فرعی که در کتاب دکتر محمدنسل برای پیش‌گیری اجتماعی تعیین شده و در جدول پایین به تفکیک اصلی، فرعی و راهکارها آمده راهکارهای زیر در خصوص موضوع مقاله ارائه می‌گردد.

- ارتقای آگاهی‌های اختصاصی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا به اختلال هذیانی:
در واقع با بالا بردن آگاهی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا می‌توان در بیشتر موارد از بروز خشونت خانگی توسط این دسته از مبتلایان جلوگیری کرد به طور مثال با ایجاد کلاس‌های آموزشی برای افراد مبتلا و آموزش مهارت کنترل خشم و خودکنترلی می‌توان تا حدودی از بروز این جرائم کاست.
- ارتقای مهارت اجتناب از خطر و مدیریت خطر قربانیان موردبحث:

مهارت اجتناب از خطر جزء مهارت‌های اساسی زندگی است. امروزه به دلیل گستردگی روابط و شبکه‌های اجتماعی حقیقی و مجازی، شمار مهارت‌های لازم برای زندگی بالاتر رفته و تنوع زیادی نیز پیدا کرده است. مهارت‌هایی مانند حل مسئله، مهارت مذاکره، مهارت رفع نیازهای زندگی، مهارت مدیریت هیجان و عواطف، مهارت مدیریت خشم و حتی مهارت مشارکت در دنیای مجازی و امثال آن از ضروریات زندگی در جوامع پیشرفته و پیچیده به شمار می‌روند.^۸

۷. ذوالفقاری (حسین)، فعال (صدیال)، (۱۳۹۴)، بررسی نقش پلیس در پیش‌گیری اجتماعی از جرم (مطالعه موردی منطقه ۲ و ۱۲ شهر تهران)، شماره ۱۴.

۸. محمدنسل (غلامرضا)، (۱۳۹۹)، کلیات پیش‌گیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ دوم



• ارتقای مهارت مدیریت هیجان و عواطف در بزهکاران مورد بحث:
مهارت مدیریت هیجان و عواطف هم از دیگر مهارت‌های ضروری
است که لازم است هر انسانی در زندگی شخصی و اجتماعی از آن
بهره‌مند باشد. هنگامی که فرد مبتلا به اختلال، توانایی مدیریت
کردن عواطفش را داشته باشد شرایط و موقعیت هیجانی شدن
در شرایط خطرزا کمتر برایش ایجاد می‌شود و بیشتر می‌تواند بر
خود کنترل داشته باشد.

- تشکیل جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال هذیانی برای ارائه الگوهای روابط سالم در خانواده: بدون شک نهادهای آموزشی نقش پررنگی در شکل‌گیری شخصیت فرد دارند. درواقع می‌توان گفت بعد از خانواده، نهادهای آموزشی مانند مدارس، کلاس‌های آموزشی و غیره مهم‌ترین مرکز برای شکل‌دهی شخصیت افراد است و می‌توان با تشکیل کلاس‌های آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال به شکل‌گیری شخصیت فرد دارند. درواقع می‌توان پیش‌گیری از بروز خشونت‌های خانگی کمک کرد.

تکنیک اصلی	تکنیک فرعی	راهکارها
آگاهی بخشی و اصلاح باورهای دینی	ارتقای آگاهی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرائم و آسیب‌های اجتماعی	۱- ارتقای آگاهی‌های اختصاصی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا به اختلال هذیانی
توان‌مندسازی فردی و اجتماعی	ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی	۲- ارتقای مهارت اجتناب از خطر و مدیریت خطر قربانیان مورد بحث ۳- ارتقای مهارت مدیریت هیجان و عواطف در بزه‌کاران مورد بحث
تقویت کنش‌گران اجتماعی	تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی در پیش‌گیری	۴- تشکیل جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال هذیانی برای ارائه الگوهای روابط سالم در خانواده

جدول شماره ۱؛ راهکارهای پیش‌گیری اجتماعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

پیش‌گیری وضعی

پیش‌گیری وضعی دربرگیرنده اقدامات و تدابیر غیرکیفری‌ست که از طریق از بین بردن فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش‌جنایی به هدف غایی خود که همان منصرف یا ناتوان ساختن مقطعی بزه‌کاران مصمم، از ارتکاب جرم را در پی می‌گیرد.^۹ راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزه‌کاران و بخشی بر حفاظت از بزه‌دیدگان تمرکز یافته است.^{۱۰}

۹. محمدنسل (غلامرضا)، (۱۳۹۹)، کلیات پیش‌گیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۱۰. میرخلیلی (سید محمود)، (۱۳۸۷)، پیش‌گیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام، شماره ۱.



راهکارهای زیر در خصوص موضوع مقاله

ارائه می‌گردد:

- دور نگه داشتن فرد مبتلا به اختلال هذیانی از موقعیت توهم‌زا:

به نظر سخت کردن راه دسترسی به جرم و ایجاد مانع بر سر راه بزه‌کار باعث می‌شود تا از انجام جرم منصرف شود. خانواده یا کلاس‌های آموزشی بهترین نهادهایی هستند که می‌توانند به فرد مبتلا کمک کنند تا در شرایط خطر از بروز رفتارهای خشونت‌بار بپرهیزد.

- دور نگه داشتن سلاح‌های سرد آشپزخانه مانند چاقو و وسایل تیز و برنده از دسترس فرد مبتلا به اختلال هذیانی در موقعیت‌های خطرناک: کنترل و عدم دسترسی بزه‌کار به ابزاری که ارتکاب جرم را آسان‌تر می‌کند می‌تواند باعث جلوگیری از به وجود آمدن شرایط ارتکاب جرم گردد. چرا که فرد مبتلا در شرایط هیجانی خود سلاحی در دسترس ندارد تا خشم خود را به وسیله آن نشان دهد.

- سرکشی مددکاران اجتماعی به خانه‌های دارای سابقه خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی:

تدابیر امنیتی نظارت را در معابر و محله‌ها بیشتر می‌کند. در صورت سرکشی مددکاران اجتماعی به خانه‌های دارای سابقه خشونت آرامش خاطری برای قربانیان احتمالی خشونت خانگی است و هم‌چنین هشدار برای فرد مبتلا به اختلال تا از انجام رفتارهای خشونت‌آمیز پرهیز کند.

- اسکان قربانیان مورد بحث در مواقع ضروری و خطرناک در خانه‌های امن: اساساً در این مورد سعی می‌شود آماج جرم در دسترس بزه‌کار قرار نگیرد و فرد بزه‌کار نتواند به آن دسترسی پیدا کند. با این راهکار می‌توان کمکی به قربانیان بالفعل خشونت خانگی کرد تا بتوانند در مواقع خطر در امان باشند.

- اجتناب خانواده از مشاجره و ستیزه با فرد مبتلا به اختلال هذیانی در حیطه‌ی توهمات و هذیان‌های وی؛
اولین و مهم‌ترین نهادی که با فرد مبتلا به اختلال در ارتباط است خانواده‌ست که باید در ارتباط و رفتار با این افراد صبر و پیکه کنند و زمینه‌ی بروز دعوا و مشاجره و شرایط ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز را برای فرد مبتلا به حداقل برسانند.
- اجتناب از مشاجره و ستیزه با فرد مبتلا به اختلال هذیانی در حیطه‌ی توهمات و هذیان‌های وی؛
برای پیش‌گیری از وقوع جرم افراد جامعه باید با صبر و خونسردی بیشتری با یک‌دیگر رفتار کنند.

تکنیک اصلی	تکنیک فرعی	راهکارها
افزایش تلاش	سخت‌سازی آماج	۵- دور نگه داشتن فرد مبتلا به اختلال هذیانی از موقعیت توهم‌زا
	کنترل وسایل تسهیل جرم	۶- دور نگه داشتن سلاح‌های سرد آشپزخانه مانند چاقو و وسایل تیز و برنده از دسترس فرد مبتلا به اختلال هذیانی در موقعیت‌های خطرزا
افزایش خطرات	تقویت نظارت رسمی	۷- سرکشی مددکاران اجتماعی به خانه‌های دارای سابقه‌ی خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی
کاهش منافع حاصل از جرم	از دسترس خارج کردن آماج	۸- اسکان قربانیان مورد بحث در مواقع ضروری و خطرزا در خانه‌های امن
کاهش تحریک	اجتناب از ستیزه	۹- اجتناب خانواده از مشاجره و ستیزه با فرد مبتلا به اختلال هذیانی در حیطه‌ی توهمات و هذیان‌های وی

جدول شماره‌ی ۲؛ راهکارهای پیش‌گیری وضعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

اعم از کیفری و غیر
کیفری است که توسط
اعضای سیستم عدالت کیفری انجام
می‌شود و فقط منحصر به تدابیر واکنشی
نسبت به جرم نمی‌شود که به نظر تعبیر
دوم قابل قبول‌تر است چرا که حد و
مرز روشن‌تری با اقدامات سایر نهادهای
اجتماعی دارد و هم تدابیر پیش‌گیرانه را
از اقدامات تنبیهی صرف خارج می‌کند.
راهکارهای زیر در خصوص موضوع
مقاله ارائه می‌گردد:

- ایجاد تالارهای کارشناسی مشاوره و
معاضدت قضایی برای قربانیان مورد
بحث:

ناآگاهی در مورد مسائل و نحوه‌ی برطرف
کردن مشکلات باعث به وجود آمدن
مشکلات دیگری می‌شود. با ایجاد
تالارهای کارشناسی مشاوره و معاضدت
قضایی می‌توان آگاهی قربانیان خشونت
خانگی را بالا برد تا بار دیگر قربانی خشونت
خانگی توسط این دسته از مبتلایان قرار
نگیرند.

- به کارگیری مجازات اصلاح‌کننده و
مناسب با توجه به شرایط و میزان
اختلال شخص بزه‌کار:

جرم‌شناسان برای اثربخش‌تر شدن
احکام عواملی مانند بازدارنده بودن
و اصلاح‌گرا بودن مجازات و عقوبت و
رعایت تناسب بین جرم و عقوبت را
دخیل می‌دانند.^{۱۱} درواقع می‌توان با به
کارگیری مجازات مناسب به اصلاح شدن
فرد مبتلا به اختلال هذیانی و همچنین
بهبود سلامت وی کمک کرد.

پیش‌گیری کیفری

مجموع اهدافی که
از اعمال پیش‌گیری کیفری
مدنظر است عبارت‌اند از اصلاح
بزه‌کار، حمایت از جامعه، ارباب بزه‌کار و
پیش‌گیری عمومی با ارباب دیگران. پیش‌گیری
کیفری از این جهت که دارای مضرات و معایب
بسیاری است و بر جسم و روان مجرم‌گذار
بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات
مواجه می‌کند، باید به عنوان آخرین چاره علیه
بزه‌کاری مورد استفاده قرار گیرد.

دو نظر و تعبیر درباره‌ی پیش‌گیری کیفری از
جرم وجود دارد. یک تعبیر کیفر را تنبیه می‌داند
و پیش‌گیری کیفری را پیش‌گیری از جرم از طریق
تنبیه و سزادهی در نظر می‌گیرد.

تعبیر دوم پیش‌گیری کیفری را پیش‌گیری از
جرم از طریق اقدامات سیستم عدالت کیفری
می‌داند. این تعریف شامل دو خصیصه است.
خصیصه‌ی اول آن که اقدامات مرتبط با سیستم
عدالت کیفری (شامل دستگاه قضایی، پلیس،
سازمان زندان‌ها و تعلیق مراقبتی و ضابطین
خاص) را در برمی‌گیرد. خصیصه‌ی دوم این است
که این تدابیر شامل کلیه‌ی تدابیر پیش‌گیرانه

۱۱. محمد نسل، (مصطفی)، سلحشور، (کیان مهر)،
(۱۳۹۸)، نقش اختلالات روانی غیر از جنون در ارتکاب
جرم تأثیر آن بر مسئولیت کیفری اشخاص، فصل‌نامه
دانش انتظامی کردستان، دوره ۱۰، شماره ۲۸.

تکنیک اصلی	تکنیک فرعی	راهکارها
افزایش نظم حقوقی در جامعه	توسعه و ترویج مشاوره و معاضدت حقوقی و قضایی	۱۰- ایجاد تالارهای کارشناسی مشاوره و معاضدت قضایی برای قربانیان مورد بحث
ارتقای اثربخشی پیش‌گیرانه آراء و احکام قضایی	تقویت اثربخشی پیش‌گیرانه احکام	۱۱- به کارگیری مجازات اصلاح‌کننده و مناسب با توجه به شرایط و میزان اختلال شخص بزه‌کار

جدول شماره ۳؛ راهکارهای پیش‌گیری کیفری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

پیش‌گیری محیط

قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان

مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت.^{۱۳} این رویکرد نیز همانند رویکرد پلیس جامعه‌محور، حل مسئله و اساس پیش‌گیری از وقوع جرم را از طریق همکاری تنگاتنگ با شهروندان می‌داند.

به‌طور کلی می‌توان گفت پیش‌گیری محیطی برای ایجاد رفتار مطلوب، افزایش کارآمدی و کاهش بروز رفتارهای ضداجتماعی و انجام اقدام‌های مقتضی برای از بین بردن خطر وقوع جرائم است.^{۱۴}

درواقع فضای قابل دفاع یک نظریه طراحی هست که متأثر از سکونت انسان و تجربه کاربری است که از قسمت اعظم شیوه معماری روز، عدول می‌کند.

بر اساس نظریه‌ی فضای قابل دفاع وجود چهارعنصر از عوامل ایجاد و تقویت فضاهای قابل دفاع که به ساکنان اجازه دهد افراد را شناسایی

احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم‌خیز در آن جامعه باز می‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم‌خیز بالاتر باشد، احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است.^{۱۲}

اهمیت سیاست‌ها، برنامه‌ها و تدابیر پیش‌گیری از جرم با توجه به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرم غیر قابل انکار است. پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. این نظریه بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در محیط تحت تأثیر طراحی آن محیط قرار دارد. این نظریه تأکید دارد که با بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، تعریف مشخص و واضح از

۱۲. رجیبی پور (محمود)، (۱۳۸۷)، بزه‌کاری دانش‌آموزان و امکان پیش‌گیری رشد‌مدار (از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش). نشریه فصل‌نامه دانش انتظامی، دوره ۱۰، شماره ۲.

۱۳. محمودی جانکی (فیروز)، قورچی بیگی (مجید)، (۱۳۸۸)، نقش طراحی محیطی در پیش‌گیری از جرم، دوره ۲۹، شماره ۲.

۱۴. اشنایدر (ریچارد)، ند (کیچن)، (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی شهری برای پیش‌گیری از جرم. فرزانه سجودی، تهران: سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا، پژوهش‌کده امنیتی انتظامی، ص ۵۰، ۱۶.



کرده و به وقایع قلمرو خودآگاه شوند، خلق تصویر امن از محیط اطراف که ساکنان آن را می‌شناسند و از آن مراقبت می‌کنند و اینکه همسایه‌ها باید بخشی از ناحیه‌ی امن و بزرگ‌تری باشند که از آن در برابر خطرات حفاظت می‌کنند و بالطبع محله‌ی خود را نیز صیانت می‌نمایند. ۱۵ راهکارهای زیر در خصوص موضوع مقاله ارائه می‌گردد:

- افزایش قابلیت نظارت اعضای خانواده بر تمام محیط خانه جهت جلوگیری سریع از بروز تنش احتمالی فرد مبتلا با قربانیان احتمالی:
- طراحی فیزیکی این قابلیت را دارد که فرصت‌های نظارت ساکنان را افزایش دهد. نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه‌ی محله دانست. در واقع با افزایش قابلیت دید در خانه می‌توان از بروز خشونت خانگی توسط این دسته از مبتلایان کاست.
- تعبیه‌ی پنجره رو به خیابان، کوچه و پیاده‌رو جهت افزایش چشم‌های ناظر بر خانه‌های بزه‌کاران مورد بحث:
- اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت، اگرچه به‌واقع این‌گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد زیرا وی در فرآیند گذار از اندیشه به عمل، منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محله به علت نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنان، پلیس و نهایتاً دستگیری بالا خواهد بود فلذا از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد.

۱۵. محمد نسل، (مصطفی)، سلحشور، (کیان مهر)، (۱۳۹۸)، نقش اختلالات روانی غیر از جنون در ارتکاب جرم تأثیر آن بر مسئولیت کیفری اشخاص، فصل‌نامه دانش انتظامی کردستان، دوره ۱۰، شماره ۲۸.

تکنیک اصلی	تکنیک فرعی	راهکارها
نظارت طبیعی	قابلیت دید	۱۲- افزایش قابلیت نظارت اعضای خانواده بر تمام محیط خانه جهت جلوگیری سریع از بروز تنش احتمالی فرد مبتلا با قربانیان احتمالی
		۱۳- تعبیه پنجره رو به خیابان، کوچه و پیاده‌رو جهت افزایش چشم‌های ناظر بر خانه‌های بزه‌کاران مورد بحث

جدول شماره ۴: پیش‌گیری محیطی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

۲. یافته‌های میدانی

جدول شماره ۵ (۵): توزیع افراد نمونه برحسب ویژگی‌های فردی				
ویژگی	دسته‌بندی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	مرد	۹۴	۶۲/۷	۶۲/۷
	زن	۵۶	۳۷/۳	۱۰۰
سن	۲۱ تا ۳۰ سال	۲۱	۱۴	۱۴
	۳۱ تا ۴۰ سال	۶۹	۴۶	۶۰
	۴۱ تا ۵۰ سال	۴۳	۲۸/۷	۸۸/۷
	۵۱ سال و بالاتر	۱۷	۱۱/۳	۱۰۰

۲	۲	۳	زیر دیپلم	تحصیلات
۳۶/۷	۳۴/۷	۵۲	دیپلم	
۶۶/۷	۳۰	۴۵	کارشناسی	
۷۶	۹/۳	۱۴	کارشناسی ارشد	
۱۰۰	۲۴	۳۶	دکتر	
۶۸/۷	۶۸/۷	۱۰۳	شاغل	شغل
۱۰۰	۳۱/۳	۴۷	غیر شاغل	

بررسی نتایج جدول در ارتباط از بین افراد مورد بررسی در این پژوهش ۶۲/۷ درصد افراد را مردان و ۳۷/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. در ارتباط با سن افراد نشان می‌دهد که ۱۴ درصد دارای سنی در محدوده ۲۱ تا ۳۰ سال، ۴۶ درصد دارای سنی در محدوده ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۸/۷ درصد در محدوده ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۱/۳ درصد دارای سن ۵۱ و بالاتر می‌باشند. در ارتباط با تحصیلات افراد نشان می‌دهد که ۲ درصد افراد دارای تحصیلاتی زیر دیپلم، ۳۴/۷ درصد افراد دارای تحصیلاتی در حد دیپلم، ۳۰ درصد دارای تحصیلات حد کارشناسی، ۹/۳ درصد دارای تحصیلات در حد کارشناسی ارشد، ۲۴ درصد افراد دارای تحصیلات در حد دکتر می‌باشند. در ارتباط با وضعیت اشتغال افراد نشان می‌دهد که ۶۸/۷ درصد افراد شاغل و ۳۱/۳ درصد افراد غیر شاغل می‌باشند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها در مورد سؤالات تحقیق:

نتیجه‌گیری سؤال فرعی اول تحقیق: راهکارهای پیش‌گیری اجتماعی از خشونت توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

شماره گویه	محور ارزیابی	میانگین وزنی	انحراف معیار
۱	ارتقای آگاهی‌های اختصاصی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا به اختلال هذیانی	۴/۴۸	۰/۸۰۸

۲	ارتقای مهارت اجتناب از خطر و مدیریت خطر قربانیان مورد بحث	۳/۹۳	۰/۸۵۶
۳	ارتقای مهارت مدیریت هیجان و عواطف در بزه‌کاران مورد بحث	۳/۶۴	۱/۰۳۸
۴	تشکیل جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال هذیانی و خانوادگی آنان برای ارائه الگوهای روابط سالم	۳/۶۳	۱/۱۴۹
معدل میانگین وزنی	۳/۹۲		

جدول شماره ۶: میانگین امتیاز راهکارهای پیش‌گیری اجتماعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

با دقت در جدول فوق مشخص می‌گردد که از نظر پاسخ‌دهندگان ارتقای آگاهی‌های اختصاصی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا به اختلال هذیانی و سپس ارتقای مهارت اجتناب از خطر و مدیریت خطر قربانیان مورد بحث و پس از آن ارتقای مهارت مدیریت هیجان و عواطف در بزه‌کاران مورد بحث و سرانجام تشکیل جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال هذیانی و خانوادگی آنان برای ارائه الگوهای روابط سالم به ترتیب دارای حداکثر تأثیر در پیش‌گیری ارزیابی شده‌اند. در ضمن همه راهکارهای پیشنهادی در سطح تأثیر متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند.

نتیجه‌گیری سؤال فرعی دوم تحقیق: راهکارهای پیش‌گیری وضعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

شماره گویه	محور ارزیابی	میانگین وزنی	انحراف معیار
۵	دور نگه داشتن فرد مبتلا به اختلال هذیانی از موقعیت‌های توهم‌زا	۳/۳۰	۱/۱۶۲

۱/۲۴۱	۳/۱۰	دور نگه داشتن سلاح‌های سرد آشپزخانه مانند چاقو و وسایل تیز و برنده از دسترس فرد مبتلا به اختلال هذیانی در موقعیت‌های خطرزا	۶
۱/۲۸۹	۳/۲۴	سرکشی مددکاران اجتماعی به خانه‌های دارای سابقه‌ی خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	۷
۱/۳۶۵	۳/۲۲	اسکان قربانیان مورد بحث در مواقع ضروری و خطرزا در خانه‌های امن	۸
۱/۲۴۷	۳/۶۰	اجتناب خانواده از مشاجره و ستیزه با فرد مبتلا به اختلال هذیانی در حیطه‌ی توهمات و هذیان‌های وی	۹
	۳/۲۹	معدل میانگین وزنی	

جدول شماره‌ی ۷: میانگین امتیاز راهکارهای پیش‌گیری وضعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

با دقت در جدول فوق مشخص می‌گردد که از نظر پاسخ‌دهندگان اجتناب خانواده از مشاجره و ستیزه با فرد مبتلا به اختلال هذیانی در حیطه‌ی توهمات و هذیان‌های وی و سپس دور نگه داشتن فرد مبتلا به اختلال هذیانی از موقعیت‌های توهم‌زا و پس از آن سرکشی مددکاران اجتماعی به خانه‌های دارای سابقه‌ی خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی و سپس اسکان قربانیان مورد بحث در مواقع ضروری و خطرزا در خانه‌های امن و سرانجام دور نگه داشتن سلاح‌های سرد آشپزخانه مانند چاقو و وسایل تیز و برنده از دسترس فرد مبتلا به اختلال هذیانی در موقعیت‌های خطرزا به ترتیب دارای حداکثر تأثیر در پیش‌گیری ارزیابی شده‌اند. ضمناً همه‌ی راهکارهای پیشنهادی در سطح تأثیر متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند.

نتیجه‌گیری سؤال سوم فرعی تحقیق: راهکارهای پیش‌گیری کیفی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

شماره گویه	محور ارزیابی	میانگین	انحراف معیار
۸	ایجاد تالارهای کارشناسی مشاوره و معاضدت قضایی برای قربانیان مورد بحث	۳/۵۶	۱/۱۸۹
۹	به‌کارگیری مجازات اصلاح‌کننده و مناسب با توجه به شرایط و میزان اختلال شخص بیمار	۳/۶۲	۱/۱۶۱
	معدل میانگین وزنی	۳/۵۹	

جدول شماره ۸: میانگین امتیاز راهکارهای پیش‌گیری کیفی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

با دقت در جدول فوق مشخص می‌گردد که از نظر پاسخ‌دهندگان به‌کارگیری مجازات اصلاح‌کننده و مناسب با توجه به شرایط و میزان اختلال شخص بیمار و سپس ایجاد تالارهای کارشناسی مشاوره و معاضدت قضایی برای قربانیان مورد بحث به ترتیب دارای حداکثر تأثیر در پیش‌گیری ارزیابی شده‌اند. ضمناً همه‌ی راهکارهای پیشنهادی در سطح تأثیر متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند.

نتیجه‌گیری سؤال چهارم فرعی تحقیق: راهکارهای پیش‌گیری محیطی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی کدام‌اند؟

شماره گویه	محور ارزیابی	میانگین	انحراف معیار
۱۲	افزایش قابلیت نظارت اعضای خانواده بر تمام محیط خانه جهت جلوگیری سریع از بروز تنش احتمالی فرد مبتلا با قربانیان احتمالی	۳/۹۹	۱/۱۰۲

۱/۳۴۸	۲/۷۴	تعبیه‌ی پنجره رو به خیابان، کوچه و پیاده‌رو جهت افزایش چشم‌های ناظر بر خانه‌های بیماران مورد بحث	۱۳
		۳/۳۶	معدل میانگین وزنی

جدول شماره ۹: میانگین امتیاز راهکارهای پیش‌گیری محیطی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

۳. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی یافته‌های تحقیق نشان داد که بین میزان تأثیر راهکارهای مختلف بر راهکارهای پیش‌گیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی تفاوت وجود دارد به نحوی که به ترتیب پیش‌گیری اجتماعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی با میانگین ۳/۹۲ بیشترین تأثیر را داشته و پس از آن پیش‌گیری کیفی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی با میانگین ۳/۵۹ و پیش‌گیری محیطی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی با میانگین ۳/۳۶ و پیش‌گیری وضعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی با میانگین ۳/۲۹ کمترین تأثیر را داشته‌است.

رتبه	نام راهکار اصلی	میانگین
۱	پیش‌گیری اجتماعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	۳/۹۲
۲	پیش‌گیری کیفی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	۳/۵۹
۳	پیش‌گیری محیطی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	۳/۳۶
۴	پیش‌گیری وضعی از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	۳/۲۹

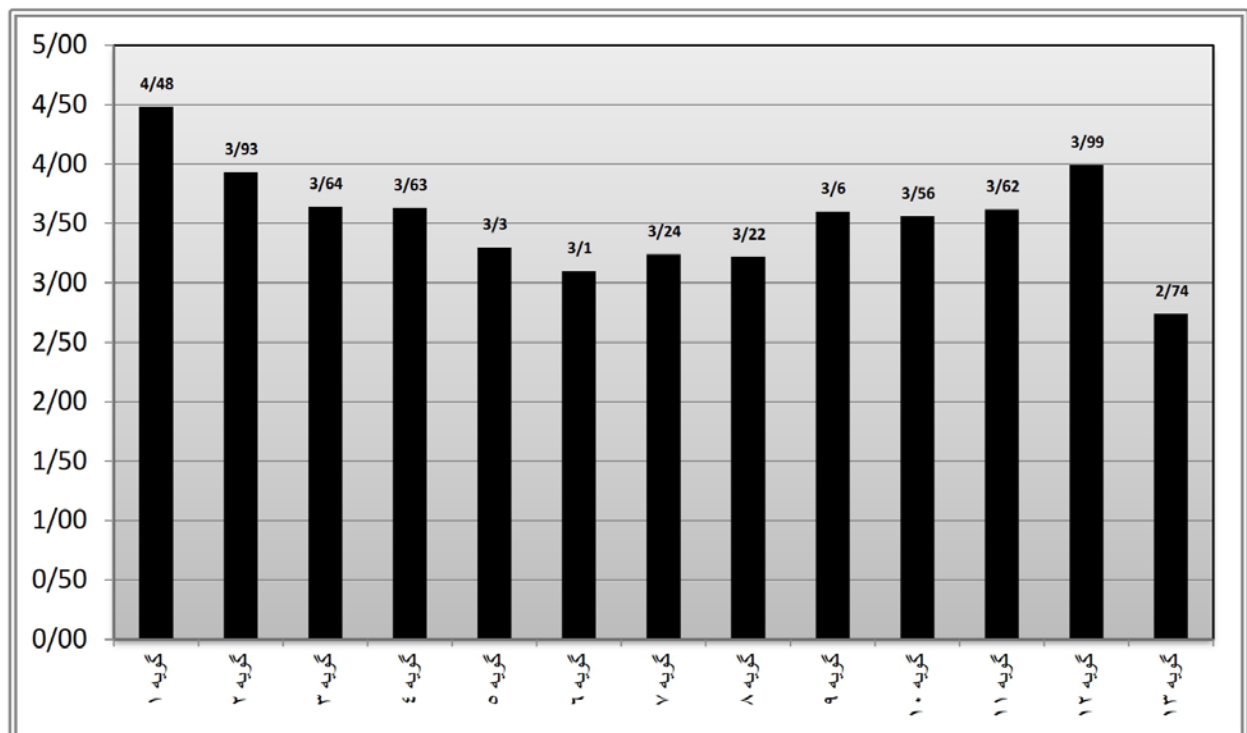
جدول شماره ۱۰: امتیاز راهکارهای پیش‌گیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی

جمع‌بندی نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد گویه‌های تحقیق

شماره گویه	راهکارهای فرعی پیش‌گیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	میانگین وزنی	انحراف معیار
۱	ارتقای آگاهی‌های اختصاصی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا به اختلال هذیانی	۴/۴۸	۰/۸
۲	ارتقای مهارت اجتناب از خطر و مدیریت خطر قربانیان مورد بحث	۳/۹۳	۰/۸۵
۳	ارتقای مهارت مدیریت هیجان و عواطف در بزه‌کاران مورد بحث	۳/۶۴	۱/۰۳
۴	تشکیل جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال هذیانی و خانواده‌ی آنان برای ارائه‌ی الگوهای روابط سالم	۳/۶۳	۱/۱۴
۵	دور نگه داشتن فرد مبتلا به اختلال هذیانی از موقعیت توهم‌زا	۳/۳	۱/۱۶
۶	دور نگه داشتن سلاح‌های سرد آشپزخانه مانند چاقو و وسایل تیز و برنده از دسترس فرد مبتلا به اختلال هذیانی در موقعیت‌های خطرزا	۳/۱	۱/۲۴
۷	سرکشی مددکاران اجتماعی به خانه‌های دارای سابقه خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی	۳/۲۴	۱/۲۸
۸	اسکان قربانیان مورد بحث در مواقع ضروری و خطرزا در خانه‌های امن	۳/۲۲	۱/۳۶

۱/۲۴	۳/۶	اجتناب خانواده از مشاجره و ستیزه با فرد مبتلا به اختلال هذیانی در حیطه‌ی توهمات و هذیان‌های وی	۹
۱/۱۸	۳/۵۶	ایجاد تالارهای کارشناسی مشاوره و معاضدت قضایی برای قربانیان مورد بحث	۱۰
۱/۱۶	۳/۶۲	به‌کارگیری مجازات اصلاح‌کننده و مناسب با توجه به شرایط و میزان اختلال شخص بزه‌کار	۱۱
۱/۱	۳/۹۹	افزایش قابلیت نظارت اعضای خانواده بر تمام محیط خانه جهت جلوگیری سریع از بروز تنش احتمالی فرد مبتلا با قربانیان احتمالی	۱۲
۱/۳۴	۲/۷۴	تعبیه‌ی پنجره رو به خیابان، کوچه و پیاده‌رو جهت افزایش چشم‌های ناظر بر خانه‌های بزه‌کاران مورد بحث	۱۳

جدول شماره‌ی ۱۱؛ جمع‌بندی نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد گویه‌های تحقیق



نمودار (۱) جمع‌بندی نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد گویه‌های تحقیق



پیشنهادهات

برای کاربردی کردن یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که اقدامات زیر صورت پذیرد:

۱. با توجه به این که بر اساس یافته‌های تحقیق راهکار شماره ۱ با میانگین ۴۸/۴ بالاترین امتیاز را از نظر پاسخ‌دهندگان کسب کرده است، علی‌هذا پیشنهاد می‌شود که در مورد ارتقای آگاهی‌های اختصاصی قربانیان احتمالی در خصوص راهکارهای مهار خشم فرد مبتلا به اختلال هذیانی برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات لازم صورت گیرد.
۲. نظر به این که بر اساس یافته‌های تحقیق راهکار شماره ۱۲ با میانگین وزنی ۹۹/۳ رتبه دوم را از نظر پاسخ‌دهندگان کسب نموده است، می‌توان در مورد افزایش قابلیت نظارت اعضای خانواده بر تمام محیط خانه جهت جلوگیری سریع از بروز تنش احتمالی فرد مبتلا با قربانیان احتمالی اقدامات کافی صورت گیرد.
۳. با توجه به این که بر اساس یافته‌های تحقیق راهکار شماره ۲ با میانگین وزنی ۹۳/۳ رتبه سوم را از نظر پاسخ‌دهندگان کسب کرده است از این رو پیشنهاد می‌شود که در مورد ارتقای مهارت اجتناب از خطر و مدیریت خطر قربانیان مورد بحث اقدامات لازم انجام شود.
۴. با توجه به این که بر اساس یافته‌های تحقیق راهکار شماره ۳ با میانگین ۶۴/۳ رتبه چهارم را از نظر پاسخ‌دهندگان کسب نموده است از این رو پیشنهاد می‌شود که در مورد ارتقای مهارت مدیریت هیجان و عواطف در بزه‌کاران مورد بحث اقدامات لازم صورت گیرد.
۵. با توجه به این که بر اساس یافته‌های تحقیق راهکار شماره ۴ با میانگین وزنی ۶۳/۳ رتبه پنجم را از نظر پاسخ‌دهندگان کسب کرده است، علی‌هذا پیشنهاد می‌شود که در مورد تشکیل جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اختلال هذیانی و خانوادگی آنان برای ارائه‌ی الگوهای روابط سالم اقدامات لازم صورت گیرد.
۶. با توجه به این که بر اساس یافته‌های تحقیق راهکار شماره ۱۱ با میانگین وزنی ۶۲/۳ رتبه ششم را از نظر پاسخ‌دهندگان کسب کرده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که در مورد به کارگیری مجازات اصلاح‌کننده و مناسب با توجه به شرایط و میزان اختلال شخص بزه‌کار انجام شود.

باستانی(امیر) و همکاران، (۱۳۹۰)، عوامل زیست‌شناختی و ژنتیکی رفتار بزه‌کارانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

• باهری، (محمد)، داور، (علی اکبر)، (۱۳۸۰)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.

• برنار، (بولک)، گاستون، (استفانی)، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی جرم و مجرم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، جلد اول. ترجمه؛ ح دادبان. چاپ دوم. جلد اول.

• پورافکاری، (نصرت اله)، (۱۳۸۹)، فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی و زمینه‌های وابسته، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چاپ هفتم. جلد اول.

• جلیوند، (مریم)، امام هادی، (محمد علی)، صالحی(منصور)، (۱۳۸۵)، فراوانی اختلالات روانی در مجرمان قتل عمد، فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.

• جعفری لنگرودی، (محمدجعفر)، (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم.

• سادوک، (کاپلان)، (۱۳۶۸)، نوروها و اختلالات شخصیت، تبریز، نشر تابش، چاپ دوم.

• صانعی(پرویز)، (۱۳۸۱)، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح نو، چاپ اول.

• محمدنسل(غلامرضا)، (۱۳۹۹)، کلیات پیش‌گیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ دوم

• محمد نسل، (مصطفی)، سلحشور، (کیان‌مهر)، (۱۳۹۸)، نقش اختلالات روانی غیر از جنون در ارتکاب جرم

تأثیر آن بر مسئولیت کیفری اشخاص، فصل‌نامه دانش انتظامی کردستان، دوره ۱۰، شماره ۲۸.

• نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، (۱۳۹۱)،

مباحثی در علوم جنایی، تقریرات

درس جرم‌شناسی مقاطع دکتری و

کارشناسی ارشد، مجموعه دو

جلدی به کوشش شهرام

ابراهیمی، دانشگاه

شهید بهشتی.

منابع و مأخذ

• ابوالحسنی(سلامه)،

• عباسی (رستاک)،

(۱۳۹۶)، پیش‌گیری از

خشونت خانگی علیه زنان

با رویکردی بین‌المللی و با

تأکید بر نقش پلیس در کاهش

آن، سال هفتم، شماره ۳۰.

• اشنایدر(ریچارد)، تد(کیچن)، (۱۳۸۷)،

برنامه‌ریزی شهری برای پیش‌گیری از جرم.

• فرزانه سجودی، تهران، سازمان مطالعات و

تحقیقات ناجا، پژوهش‌کده امنیتی انتظامی،

ص ۵، ۱۶.

• افتخاری(محسن)، حسینی جیردهی(آزاده)، علوی(الناز)،

(۱۳۹۷)، حمایت از کودکان بزه‌دیده ناشی از خشونت

خانواده در حقوق ایران، اولین همایش ملی جهانی‌سازی

حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی.

• افشارمنش، (فاطمه)، ۱۳۹۷، تأثیر اختلالات روانی بر

مسئولیت کیفری مجرمان جرائم درجه یک، مجله‌ی

بین‌المللی پژوهش ملل، شماره ۳۹.

• افراسیابی(علی)، (۱۳۸۹)، پارادایم‌های حاکم بر

پیش‌گیری وضعی از جرم، فصل‌نامه علمی-

ترویجی مطالعات پیش‌گیری از جرم،

سال پنجم، شماره ۱۷.

• افراسیابی، (محمداسماعیل)، (۱۳۷۷)،

حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات

فردوسی، چاپ اول، جلد دوم



بازنگری مفهوم کودک کار؛ مقررات گذاری و چالش های حقوقی

یاسین زمانی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Yasinzamani6511@gmail.com



چکیده

آزاری که با بهره‌کشی از کودک به وی وارد می‌شود، تراژدی غمگینی است که هیچ وجدان بیداری تاب تحمل آن را ندارد. در این میان، مفهوم کودک کار، از سوی همگان، بیشتر در بستر بهره‌کشی فیزیکی از کودک دیده شده است. کودکی که کیسه‌های بزرگ و سنگین زباله را حمل می‌کند، جعبه‌های بزرگ آجر و سیمان را حمل می‌کند، در حال انجام تعمیرات یک اتومبیل با رنج بسیار است؛ همه این‌ها، مفهوم کودک کار را به ذهن آدمی تداعی می‌کند و از سوی همگان مذموم شمرده می‌شود. رشد فضای مجازی در قرن ما، بستری جدید برای کار کودک فراهم آورده که این بار بر خلاف گذشته ملموس نبوده و مرز آن روشن نیست. این نوشته، با دید اجتماعی و حقوقی به معرفی این نوع کار کودک خواهد پرداخت و سعی خواهد شد که طبیعت غیرفیزیکی و غیرمادی چنین کاری روشن شود. سوءاستفاده از کودک از طریق فضای مجازی به طرق مختلفی انجام می‌شود؛ در این نوشته بر اینفلوئنسری مجازی به عنوان یکی از جدیدترین انواع بهره‌کشی از کودک تأکید می‌شود. در صورتی که کار کودک در فضای مجازی به عنوان امری مذموم شناخته شود، تنظیم مقررات از درگاه حقوق، نقشی مهم در بهبود وضعیت کودکان خواهد داشت. به همین دلیل در این نوشته برخی ابعاد حقوقی این نوع کار کودک نیز مشخص می‌شود.

واژگان کلیدی: کودک کار، فضای مجازی، والدین اینفلوئنسر، بهره‌کشی

مقدمه

کودک، پاک‌تر از آن است که به پلیدی کلمات انتقام، کیفر، پاداش و مکافات آلوده شود.^۱ کار کودک را می‌توان کاری دانست که کودکان را از فرصت‌های بچگی و معصومیت وی

۱. این جمله برداشتی است از: فریدریش ویلهلم نیچه، «چنین گفت زرتشت»، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات آگاه، چاپ بیست‌وهشتم، پاییز ۱۳۸۷، صفحه ۱۰۷.





محروم کرده و برای آن‌ها ضرر و زیان جسمی و روانی ایجاد می‌کند.^۲ برای درک عمیق‌تر این موضوع باید شناختی از مفهوم کار و کودک داشت. تعاریف متعددی برای کار وجود دارد. در اینجا، مراد، بیان همهٔ این تعاریف نیست؛ بلکه نکته مهم این است که کار مفهومی است که در بستر زمان تغییر اساسی کرده و تغییرات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، هر بار جلوه‌ای متفاوت از کار را ارائه داده‌اند. امروزه با رشد فضای مجازی، ارائهٔ تعریف ملموسی از کار و عمل تولید دشوار می‌نماید و خصوصاً رشد پلتفرم‌های مختلف مجازی، فضایی را فراهم کرده‌اند که بعضی امورات غیرمادی یا غیرفیزیکی^۳ هم بتواند کار محسوب شود. از طرف دیگر، مطابق کنوانسیون حقوق کودک، کودک فردی به حساب می‌آید که زیر هجده سال سن داشته باشد^۴ اما در بستر کار کودک آنچه از مفهوم کودک به ذهن می‌آید این است که با توجه به تعریف سازمان جهانی کار که قبل‌تر ذکر شد، کودک به واسطهٔ کار از بچگی محروم شود و به رشد جسمی و روانی وی آسیب وارد شود و مسلماً چنین کاری کودکان را از فرصت تحصیل در مدرسه محروم می‌کند یا آنان را مجبور می‌سازد که مدرسه را ترک کنند. بعضی از نظریات، کار کودک را بر اساس زمان کار دیده‌اند و بین آنها نیز رویکردهای مختلفی وجود دارد؛ به عنوان مثال یک عده می‌گویند کار کودک کاری است که به صورت تمام‌وقت باشد. اگر کار به صورت تمام‌وقت نباشد، آنگاه کار کودک نیست. این چنین رویکردهایی به علت صرفاً فیزیکی دیدن کار کودک است. اما ملاک ما در این نوشته زمان نیست؛ بلکه بهره‌کشی^۵ از کودک ملاک است. این نوشته در سه بخش بررسی می‌شود؛ در ابتدا به بررسی سابقهٔ کار کودک و ابعاد آن می‌پردازیم و نشان خواهیم داد که چگونه فضای مجازی بستری

2. International Labour Organization (ILO), "What is child labour" (1999), <http://www.ilo.org/ipecc/facts/lang--en/index.htm>.

۳. در این نوشته کار غیرمادی و غیرفیزیکی به عنوان معادل هم به کار رفته‌اند که معادل imma- terial در زبان انگلیسی می‌باشد.

4. «convention on the Rights of the Child.» Opened for signature by general assembly resolution 44/25 of 20 November 1989, entry into force 2 September 1990, article 1, page 2, <https://www.unicef.org/child-rights-convention/convention-text>.

5. Exploitation

جدید برای بهره‌گیری از کودک و کار کودک تبدیل شده است. سپس، به بررسی مفهوم اینفلوئنسری مجازی و رابطه آن با کار کودک خواهم پرداخت. در نهایت نیز به بررسی حقوقی وضعیت کار کودک در فضای مجازی می‌پردازم و چالش‌های حقوقی موجود نیز تا حدی بررسی می‌شود.^۶

۱. بررسی سابقه کار کودک

بهره‌کشی از کودک و کار کودک پیشینه‌ای طولانی دارد. در اینجا، به بررسی وضعیت کار کودک به‌ویژه از قرن بیستم به بعد می‌پردازم؛ یعنی در برهه‌ای از زمان که کار کودک با تبلیغات و رشد مصرف‌گرایی آمیخته شده است. در جایی که معصومیت کودک در برابر اقتصاد لیبرال و بعدتر نئولیبرال نادیده گرفته شده و در جامعه سرمایه‌داری مدرن، به کودک به چشم یک بزرگسال همانند سایر افراد جامعه نگریسته می‌شود؛ بنابراین، بررسی وضعیت سابقه کار کودک در دو بخش قابل‌بررسی است. مورد نخست، حضور کودک در مدرسه؛ تداوم پدیده کار و مورد دیگر کودک به‌عنوان مصرف‌کننده مستقل می‌باشد.

۱-۱. حضور کودک در مدرسه؛ تداوم پدیده کودک کار

در قرن بیستم، تحت‌تأثیر افکار عمومی و رشد اقتصادی و حتی ادبیات، کودکان از کارخانه‌ها حذف شدند و اندک‌اندک در مدرسه جای گرفتند. از این زمان به بعد بود که کودک به‌جای اینکه در کنار سایر اعضای خانواده نان‌آور باشد، تبدیل به مسئولیتی برای پدر و مادر شد. پدر و مادر موظف شدند برای کودک امکاناتی را فراهم کنند تا با آرامش تحصیل کند. از جهت دیگر، مدرسه به‌واقع نمادی برای جدایی دنیای کودک از بزرگسال بود. با این وجود، حضور کودکان در مدرسه مانع توسعه و رشد بعضی صنایع خلاقانه جدید، خصوصاً صنعت سرگرمی نشد.

۶. در این مقاله منظور از کار کودک یا کودک کار، کاری است که با بهره‌کشی از کودک وی را از حقوقش محروم کرده و برای وی شرایط دشواری ایجاد می‌کند؛ مسلماً انجام برخی کارها توسط کودکان می‌تواند سازنده باشد که در ادامه این دسته از کارها نیز به اجمال بررسی می‌شود.





در شرایطی که مدرسه رشد و بالندگی کودک را موردتوجه قرار داده بود، صنعت سرگرمی از سوی خانواده‌ها موردتوجه قرار گرفت. از یک سو، خود سرگرم‌شدن کودکان که معمولاً در خانه‌ها حضور داشتند برای خانواده‌ها فایده داشت و از جهت دیگر که بسیار مهم است، خود کودک با حضور در این صنعت می‌توانست به اقتصاد خانواده کمک قابل‌توجهی بکند. به همین دلیل بود که خانواده‌ها گرایش بسیار زیادی به صنعت سرگرمی نشان می‌دادند و کودکان با کار در چنین کارخانه‌هایی درآمدهای بالایی کسب می‌کردند. البته کار کودکان در این حوزه، خالی از پیامدهای منفی نبود. برای نمونه می‌توان به اتفاقاتی اشاره کرد که منجر به تصویب قانون کوگان^۷ شد.

۷. قانون کوگان یا سند کودک بازیگر کالیفرنیا (Coogan law or California Child Actor's Bill) یک سند حقوقی است که هدف آن حمایت از درآمدهای کسب‌شده توسط کودکان است. این قانون پس از اتفاقات رخ‌داده برای جکی کوگان به نام او نامگذاری شد. جان لزی کوگان یا همان جکی کوگان بازیگر کودکی بود که با بازی در فیلم بسیار معروف پسر بچه اثر مهم چارلی چاپلین (The kid 1921) به شهرت و ثروت رسید. در سن بیست و یک سالگی، متوجه شد که بخش زیادی از اموال وی توسط مادر و ناپدری‌اش به نفع خود مصادره شده است. او در سال ۱۹۳۸ علیه آنها طرح دعوا کرد که موجبات تصویب سند پیش‌گفته که جهت حمایت از درآمدهای کسب‌شده توسط کودکان بود، فراهم شد. این سخنان مادر او شایان توجه است که گفته بود: «ما هیچ زمانی هیچ‌قولی نداده بودیم که به جکی پولی بدهیم.» در ادامه در مورد این قانون بیشتر خواهیم دید.

کار کودکان در بخش سرگرمی، به معنای این بود که هدفی که از حضور کودکان در مدرسه وجود داشت، به واقع جامعه عمل به خود نپوشانده و کودک همچنان می‌تواند به راحتی به کار گرفته شود. تغییراتی که در قرن بیستم از بزرگسالان کوچک^۸ کودکانی ساخت و کودکان را از جامعه بزرگسالان جدا ساخت، ارزش خود را تا به امروز حفظ کرده؛ اما همان‌طور که در همان زمان، رشد این فکر نتوانست مانع به کارگرفتن کودکان در کارهای نوآورانه و جدید و بهره‌کشی از آنها به طرق جدید شود، امروزه نیز، رشد فضای مجازی راه‌های بسیاری را برای نقض حقوق کودک فراهم آورده است؛ با این تفاوت که این بار، از دید همگان، کودک در حال بازی کردن است؛ اما با فیلم‌برداری لحظه به لحظه زندگی او، وی به طور غیرمستقیم در حال کار کردن است؛ کار او مثل قبل مادی، فیزیکی و ملموس نیست و جلوه‌ای خاص و ویژه به خود گرفته است.

۲-۱. کودک به عنوان مصرف‌کننده مستقل

در قرن بیستم، هم‌زمان با جای گرفتن کودکان در مدرسه، با رشد تلویزیون و برنامه‌های مخصوص کودک، بازاریابان برای فروش محصولات خود، کودکان را مرکز توجه خود قرار دادند. کودکان همواره تأثیر زیادی بر پدر و مادر خود می‌گذارند. برای مثال، فرض کنید پدر خانواده همراه با کودک خود درحالی که در فروشگاه‌های که انواع محصولات در آن وجود دارند قدم می‌زند، تصمیم می‌گیرد که یک بسته ماکارونی بخرد. فرض کنیم که در این نوع فروشگاه دو نوع ماکارونی مختلف وجود دارد که هر کدام تولید یک کارخانه خاص هستند. حال، پدر خانواده به‌هنگام خرید، به‌دلخواه خود یک بسته ماکارونی را انتخاب می‌کند و آن را در سبد خرید خود قرار می‌دهد.

۸. نگاه کنید به:

Bayan Kojok, "Reinventing Child Labour: A Contemporary Analysis of Children's Participation in the Digital Labour Economy" (2022), Major Papers, 226.



اینجا، ما شاهد نقطه‌ای هستیم که جامعه به کودک آموزش می‌دهد که زندگی، به معنای خریدن و خواستن است. البته این تنها شکل تأثیر کودک بر خانواده خود نیست. بلکه گاهی بازاریابان با تشویق کردن کودک به گریه و زاری بر او تأثیر می‌گذارند.

عمده توجه منتقدان بازاریابانی که کودکان را هدف قرار می‌دهند، بر نتایجی است که این عمل به بار می‌آورد. به عنوان نمونه، عمدتاً بر مشکلاتی مثل اضافه وزن تأکید می‌شود. به این معنا که کودکان که حالا هدف تبلیغات به شمار می‌آیند با تأثیرگذاری بر خانواده خود برای خرید محصولات غذایی، مواردی را خریداری می‌کنند که به لحاظ غذایی سالم نیستند. مثلاً محصولاتی که شکر زیادی دارند یا

آنچه که گفته شد، متعلق به زمانی است که بازاریابان و کارخانه‌داران، هنوز کودکان را هدف خود قرار نداده بودند. با گذر زمان و رشد استفاده از تلویزیون، کودکان اندک‌اندک به یک مصرف‌کننده مستقل تبدیل شدند و مرز بین کودکی و بزرگسالی از بین رفت. این زمانی است که کودکان مستقیماً در خرید یک محصول نقش داشتند. در مثال پیش گفته، اگر همان یک بسته ماکارونی را در نظر بگیریم، یکی از این بسته‌ها عکس یک شخصیت کارتونی، مثل باب اسفنجی یا شخصیت‌های دیزنی و... را دارد و کودک تحت تأثیر تبلیغات به یک باور رسیده است؛ باور به اینکه محصولی که تصویر شخصیت کارتونی مورد علاقه او روی آن است خوشمزه‌تر یا باکیفیت‌تر است. در

یک محصول به‌طور مستقل نقش داشته باشد. اما در اینجا آنچه که متفاوت است این است که مرز بین کار و بازی کودک، روشن نیست. از طرف دیگر، روشن نیست که کودک دقیقاً از چه زمانی به‌عنوان یک مصرف‌کننده مستقل ظاهر می‌شود و نقش وی به چه میزان است. علت این ابهام، غیرمادی بودن کار کودک در فضای مجازی است که در وهله اول نیازمند شناخت کامل از آن و سپس مقررات‌گذاری و حل چالش‌های حقوقی مربوط به آن است.

۲. اینفلوئنسری و کار کودک

در قرن بیست‌ویکم، فضای مجازی در کنار و در چنین فضایی پدیده اینفلوئنسری به‌وجود آمده و رشد می‌یابد. در وهله اول باید اذعان نمود که تعریفی دقیق برای اینفلوئنسری، حتی در پیشرفته‌ترین نظام‌های حقوقی وجود ندارد. اما این مانع از آن نشده است که در فضای پژوهشی به این موضوع توجه نشود. به‌هرحال برای شناخت این پدیده، می‌توان معیارهایی را ارائه نمود که البته این معیارها هم نمی‌توانند به‌طور دقیق اینفلوئنسر را از غیر آن تمیز دهند؛ بنابراین، در تلاش برای ارائه یک تعریف جامع و مانع، نقطه نخست مواجهه با پدیده اینفلوئنسری و پدیده کودکان کار فضای مجازی، در یک نظام حقوقی پویا است. در ادامه به ارائه چند معیار^۹ برای شناخت یک اینفلوئنسر می‌پردازم.

فست فودهایی چون مک‌دونالد. اما آن نقطه‌نظری که در این قسمت مهم است چنین نتایجی نیست. بلکه هدف تبیین‌کردن این موضوع است که با هدف قرارگرفتن کودکان در تبلیغات، مرز بین بزرگسالی و کودکی از بین می‌رود. به‌واقع بازاری تشکیل شده است که مرکزیت آن با کودک است و کودک را خودمختار در مصرف می‌داند و به دنبال محافظت از کودک از دنیای بزرگسالان نیست؛ بلکه کودک به‌عنوان یک مصرف‌کننده در کنار بزرگسال قرار می‌گیرد. باتوجه‌به آنچه که گفته شد، درمی‌یابیم که ریشه‌های استفاده از کودک به قرن بیستم و نظام سرمایه‌داری باز می‌گردد. در قرن بیست‌ویکم و در زمان ما، همه آنچه که در قرن بیستم بود با شکلی جدید و در قالب فضای مجازی نمایان می‌شود. یعنی حضور کودک در مدرسه تداوم می‌یابد و نیز همچنان در بسیاری از موارد، کودک ابزاری جهت تبلیغ هرچه مؤثرتر واقع می‌شود. چرا که کودک با تأثیرگذاری بر پدر و مادر خود می‌تواند در خرید

اولین معیار، صنعتی است که اینفلوئنسر در آن فعالیت می‌کند. مثلاً در سال ۲۰۱۷ مجله فوربز^{۱۰} از دوازده صنعتی نام برد که بیشترین اینفلوئنسر را به خود جذب کرده‌اند. این دوازده مورد شامل حیوانات خانگی، اینفلوئنسری والدین^{۱۱}، مد، سرگرمی، سفر، بازی، تناسب اندام، زیبایی، خانه، غذا، تکنولوژی و تجارت می‌شود. با این حال بسیاری از اینفلوئنسرها هستند که داخل تعریف فوق قرار نمی‌گیرند. به‌واقع آنها قدرت اینفلوئنسری دارند و در فضای مجازی مورد توجه قرار می‌گیرند و نیز تأثیرگذار واقع می‌شوند بدون آنکه در صنعت خاصی جای بگیرند.^{۱۲}

10. Forbes, 'Top Influencers' (Forbes, 2017), <https://www.forbes.com/top-influencers/#b5f7b0872dde>

11. Parenting

۱۲. برای نمونه می‌توان به لیل‌تای (Lil Tay) اشاره کرد. او دختر نه ساله‌ای بود که در سال ۲۰۱۸ به شهرت بسیار زیادی در فضای مجازی خصوصاً اینستاگرام دست یافت. او ادعا میکرد که جوان‌ترین خودنمای (flexer) قرن است. ویدیوهای او عمدتاً ویدیوهای موسیقی رپ و با فیلم‌گرفتن با ماشین‌های گران‌قیمت و استفاده از الفاظ رکبک و... بود که عمل وی در هیچ‌کدام از دسته‌های فوق جای نمی‌گرفت. ویدیوهای او مدت کوتاهی بعد از به شهرت رسیدن وی در همان سال ۲۰۱۸ پاک شد.



صورت گیرد، اما نقطه نظری که در این پژوهش مهم است، بهره‌کشی از کودک به‌ویژه از طریق اینفلوئنسری والدین و خصوصاً مادران اینستاگرامی^{۱۳} است.

اینفلوئنسری با یک ویژگی مهم آمیخته است. این ویژگی همان خود برندسازی^{۱۴} است. به‌واقع، یک اینفلوئنسر با اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به خود، اندک‌اندک اقدام به ساخت یک برند^{۱۵} می‌کند. معمولاً برندسازی شخصی به تولید ارزش شخصی تعریف می‌شود. به این معنا که یک اینفلوئنسر با تصاویر و فیلم‌ها، یک تصویر عمومی از خود ارائه می‌دهد که این تصاویر به فردی که پشت این تصاویر هستند، گویا مثل یک کالای تجاری، برند و امتیازی می‌دهد. شکل‌گیری این امتیاز مستلزم ایجاد اعتماد است. اینفلوئنسر در این مقطع خود را یک شخصی با اعتبار^{۱۶} معرفی کرده و سعی می‌کند با مخاطب خود رابطه برقرار کند. این رابطه هر روز نیاز به مستحکم‌تر شدن دارد و برای تحقق آن از ابزارهای مختلفی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال شکل و ترکیب ویدئوی ساخته شده و تکنولوژی استفاده شده در آن اهمیت اساسی می‌یابد.

دومین معیار، می‌تواند منبع شهرت اینفلوئنسر باشد. در واقع پرسش اصلی اینجاست که آیا فردی که در فضای مجازی فعال است و قدرت تأثیرگذاری بر بقیه دارد، شهرت خود را از منبعی غیر از فضای مجازی کسب کرده یا اینکه خود فضای مجازی موجبات شهرت وی را فراهم آورده است؟

معیار سوم، می‌تواند میزان تأثیرگذاری فرد باشد. به این معنا که تعداد دنبال‌کننده‌های او یا تعداد بازدید ویدئو و تصاویر او به چه میزان است.

با نگاهی به سه معیار گفته شده، معلوم می‌شود که هرکدام از این معیارها ضعف‌هایی دارند و بدون شک، ارائه تعریفی جامع و مانع دشوار و در بعضی موارد ناممکن می‌نماید. در اینجا است که از درگاه حقوقی شم قضایی نقش حیاتی می‌یابد و نیاز به انعطاف‌پذیری نظام قضایی به‌وضوح دیده می‌شود.

۱-۲. اینفلوئنسری والدین

اگرچه در فضای مجازی، به‌خصوص اینستاگرام، بهره‌کشی از کودک به طرق مختلف می‌تواند

13. Instamoms

14. Self-branding

۱۵. برای فهم بهتر معنای خود برندسازی بهتر است ذهن را به سمت یک برند تجاری برد. آن احساساتی که به هنگام دیدن نام یک برند خاص به ذهن مشتری می‌آید، یک برند تجاری را تشکیل می‌دهد. در خود برندسازی این بار یک فرد برند شده است. یک فرد با انجام اقداماتی که در ادامه خواهیم دید در بسیاری از موارد کودک هم در آن دخیل است، از خود یک برند تولید کرده و آن را به فروش می‌رساند. به‌نظر خود برندسازی، ویژگی ذاتی اینفلوئنسری می‌باشد.

16. Authentic



مسلماً مخاطب خاص اینستاگرام یا هر شبکه دیگری، به ویدئوی باکیفیت‌تر بیشتر جذب می‌شود. از طرفی نیز، اینفلوئنسر تلاش می‌کند تا با نشان دادن موفقیت‌های چشمگیر خود در برخی زمینه‌ها رابطه محکمی با مخاطب خود ایجاد کنند. البته به این دلیل که ایجاد یک رابطه مستحکم مستلزم تبادل روابط انسانی است، یک اینفلوئنسر گاهی از ضعف‌های خود و شکست‌های خود در زندگی صحبت می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه توانسته است مشکلات خود را حل و فصل کند.

در پدیده مادران اینستاگرامی و اینفلوئنسری والدین، می‌توان موارد پیش‌گفته‌شده را به‌وضوح دید. اما نقطه نخست بهره‌گیری از کار کودک از همین‌جا آغاز می‌شود. جایی که برای ایجاد اعتماد، مادر از کودک خود استفاده می‌کند؛ به عبارت بهتر برای ساخت یک برند از مادر یا پدر اینفلوئنسر، کودک مورد بهره‌کشی واقع می‌شود. در چنین شرایطی در بیشتر موارد، کودک به کار گرفته شده اما کار وی ملموس نیست و مشخص نیست که مرز بین بازی کودک و کار کودک کجاست. گاهی ممکن

است خود کودک از وضعیت موجود لذت ببرد، اما اولاً این لذت همیشگی نیست و ثانیاً در تصمیم‌گیری در رابطه با موضوع کار کودک و بهره‌کشی از وی، بدون شک ملاک لذت‌بردن یا نبردن کودک نیست؛ بلکه ملاک اصلی نوعی بهره‌کشی از کودک است که می‌تواند بر روی آینده او و حتی مهم‌تر از آن بر ارتباط کودک با مدرسه و جامعه اطراف وی تأثیرگذار باشد. رابطه اینفلوئنسری والدین و کار کودک را می‌توان در دو بخش مجزا سنجید؛ اولین مورد، اینفلوئنسری و تبلیغات است و مورد دیگر به اشتراک‌گذاری تصاویر و حریم شخصی می‌باشد.

۱-۱-۲. اینفلوئنسری و تبلیغات

رشد اینفلوئنسری والدین، توجه بازاریابان^{۱۷} را به خود جلب کرد. والدین اینفلوئنسر، با به اشتراک گذاشتن خود، کسب اعتماد می‌کنند. کم‌کم این اعتماد تبدیل به یک رابطه بین اینفلوئنسر و مخاطب می‌شود. از این جهت که مادر یا پدر اینفلوئنسر، با طرّقی که پیش‌از این گفته شد برای خود اعتبار کسب کرده است، مخاطب

17. Marketers



اکنون به اینفلوئنسر اعتماد کرده و وی را در بعضی موارد آموزگار خود می‌داند و از نظرات وی استقبال می‌کند. در همین نقطه است که بازاریاب وارد می‌شود. در نتیجه این موضوع، یک نوع به هم پیوستگی بین یک والدین خوب بودن و مصرف ایجاد می‌شود. به عبارت بهتر، به مخاطبان اینفلوئنسر این اندیشه القا می‌شود که اگر می‌خواهید مادر یا پدر خوبی باشید باید این محصول را مصرف کنید یا برای فرزند خود چنین محصولی را فراهم آورید. بازاریابان واقف به این موضوع آن‌ها را تشویق می‌کنند که از کالای آنها تبلیغ کنند. به دلیل اعتبار اینفلوئنسر مخاطبان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

است. حتی لباس کودک هم هماهنگ با فضای موجود در تصاویر است. معمولاً این گونه است که در مواجهه با دوربین تبلیغات کننده، کودک باید ژست، رفتار و اشارات خاصی را به اجبار تمرین کند و این چیزی جز کار کودک نیست. مخاطب به هنگامی که تصویر را مشاهده می‌کند، صرفاً تصویر یک کودک را بعضاً لبخندزنان و شاد می‌بیند در حالی که پشت این تصویر یک بازاریابی است که با حمایت از تصویر، کالای خود را تبلیغ می‌کند. به همین خاطر بهره‌کشی از کودک ملموس نبوده و درک آن مانند اشکال سابق کار ممکن نیست.

در چنین شرایطی، برای ایجاد یک تبلیغات مفیدتر، کودک به کار گرفته می‌شود. کودکی را تصور کنید که پست او در اینستاگرام منتشر شده در حالی که در یک فروشگاه بزرگ شیرینی‌فروشی است و تصویر پشت سر او انواع و اقسام شیرینی‌ها و شکلات‌ها را نشان می‌دهد. این که از یک کودک در یک شیرینی‌فروشی تصویری گرفته شود و پخش شود به خودی خود امری کاملاً طبیعی و عادی است. اما اگر در تصاویر کودک کار فضای مجازی دقت صورت گیرد، معلوم می‌شود که همه چیز در این نوع تصاویر از قبل برنامه‌ریزی شده



۲-۱-۲. اشتراک گذاری تصاویر و حریم شخصی

عموم قرار می‌گیرند. انتشار تصاویر بدون رضایت آنان بدون شک در رابطه با آینده آنها تأثیرگذار خواهد بود؛ اما نکته مهم این است که با انتشار تصاویر کودک، هویتی که از کودک به انتشار گذاشته می‌شود، در راستا و همسو با هویت پدر و مادر خود است و کودک از هویت مستقلی برخوردار نیست. بدین معنا که پدیده اشتراک گذاری مکرر تصاویر، موجبات تعریف کودک به مثابه فرزند مادر یا پدر اینفلوئنسر را فراهم می‌آورد و نه یک هویت مستقل.

کودکانی که تصاویر آنها در شبکه‌های مجازی همه‌روزه پخش می‌شود، بدون شک در جایگاهی نیستند که به انتشار تصاویر خود رضایت بدهند. اولاً بسیاری از کودکانی که به واسطه پدر و مادر خود در معرض دیگران قرار می‌گیرند بسیار سن کمی دارند. معمولاً می‌توان کودکانی را دید که حتی کمتر از یک سال سن داشته و به طرق مختلف در معرض دید



۳. مقررات گذاری و چالش‌های حقوقی

تا به اینجا، مفهوم کار غیرفیزیکی کودک تا حدی روشن گردید. معلوم شد که انتشار تصاویر کودک در فضای مجازی موجباتی از بهره‌کشی از کودک را فراهم آورده که مانند سابق ملموس نیست و نمی‌توان برای آن مرز مشخصی را در نظر گرفت. آشکار شد که کار کودک خصوصاً در سنین خاصی همچنان مذموم شمرده شده و با رشد آن، کودک از تحصیل ایدئال و کامل بازمانده و از فرصت ایجاد ارتباط سازنده با دوستان، محروم می‌ماند. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین روش‌های برون‌رفت از این بحران، قانون‌گذاری است. اگرچه قانون‌گذاری تنها راه مقابله با چنین مسئله‌ای نیست؛ اما ایجاد قوانین الزام‌آور و نیز ارائه تعریفی از کار کودک که همه انواع این نوع کار را در بر بگیرد ضروری است. مسلماً قوانین موسع در چنین حوزه‌ای نمی‌تواند پاسخگو باشد. در دنیای پست‌مدرن که کارآفرینی و تولید و نوآوری تحسین می‌شود، قانون‌گذار موظف است موجباتی را فراهم کند تا کودکان، خصوصاً بعد از سن پانزده سال فارغ از جنسیت بتوانند به کارهای سازنده بپردازند و به نوآوری‌های آنها بها داده شود. پس هدف از قانون‌گذاری بهتر در این زمینه، بستن همه راه‌های کار نیست؛ بلکه نظم‌دهی به کار کودک است؛ به نحوی که از وی بهره‌کشی صورت نگیرد و آینده و رفاه او در معرض آسیب قرار نگیرد. در ادامه، به اختصار، بعضی از روش‌های ایجاد قوانین بهتر در زمینه کار کودک در فضای مجازی، بررسی می‌شود و به اختصار بعضی از چالش‌های حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد.



۳-۱. ادبیات حقوقی

در جهان امروز، تقریباً در هیچ نظام حقوقی‌ای، کار کودک در قالبی که گفته شد، مورد شناسایی واقع نشده است. کار کودک همچنان در قالب‌های سنتی، صرفاً کار فیزیکی کودک را در بر می‌گیرد. کشورها، معمولاً به‌کارگیری کودکان در کارهای دشواری مثل کار در معادن و کارهای فنی سنگین مثل تعمیرات اتومبیل و... را ممنوع می‌کنند و برای آنان که چنین کودکانی را به کار گیرند مجازات‌هایی در نظر می‌گیرند؛ اما اتخاذ قوانین در رابطه با کودکان کار فضای مجازی کمتر موردتوجه قانون‌گذاران بوده است. به‌نظر مهم‌ترین علت ضعف مقررات‌گذاری در این زمینه را می‌توان در ضعف ادبیات پژوهشی و خصوصاً ادبیات حقوقی دید. از یک سو، در فضای پژوهشی منابع بسیار ناچیزی وجود دارد که به تبیین چنین مسئله‌ای پرداخته باشند و آن دسته پژوهش‌هایی که وجود دارد دارای نقص‌هایی است. اما از سوی دیگر، منابع حقوقی در این زمینه از یک خلأ جدی رنج می‌برد. اگرچه منابع قابل‌توجهی جهت تنظیم‌گری افراد اینفلوئنسر و یا فضای مجازی وجود دارد، اما آثاری که ابعاد حقوقی این موضوع را روشن

کنند، به‌ندرت دیده می‌شود. به نظر این ضعف پژوهشی، از طبیعت این موضوع سرچشمه می‌گیرد. همان‌گونه که ذکر شد، کار غیرفیزیکی کودک، به‌دشواری قابل‌شناسایی است. به هر صورت، به‌نظر، انجام پژوهش‌هایی که از دید حقوقی به کودکان کار فضای مجازی نگاه کنند، ضروری می‌باشد.

۳-۲. تئوری‌های مسئولیت

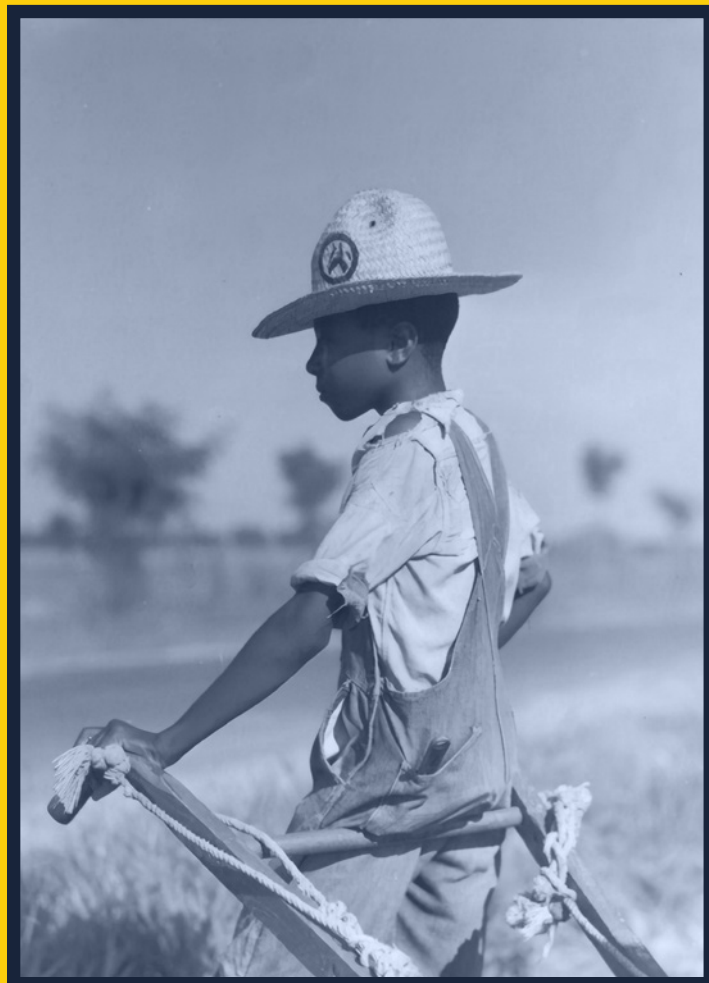
بدون شک، مخاطبان اینفلوئنسرها نیز به دیده‌شدن آنها که نتیجه آن بهره‌کشی بیشتر از کودکان است کمک می‌کنند. این کمک از راه‌هایی مثل علاقه نشان‌دادن^{۱۸} به پست مربوطه و یا نظر دادن به پست، انجام می‌شود. پس در آسویی که به کودک وارد می‌شود، افرادی به جز والدین نیز نقش دارند.



از طرف دیگر، توجه به این نکته نیز ضروری است که والدین اینفلوئنسر الزاماً قصد وارد کردن آسیب به کودک را ندارند. نباید فراموش کرد که مقدمه ورود بعضی افراد به این حوزه، نیاز مالی و کسب درآمد است. در بسیاری از موارد والدین با این هدف به اینفلوئنسری روی می‌آورند که امکانات بهتری برای فرزند خود فراهم سازند.

هدف از طرح موارد بالا این بود که این نکته خاطرنشان شود که اگر بنا به طرح مسئولیت باشد، به نظر نیاز به اتخاذ تئوری‌های مسئولیت انعطاف‌پذیرتر و جدیدتر دیده می‌شود. ممکن است طرح کردن مسئولیت حقوقی نظردهندگان به پست یک مادر اینستاگرامی، امری بس دورازذهن و امکان‌ناپذیر باشد. چگونه می‌توان این چنین افرادی را شناسایی کرد؟ بسیاری از مخاطبان فضای مجازی، کاملاً به صورت اتفاقی به یک پست خاص علاقه نشان می‌دهند بدون آنکه اصلاً به محتوای آن نگاه کنند. حال که مسئولیت حمایت‌کنندگان از چنین پستی را نمی‌توان مطرح کرد، به نظر بهترین راه برای کاهش چنین اقداماتی، آگاهی‌بخشی به افراد، از درگاهی خارج از حقوق باشد.

پیش از این دیدیم که در قانون کوگان، چگونه قانون، خانواده یک کودک کار را مجبور کرد تا منافع حاصل از کار کودک را به وی بازگردانند. در کار غیرفیزیکی کودک، در شرایطی که ممکن است از ویدئوها و تصاویر کودک برای سالیانی چند، بهره‌کشی صورت گیرد، به‌هنگام بزرگسالی او جبران غرامت و کسب رضایت به راحتی قبل نیست.^{۱۹} در چنین شرایطی، حقوق با چالش جدیدی روبه‌رو می‌شود. اگر بنا به جبران غرامت باشد، این امر



بدیهی است که جبران خسارات وارده به کودکی که سال‌ها در معرض اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدئوهای خود بوده است، اگر امری محال نباشد، امری مشکل است. از طرف دیگر، فارغ از بحث اشتراک‌گذاری، ممکن است که به علت زیاده‌ی خسارات وارده، جبران خسارات اصلاً ممکن نباشد.

۳-۳. حقوق کیفری و مجازات پدر و مادر اینفلوئنسر

یکی از راه‌حل‌های ممکن برای برون‌رفت از بحران کار کودک در دوره پست‌مدرن، می‌تواند اتخاذ تدابیر کیفردهی و مجازات باشد. دو هدف کلاسیک مجازات، می‌تواند ارباب و بازدارندگی خود فرد و سایر افراد از ارتکاب مجدد آن جرم باشد.

۱۹. در رابطه با قانون کوگان دیده شد که چگونه یک بازیگر کودک توانست در سنین بزرگسالی حقوق از دست رفته خود را طلب کند. اما در نوع جدید کار چنین امری بسیار ناممکن است؛ چراکه زمانی که بازیگر به کاری می‌پرداخت به هر حال با او یا والدین او توافقی صورت می‌گرفت که در نوع جدید کار چنین چیزی ناممکن یا بسیار دشوار است. چگونه می‌توان ثابت کرد که کودک، کاری را انجام داده است؟ در مثال جکی کوگان مادر وی می‌گفت که ما قرار نبود به جکی پولی بدهیم؛ در اینجا این چالش به صورت عمیق‌تر مطرح است و ممکن است این ادعا صورت بگیرد که عمل اینفلوئنسری مادر یا پدر موجب سود را فراهم آورده است نه کار کودک.



مسلماً اتخاذ تدابیر کیفری، زمانی مفید است که به‌عنوان آخرین حربه^{۲۰} استفاده شود. اقدام به مجازات، زمانی که هنوز حتی یک آگاهی جمعی به جرم بودن رفتاری وجود ندارد، می‌تواند صرفاً پدیدآورنده چالش‌های جدید باشد؛ بنابراین، حتی اگر انجام مجازات به‌عنوان یک راه برای برون‌رفت از بحران پیش‌گفته پذیرفته شود، استفاده مکرر از آن، مشکل‌آفرین است. با توجه به آنچه که گفته شد، نقطه شروع مبارزه با پدیده کودک کار پست‌مدرن، ایجاد یک آگاهی نسبت به جرم بودن این رفتار و سپس اقدام به تنبیه افراد خاطی است. اما اتخاذ تدابیر کیفری بدون چالش نیستند. هنگامی که رفتاری جرم انگاشته می‌شود، مسلماً مجازات مناسب برای تحقق اهداف مجازات ضروری است. پس بدون مشخص بودن مجازات مناسب و هماهنگ با اهداف مجازات، به طور دقیق نمی‌توان از اجرای مجازات انتظار نتیجه قابل‌قبولی داشت.



پرسی که مطرح می‌شود این است که مجازات مناسب چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید نسبت بین نوع مجازات و اثربخشی آن را سنجید. مجازات حبس برای والدین، مسلماً وضعیت را برای کودک دشوارتر می‌سازد. کودکی که تا چندی پیش از کاری که باید همواره، جلوی دوربین انجام می‌داد و تظاهر می‌کرد که در حال بازی کردن است، به ستوه آمده بود، اکنون باید رنج دوری از خانواده خویش را نیز تحمل کند و این به هیچ‌وجه وی را از آسیب وارده دور نمی‌کند؛ بلکه آسیب را بیشتر می‌کند. از طرفی، مجازات جزای نقدی هم بدون مشکل نیست. آن چه که در این نوشته عمدتاً بحث شد، نمود اینفلوئنسرهای موفق بود. اما باید دقت کرد که اینفلوئنسرها در میان خود به موفق و ناموفق تقسیم می‌شوند که دسته دوم به علت مواجهه با یک سری مشکلات، از جمله نداشتن امکانات، نداشتن مهارت کسب اعتبار و... اگرچه که در این زمینه فعالیت می‌کنند اما درآمد چندانی کسب نمی‌کنند. این افراد نیز اگرچه کودک را به کاری می‌گیرند که معصومیت کودک را از بین می‌برد، اما به علت نداشتن درآمد کافی، مواجهه آنها با جزای نقدی خود چالش‌های دیگری را به دنبال می‌آورد.

نتیجه

کودک، در طول تاریخ، همواره به طرق مختلف، مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. در دوره معاصر ما، فضای مجازی راه‌های جدیدی را برای بهره‌کشی از کودک و محروم کردن وی از حقوقش، فراهم آورده است که توجه به آن شایسته اهمیت اساسی است. هدف از قانون‌گذاری در این زمینه، بستن همه راه‌های استفاده از فضای مجازی نیست؛ بلکه هدف نظم‌دهی، ساماندهی، و جلوگیری از بهره‌کشی از کودکان است؛ بنابراین، قانون‌گذاری که اقدام به حذف موضوع مسئله کرده و به جای مقررات‌گذاری اقدام به ایجاد محدودیت برای استفاده از پلتفرم‌های مجازی مثل اینستاگرام می‌کند، صرفاً شرایط را برای بهره‌کشی بیشتر از کودک تسهیل می‌کند. حقوق، به‌عنوان یک دانش علمی و عملی، در کنار سایر دانش‌ها نقش مهمی در شناسایی این نوع بحران و اتخاذ تدابیری برای کاهش آن دارد؛ البته که اجرای هر تدبیری از سوی حقوق، مستلزم ایجاد آگاهی در افراد جامعه است. در جامعه‌ای که افراد متوجه نتیجه اعمال خود نباشند، می‌توان آسیب به قشرهای مختلفی را دید که نه تنها وضعیت آن‌ها بهبود نمی‌یابد؛ بلکه روزبه‌روز بدتر می‌شود. پژوهشگران، در هر دانشی، نقشی مهم در افزایش آگاهی مردم و ساختن آینده‌ای بهتر برای کودکان جهان دارند، بنابراین نیاز است که ادبیات پژوهشی در این زمینه غنی شود. در این نوشته سعی شد بعضی از ابعاد حقوقی این بحران، به‌اختصار معرفی شود و مسلماً محدود به همین موارد نیست. برای نمونه، در شرایطی که در حقوق بین‌الملل، همواره در چارچوب اسناد بین‌المللی تلاش شده است که از حضور کودکان در مخاصمات مسلحانه جلوگیری شود، ممکن است فضای مجازی فراهم‌کننده راهی برای دخالت دادن کودکان در مخاصمات باشد. در شرایطی که هر نوع بهره‌کشی‌ای محتمل است، تنها چاره، تلاش برای آگاهی‌بخشی و اقدامات جمعی برای حل چالش است.



- of Style Bloggers on Instagram,” pp. 12–20.
- 8. Nugraha, Rahmuda Putra S and Siti Komsiah. July 2022. “Self-Disclosure as a Form of Personal Branding on Instagram Social Media Platform.” *International Journal of Social Sciences and Humanities Research*, vol. 5, no. 7, pp. 3313. DOI: 10.47191/ijsshr/v5-i7-72.
- 9. Shor, Trevor. 2009. “The Coogan Law,” pp. 2-14.

منابع و مآخذ منابع فارسی

- ۱. اردبیلی، محمدعلی، زمستان ۱۳۹۹، «کلیات حقوق جزا»، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم.
- ۲. بیگزاده، ابراهیم، زمستان ۱۴۰۱، «حقوق بین‌الملل، جلد دوم»، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

منابع انگلیسی

- 3. Archer, Catherine. 2019. “How influencer ‘mumpreneur’ bloggers and ‘everyday’ mums frame presenting their children online.” *Media International Australia*, vol. 170, no. 1, pp. 47-56. DOI: 10.1177/1329878X19828365.
- 4. Grootaert, Christiaan and Ravi Kanbur. “Child Labor: A Review.” Background paper for World Development Report 1995.
- 5. Goanta, Catalina and Sofia Ranchordás. 2019. “The Regulation of Social Media Influencers: An Introduction,” pp. 1-19. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3457197>.
- 6. Kojok, Bayan. 2022. “Reinventing Child Labour: A Contemporary Analysis of Children’s Participation in the Digital Labour Economy.” *Major Papers*, 226. Available at: <https://scholar.uwindsor.ca/major-papers/226>.
- 7. Liu, Rendian and Ayoung Suh. 2017. “Self-Branding on Social Media: An Analysis

” برآورد شده است که از هر سه کاربر اینترنت در جهان یک نفر زیر ۱۸ سال هستند. کودکان به صورت برخط نه تنها از فرصت‌های هیجان‌انگیز بازی، خلاقیت، یادگیری، ابراز وجود، آزمایش ارتباطات و هویت لذت می‌برند، بلکه مقدار فزاینده‌ای از داده‌های شخصی خود را نیز افشا می‌کنند.“

یادداشت ویژه: سن دیجیتال: سن اهلیت برای رضایت به پردازش داده‌های شخصی
دکتر باقر انصاری، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

” برخی از والدین حاضرند برای رسیدن به شهرت و ثروت، حریم خصوصی، آزادی و سلامت روان فرزندان خود را قربانی کنند. حضور ایمن کودکان در محیط دیجیتال می‌تواند موجب ارتقای خلاقیت، دانش و مهارت‌های گوناگون گردد. با این حال، هنگامی که کودکان برای کسب سود تجاری مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، رفاه و چشم‌انداز آینده آن‌ها به خطر می‌افتد. کودک اینفلوئنسر به عنوان پدیده‌ای جدید، چالش‌های حقوقی عمده‌ای را ایجاد کرده است و متأسفانه هیچ یک از نظام‌های حقوقی در سطح جهان، قوانین کارآمد و جامع برای رفع تمامی این چالش‌ها تدوین نکرده‌اند.“

سرمقاله: کودک اینفلوئنسری؛ بهره‌کشی یا سرگرمی؟

عرفان ولی‌پور، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

” خانواده رکن اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه، دولت و جامعه بین‌المللی برخوردار شود. در ازدواج طرفین باید رضایت کامل داشته باشند و در غالب کودک-همسری‌ها این رضایت به‌طور تام وجود ندارد؛ زیرا در بهترین حالت، دختر در زمان ازدواج به دلیل عدم تجربه کافی و غلبه احساسات دست به چنین ازدواجی می‌زند که به مرور زمان متوجه اشتباه خود خواهد شد.“

کودک‌همسری؛ مفهوم‌شناسی، علل و پیامدها

فاطمه عرفان، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی

” اختلال هذیانی یک بیماری روانی است که عموماً نادر است. در بسیاری از موارد ابتلا به اختلال هذیانی، ممکن است با خشونت خانگی مواجه شویم؛ برای مثال در اختلال هذیانی از نوع حسادت مرضی، فرد اعتقاد شدید دارد که همسرش به او خیانت می‌کند درحالی‌که این اعتقاد در واقعیت درست نیست و فرد مبتلا، تحت تأثیر شدید اختلال به آن باور جدی دارد و به همین دلیل ممکن است دست به ارتکاب جرائم خشونت‌بار خانگی بزند.“

راهکارهای پیش‌گیری از خشونت خانگی توسط مبتلایان به اختلال هذیانی (مورد مطالعه‌ی منطقه‌ی ۱۱ تهران در سال ۱۴۰۰)

الهام عبرت‌گیر، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه ارشاد دماوند

” آزاری که با بهره‌کشی از کودک به وی وارد می‌شود، تراژدی غمگینی است که هیچ وجدان بیداری تاب تحمل آن را ندارد. در این میان، مفهوم کودک کار، از سوی همگان، بیشتر در بستر بهره‌کشی فیزیکی از کودک دیده شده است. کودکی که کیسه‌های بزرگ و سنگین زباله را حمل می‌کند، جعبه‌های بزرگ آجر و سیمان را حمل می‌کند، در حال انجام تعمیرات یک اتومبیل با رنج بسیار است؛ همه این‌ها، مفهوم کودک کار را به ذهن آدمی تداعی می‌کند و از سوی همگان مذموم شمرده می‌شود. رشد فضای مجازی در قرن ما، بستری جدید برای کار کودک فراهم آورده که این بار بر خلاف گذشته ملموس نبوده و مرز آن روشن نیست.“

بازنگری مفهوم کودک کار؛ مقررات‌گذاری و چالش‌های حقوقی

یاسین زمانی، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی